

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فضیلت ماه مبارک رمضان در قرآن و حدیث

و احکام روزه

(این جزوه به عنوان منبع مطالعه جهت برگزاری سومین مسابقه کتابخوانی ویژه رمضان المبارک معرفی می شود.)

برسفره الهی

بار دیگر ضیافتی برپا می شود و مؤمنان بر سر سفره رحمت الهی حاضر می گردند. در نیمه های شب تک چراغی در هر خانه اما چلچراغی در دل ها روشن می شود، نجوای مناجات و رایحه سحرانگیز صلوات و تسبیح فضا را ملکوتی و معطر می کند.

اینک ماه رمضان بر دوستانش اقبال نموده است، ماهی که آلودگی ها را می شوید و می سوزاند. توبه دل های خطاکاران و گرسنگی بندگان در این ایام مبارک رحمت الهی را جلب می کند. اگر خواستار آن هستیم که از سفره پر بهره این ماه بهتر و بیشتر برخوردار شویم باید روح و روان را در چشمه زلال روزه بشوییم و نفس اماره را در بند کشیم.

ماه رمضان در دستورات اسلامی و مکتب قرآن یک دوره آموزشی، تربیتی و هدیه ای آسمانی به حساب می آید، آدمی در چنین اوقاتی بیش از ماههای دیگر ملتزم و مقید می گردد که با خدای خویش راز و نیاز کند، عبادات را اعم از واجبات و مستحبات جدی تر انجام دهد، با قرآن انس گیرد و بدین گونه روح خود را با کلام حق صفا دهد، روزه دار رابطه اش را در این ماه با افراد جامعه خصوص محرومان و رنج دیدگان قوی تر می نماید و برای رفع گرفتاری های اقشار کم بضاعت با کوشش افزون تری گام بر می دارد، در واقع روزه دار راستین هم فاصله بین خود و خدا را کم می کند و هم فاصله ها و تضادها و شکاف های اجتماعی را از بین می برد، او برای تفاهم، اتحاد و انسجام بین مؤمنان لحظه ای آرام نمی گیرد، بین قلب ها پیوند و اخوت برقرار می سازد هم از نفس خویش آلودگی ها را دور می سازد و هم همّت به خرج می دهد که ناگواری های اجتماعی زایل گردند و به جای آن تفاهم، مودّت، صمیمیت و هم دردی و دل سوزی متقابل جایگزین شود، روزه دار این گونه خود را به تقوا و

پارسایی نزدیک می‌کند و کسی که پرهیزگاری را در تمامی ابعاد به کار گیرد نزد خداوند از کرامتی ویژه بهره‌مند است، در سرای آخرت برای خود جایگاه ویژه و شایسته در نظر گرفته و نیز به برکت این خویشتن داری و خوش نیتی نوعی فراست و فرزاندگی را بدست می‌آورد و از سرچشمه فیوضات ربّانی جرعه‌های جاویدی می‌نوشد.

در ضیافت پروردگار نشانی از تشریفات اهل دنیا دیده نمی‌شود، قشربندی‌های متداول اجتماعی در این فراخوانی ملکوتی مشاهده نمی‌گردد، همه از کوچک و بزرگ، زن و مرد و فقیر و غنی، دعوت شده‌اند، از این میهمانی شمیم معنویت و نوای اجابت دعا به مشام می‌رسد. شب زنده‌داری بر سجاده راز و نیاز از رسم‌های این دعوت باشکوه است اینک در بگشائید، عود بسوزانید و این همدم مبارک را در تار و پود وجود و لحظه‌های زندگی خود جای دهید، شاید سعادت و فضیلت دیدار این میزبان بی‌همتا دیگر بار نصیب نگردد. رمضانی دیگر سرشار از فضیلت، معنویت و جاذبه‌های درونی نقاب از سیمای تابان خود برداشت و زمین و زمان و دنیای اسلام را از رایحه دل‌آویز خود عطرآگین ساخت. ماه نزول کتاب محکم الهی و ایامی که کرامت و شرافت و برتری آن با سایر ماههای سال قابل قیاس نمی‌باشد، تحمّل گرسنگی و تشنگی و به دیگر سخن «صوم» به معنای تجلی تمام جلوه‌های آن نیست، ماه پالایش از معاصی است.

فلسفه وجوب روزه

خداوند حکیم انسان را آزاد و مختار آفریده، اختیار انتخاب خیر و شر را به او واگذار کرده و راه حق و باطل را به وسیله انبیاء برای او تعیین و روشن نموده است .

فطرت و وجدان خویش پاسخ مثبت داده و از مکتب اصیل انبیا تبعیت نموده‌اند و خود را از آزادی مطلق که خوی و سرشت بهایم و انعام است، برحذر داشته و مفتخر به شرف و فضیلت تکالیف الهی می‌گردند و پای عهدنامه "الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لاتعبدوا الشیطان انه لکم عدوّ مبین و ان اعبدونى هذا صراط مستقیم" ۱ را امضا کرده و به آن وفا دار می‌باشند.

از آیات و روایات استفاده می شود که انسانهای آزاده فقط بندگانی هستند که خداپرست و مکلف به تکالیف آسمانی اند، و بقیه از فضیلت و شرافت انسانیت محروم می باشند. یکی از برنامه های مترقی و متعالی دین مبین اسلام که ضامن سعادت دنیا و آخرت و تزکیه نفس و اخلاق و بهداشت جسم می باشد، روزه است.

روزه یک موهبت بزرگ الهی است که خداوند بر بندگان خویش منت نهاد و روزه را به عنوان یک فریضه بر آن واجب نمود. روزه عامل بازدارنده از گناه و سرکوب کننده نفس عصیانگر است. روزه در اصلاح نفس و تربیت آن و کنترل هواهای نفسانی و غرایز حیوانی نقش اساسی و تعیین کننده ای دارد. با نزدیک شدن ماه مبارک رمضان مسلمانان به تکاپو می افتند و خود را برای انجام این فریضه الهی و این مهمانی خدا آماده می کنند و همه دوست دارند که نهایت استفاده را از این ماه پر فیض و برکت ببرند. به جهت آگاهی و توجه بیشتر، با استفاده از آیات و روایات نورانی اهل بیت (ع) فلسفه و جوب روزه از چهار بُعد به شرح ذیل مورد بحث و بررسی قرار داده می شود.

۱- بُعد معنوی و روحانی:

طبق آنچه از آیات و روایات استفاده می شود، بعد معنوی و روحانی و اخلاقی فلسفه و جوب روزه از دو جهت قابل بحث و تحقیق است:

الف) تقوا:

تقوا در اسلام به عنوان ارزش اصیل اخلاقی و هدف تشریح احکام معرفی شده است. هدف تشریح بعضی عبادتها، بلکه اصل عبادت این بوده که مردم با انجام آن اعمال با تقوا شوند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: "یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون" ۲ ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما واجب شده، چنانکه بر کسانی که قبل از شما بودند واجب شد، شاید پرهیزگار شوید.

این آیه شریفه، فلسفه این عبادت انسان ساز را در یک جمله کوتاه اما بسیار پرمحتوا با "لعلکم تتقون" بیان می‌کند.

روزه، عامل مؤثری در پرورش روح تقوا و پرهیزگاری در تمام زمینه‌ها و همه ابعاد زندگی انسان است. روزه ابعاد گوناگونی دارد که از همه مهمتر، بُعد معنوی و اخلاقی و تربیتی آن است. روزه روح و اراده انسان را قوی و غریز او را تعدیل می‌کند. روزه دار باید در حال روزه با وجود گرسنگی و تشنگی از غذا و آب و همچنین لذت جنسی چشم‌پوشد، و عملاً ثابت کند که او همچون حیوان در بند اصطبل و علف نیست، بلکه او می‌تواند زمام نفس سرکش را به دست گیرد، و بر هوسها و شهوات خود مسلط گردد در حقیقت، بزرگترین فلسفه روزه همین اثر معنوی و روحانی آن است. انسانهایی که انواع غذاها و نوشیدنیها را در اختیار دارند، و هر لحظه تشنه و گرسنه به سراغ آنها می‌روند. مانند درختانی هستند که در پناه دیوارهای باغ بر لب نهرها می‌رویند، این درختان نازپرورده، بسیار کم مقاومت و کم دوام اند، اگر چند روزی آب از پای آنها قطع شود، پژمرده می‌شوند و می‌خشکند؛ اما درختانی که از لابلای صخره‌ها در دل کوهها و بیابانها می‌رویند و نوازشگر شاخه‌هایشان از همان طفولیت طوفانهای سخت، و آفتاب سوزان، و سرمای زمستان است، و با انواع محرومیتها دست به‌گریبانند، محکم و بادوام و پراستقامت و سخت کوش و سخت جانند! روزه نیز با روح و جان انسان همین عمل را انجام می‌دهد، و با محدودیتهای موقت به او مقاومت و قدرت اراده و توان مبارزه با حوادث سخت می‌بخشد، و چون غریز سرکشی را کنترل می‌کند، بر قلب انسان نور و صفا می‌پاشد. ۳

روزه عبادت بسیار مهم و ارزشمندی است که اگر با آداب و شرایط مخصوص و با همان کیفیت که شارع مقدس اسلام خواسته انجام گیرد، در خودسازی و تزکیه و تذهیب نفس تأثیر فراوانی دارد. روزه در مرحله تخلیه نفس از گناهان و اخلاق زشت و آماده ساختن آن برای تکامل و رشد معنوی و انسانی نقش اساسی دارد. روزه دار به وسیله ترک گناهان، نفس اماره را مهار و کنترل نموده و در اختیار خویش قرار می‌دهد. ایام روزه داری یک دوران تمرین ترک گناه و ریاضت نفس است؛ دوران جهاد با نفس و تمرین خود نگهداری است.

در این دوران، انسان علاوه بر اینکه نفس را از گناهان و آلودگیها پاک می سازد، از لذائد مشروع مانند خوردن و آشامیدن نیز چشم پوشی می نماید و بدین وسیله، به نفس خویش صفا و نورانیت می دهد؛ زیرا گرسنگی موجب صفای باطن و توجه به خدا می گردد. انسان در حال گرسنگی غالباً از حال خوشی برخوردار است که در حال پُر بودن معده آن حال را ندارد.

اسلام پرخوری را مذمت نموده و انسان را به کم خوری توصیه می نماید، زیرا انسان با شکم پر نوعاً حال دعا و مناجات را ندارد و در حال گرسنگی، بهتر می تواند لذت عبادت و مناجات را بچشد.

قال رسول الله - صلی الله علیه و آله: "لا تشبعوا فیطفی نور المعرفة من قلوبکم" ۴ پرخوری نکنید که نور معرفت در قلب شما خاموش می گردد.

قال علی - علیه السلام: "نعم العون علی اسر النفس و کسر عاداتها التجوع" ۵ گرسنگی بهترین کمک به نفس و شکستن عادت های او می باشد.

امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - روایت کرده که خداوند متعال در شب معراج به رسول خدا(ص) فرمود: یا احمد، کاش شیرینی گرسنگی و سکوت و خلوت و آثار آنها را می چشیدی. رسول خدا(ص) عرض کرد: پروردگارا! فایده گرسنگی چیست؟ فرمود: حکمت و حفظ قلب و تقرب به من و حزن دایم و کم خرجی و گفتار حق و بیبایی از اینکه در گشایش باشد یا در سختی. ۶

علامه طباطبایی در ذیل تفسیر آیه شریفه "لعلکم تتقون" می فرماید: تعالیم عالییه اسلام و بیانات وافیه، چنین افاده می کند که ساحت قدس پروردگار منزّه از این است که احتیاج و نیاز به چیزی داشته باشد، و از هر گونه نقص و نیازی مبراً است.

پس عبادات، اثرش تنها متوجه بنده خواهد شد، نه خدا، چنانکه گناهان نیز چنین اند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: "ان احسنتم احسنتم لانفسکم و ان أسأتم فلها" ۷ اگر نیکی کردید به خود نیکی کرده اید و اگر بدی

کنید باز به خود کرده‌اید. پس آثار اطاعت یا معصیت، عاید خود انسان می‌شود که شأنی جز نیاز و تهیدستی ندارد: "یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی" ۸ ای مردم، شما نیازمند به خدایید و خدا بی‌نیاز است. و در خصوص روزه می‌فرماید: "لعلکم تتقون" یعنی تشریح این حکم، برای این است که شما پرهیزگار شوید، نه اینکه پروردگار به روزه گرفتن شما نیازمند باشد.

اما اینکه از روزه امید یافتن تقوا می‌توان داشت جای شک نیست، چون انسان این مطلب را در فطرت خود می‌یابد که اگر کسی بخواهد با عالم طهارت و قدس ارتباط پیدا کند و به مرتبه کمال و روحانیت برسد و درجات ارتقاء معنوی را بی‌ماید، اول چیزی که بر او لازم است این است که از بی‌بندی و باری و شهوترانی پرهیزد، و جلوی نفس سرکش را بگیرد و نگذارد که در زمین طبع و طبیعت افسار گسیخته به هر سو که می‌خواهد برود و در هر جا که می‌خواهد بماند و از دل‌بستگی و فرو رفتن در مظاهر حیات مادی خود را منزّه کند. و خلاصه از هر چیز که او را از خدا باز می‌دارد، دوری گزیند، این تقوا از راه خودداری از شهوات و دوری از هواهای نفسانی به دست می‌آید، و آنچه با حال عموم مردم مناسب است این است که در امور مورد نیاز همگان، مانند خوردن و آشامیدن و تمایل جنسی از شهوتهای مشروع هم خودداری کنند، تا به واسطه این تمرین، اراده شان تقویت شود و بتوانند از شهوتهای نامشروع نیز خودداری نمایند و به سوی پروردگار تقرب بجویند، زیرا کسی که در امور مشروع و مباح دعوت خدا را اجابت کرد، در امور غیر مشروع و حرام بهتر اطاعت و فرمانبرداری می‌نماید. ۹ کسی که ماه رمضان را روزه می‌گیرد و در این یک ماه از ارتکاب گناه و اخلاق زشت اجتناب می‌کند، می‌تواند بعد از ماه مبارک رمضان نیز همین حال ترک گناه را ادامه دهد.

روزه عبادتی است که در آن به واسطه ترک لذایذ مشروع و ترک گناهان، قلب روزه دار صیقلی و پاک می‌شود و از فکر و ذکر غیر خدا فارغ می‌گردد.

بدین وسیله، انسان برای استفاضه اشرفات و افاضات ذات ربوبی و لقاء الله استعداد پیدا می‌کند. در چنین حالی مشمول الطاف و عنایات خداوندی قرار می‌گیرد و با جذبه‌های الهی به قرب حق نائل می‌گردد. به همین جهت، در احادیث آمده که نفس کشیدن و خواب روزه دار ثواب عبادت دارد.

مهمترین فلسفه روزه که از احکام اسلام است، رسیدن به تقوا است. دستیابی به سجایای اخلاقی و خصلتهای انسانی مستلزم برپا داشتن این حکم واجب الهی است، زیرا گرسنگی - صرف نظر از عبادت بودن روزه - انسان را از تمایلات و جاذبه‌هایی که او را به سرکشی و بیراهه می‌کشد، باز می‌دارد و خُلق و خوی انسانی را در او زنده می‌کند. بدین ترتیب تقوا برترین ویژگی انسان خودساخته است.

امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - در مورد تقوا چنین می‌فرماید: "فان تقوی الله دواء داء قلوبکم و بصر عمی افدتکم و شفاء مرض اجسادکم و صلاح فساد صدورکم و طهور دنس انفسکم و جلاء غشاء ابصارکم و امن جأشکم و ضیاء سواد ظلمتکم" ۱۰ همانا که تقوا داروی شفابخش بیماری قلبهای شما و روشنگر کوری دلها و شفابخش بیماری بدنها و اصلاح کننده فساد سینه‌ها و پاک کننده آلودگیهای نفس و جلا دهنده پرده‌های دیدگان و آرامش بخش اضطرابهای درونی و روشن کننده تاریکیهای شما می‌باشد.

(ب) آزمایش اخلاص بندگان:

اخلاص از عالی‌ترین مراحل تکامل معنوی است. در اثر اخلاص، قلب مرکز تابش نور الهی می‌گردد و حکمت و دانش از قلب بر زبان جاری می‌شود.

قال علی - علیه السلام - : "فرض الله الصیام ابتلاءً لاخلاص الخلق" ۱۱ خداوند روزه را واجب کرد تا به وسیله آن اخلاص مردم را بیازماید.

و در خطبه حضرت زهرا - سلام الله علیها - درباره امر فدک می‌فرماید: "... فرض الله الصیام تثبیتاً للاخلاص" ۱۲ خداوند روزه را برای تثبیت اخلاص واجب کرد.

از این روایات استفاده می شود که روزه با اخلاص رابطه خاصی دارد. اینکه وجوب روزه به خاطر اخلاص بندگان باشد، حاکی از اهمیت داشتن اخلاص است. انسانی که از تمایلات نفسانی پرهیز می کند و در زمان خاصی خودش را ملزم به رعایت دستورات فقهی و اخلاقی می کند، آن هم در مدت یک ماه، اگر اعمالش همراه با اخلاص نباشد، آن ارزش معنوی خاص را نخواهد داشت.

بنابراین انسانی که سختی ها و مشکلات روزه را تحمل می کند، باید اخلاص داشته باشد، یعنی اعمالش فقط برای رضای خداوند باشد.

در روایات داریم که عمل بدون اخلاص فاقد ارزش است، حتی روزه ای که آن قدر اهمیت و فضیلت دارد که مطلوب خدا است و خداوند خودش می فرماید: من یاداش آن را می دهم "الصوم لی و انا اجزی به" ۱۳
قال علی - علیه السلام :- "الاخلاص ثمرة العبادة" ۱۴ اخلاص ثمره عبادت می باشد.

عبادتی مورد قبول خداوند واقع می شود و سبب قرب و کمال می گردد که از هرگونه ریا و خود خواهی و خودنمایی به دور باشد و فقط و فقط برای خدا انجام گیرد. ملاک و معیار قبولی و ارزش عمل به اخلاص است. هرچه اخلاص بیشتر باشد، عمل نیز کاملتر خواهد بود. در واقع، شرط رسیدن به تقوا که فلسفه روزه بود، اخلاص است. اگر کسی توانست در عبادت ماه رمضان اخلاص داشته باشد، مهمان واقعی حق تعالی شده و به مقام قرب الهی و مقامات معنوی و اخلاقی نایل گردیده است.

۲- بعد اخروی: یادآور قیامت

دومین بعد فلسفه وجوب روزه که قابل بحث است، بعد اخروی آن است که همان یادآوری روز قیامت است؛ یعنی انسانی که در این دنیا روزه می گیرد و گرسنگی و تشنگی را تحمل می نماید، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را، به یاد می آورد. و همین توجه، در رفتار، منش و اعمال او اثر بسزایی می گذارد. اگر انسان اعمالش را با توجه انجام دهد و خود را موعظه کند که حساب رسی دقیقی در پیش دارد، متواضع تر و متخلق تر خواهد شد و از اجر و ثواب بیشتری برخوردار خواهد گردید.

قال الرضا - عليه السلام: "فان قال: فلم امروا بالصوم؟ قيل لكى يعرفوا الم الجوع والعطش، فليستدلوا على فقر الآخرة، وليكون الصائم خاشعاً ذليلاً مستكيناً مأجوراً محتسباً عارفاً صابراً على ما اصابه من الجوع والعطش، فيستوجب الثواب مع ما فيه من الانكسار عن الشهوات وليكون ذلك واعظاً لهم فى العاجل، ورائضاً لهم على اداء ما كلفهم و ذليلاً لهم فى الاجل و ليعرفوا شدة مبلغ ذلك على اهل الفقر والمسكنة فى الدنيا، فيؤدوا اليهم ما افترض الله لهم فى اموالهم" ۱۵ اگر بپرسند چرا روزه واجب شده است؟ پاسخ آن است که درد گرسنگی و تشنگی را بدانند، و از این راه پی به فقر و بی‌زاد و توشه بودن آخرت ببرند، و برای اینکه روزه دار بر اثر ناراحتی که از گرسنگی و تشنگی برایش پیش آمده فروتنی کند و کوچکی کند و نیازمندی نشان دهد تا اجر ببرد و به حساب آورد کار خویش را و بشناسد و پایداری و مقاومت کند بر آن، و از این جهات مستحق اجر شود، با آنچه که در آن است از قبیل جلوگیری از طغیان شهوات و کنترل هواها، و اینکه موجب عبرت و موعظه‌ای باشد برای آنها در این دنیا، و تمرینی باشد برای انجام تکالیف، و راهنمایی باشد برای آنها در عالم دیگر، و بشناسند شدت مشکلات فقرا و بینوایان را در دنیا، و آنچه را که خداوند در اموالشان برای مساکین و تهیدستان واجب کرده ادا کنند.

در این حدیث شریف امام رضا(ع) فلسفه وجوب روزه را بیان نمودند؛ علاوه بر بعد اخروی که یادآوری گرسنگی و تشنگی روز قیامت بود، توجه به مشکلات فقرا و بینوایان هم وجود داشت که این مربوط به بعد اجتماعی است که در قسمت بعد پیرامون آن بحث خواهد شد.

در جایی دیگر امام رضا (ع) چنین می‌فرماید: "انما امروا بالصوم لكى يعرفوا الم الجوع والعطش فيستدلوا على فقر الآخرة" ۱۶ مردم به انجام روزه امر شدند تا گرسنگی و تشنگی را بفهمند و به واسطه آن فقر و بیچارگی آخرت را درک کنند.

پیامبر اکرم(ص) در خطبه شعبانیه می‌فرماید: "و ذكروا بجوعكم و عطشكم جوع يوم القيامة و عطشه" ۱۷ و یاد آورید از گرسنگی و تشنگی روزه داربتان، گرسنگی و تشنگی‌های روز قیامت را.

آنچه از مجموع روایات این باب استفاده شد، یادآوری و توجه به آخرت از راه گرسنگی و تشنگی روزه بود و اینکه آن انسانی که با روزه سختیها و مشکلات را تحمل می‌کند، در این هنگام توجه به فقر و مشکلات روز قیامت بکند.

۳- بُعد اجتماعی: گامی در راه برقراری عدالت اجتماعی

بعد اجتماعی روزه بر کسی پوشیده نیست. روزه یک درس مساوات و برابری در میان افراد اجتماع است که با انجام آن، افراد متمکن هم وضع گرسنگان و محرومان اجتماع را به طور محسوس درمی‌یابند و با صرفه جویی در غذای شبانه روزی خود می‌توانند به کمک آنها بشتابند.

البته ممکن است با توصیف حال گرسنگان و محرومان، سیران را متوجه حال گرسنگان ساخت، ولی اگر این مسأله جنبه حسی و عینی به خود بگیرد اثر دیگری دارد، روزه به این موضوع مهم اجتماعی رنگ حسی می‌دهد، لذا در حدیث معروفی از امام صادق(ع) نقل شده که هشام بن حکم از علت تشریح روزه پرسید، امام(ع) فرمود: "انما فرض الله الصیام لیستوی به الغنی والفقیر و ذلک ان الغنی لم یکن لیجد مسّ الجوع فیرحم الفقیر، و انّ الغنی کلما اراد شیئاً قدر علیه، فاراد الله تعالی ان یستوی بین خلقه، و ان یدیق الغنی مسّ الجوع والالم، لیرق علی الضعیف و یرحم الجائع" ۱۸ روزه به این دلیل واجب شده است که میان فقیر و غنی مساوات برقرار گردد، و این به خاطر آن است که غنی طعم گرسنگی را بچشد و نسبت به فقیر ادای حق کند، چرا که اغنیاء معمولاً هرچه بخواهند برایشان فراهم است؛ خدا می‌خواهد میان بندگان خود مساوات باشد، و طعم گرسنگی و درد و رنج را به اغنیا بچشاند تا به ضعیفان و گرسنگان رحم کنند.

عن حمزة بن محمد قال: "کتبت الی ابی محمد العسکری علیه السلام: لم فرض الله عزوجلّ الصوم؟ فورد فی الجواب: لیجد الغنی مسّ الجوع فیمنّ علی الفقیر" ۱۹ از حمزة بن محمد است که گفت: به ابی محمد عسکری نوشتم: چرا خداوند عزوجل روزه را واجب کرده است؟ در جواب آن آمد: تا غنی حال گرسنگی را بچشد و به فقیر احسان کند.

حدثنا جعفر بن محمد بن حمزة قال: "كُتبت الى ابي محمد الحسن (ع): أسأله لم فرض الله الصوم؟ فكتب اليّ: فرض الله تعالى الصوم ليجد الغنى مضمض الجوع ليحنو على الفقير" ۲۰ جعفر بن محمد بن حمزه در گفت و گویی با ما گفت: به ابي محمد الحسن (ع) نوشتيم: از او پرسيدم که چرا خداوند روزه را واجب کرد؟ براي ما نوشت: خداوند تعالی روزه را واجب کرد تا غنی حس گرسنگی را بچشد تا بر فقير مهر ورزد.

از مجموع این روایات استفاده می شود که یکی از دلایل وجوب روزه، گامی در راه برقراری عدالت اجتماعی است تا انسان غنی و ثروتمند با روزه گرفتن درد گرسنگی و فقر و بیچارگی محرومان و بینوایان را درک کند و کمکی به فقرا بنماید. چقدر زیاد هستند افرادی که گرسنه و فقير و محتاج هستند و کم نیستند افرادی که غنی و ثروتمند می باشند. چقدر خوب است که انسانهای ثروتمند، در ماه مبارک رمضان به فکر محرومان و فقرا باشند و گامی در راه برقراری عدالت اجتماعی بردارند و هر مقدار که امکان دارد، به آنها کمک نمایند. راستی اگر کشورهای ثروتمند جهان، چند روز را در سال روزه بدارند و طعم گرسنگی را بچشند، باز هم این همه گرسنه در جهان وجود خواهد داشت؟!

۴- بُعد جسمانی: صحت و سلامتی جسم

در طب امروز و همچنین طب قدیم، اثر معجزه آسای "امساک" در درمان بیماریها به اثبات رسیده است. عامل بسیاری از بیماریها، زیاده روی در خوردن غذاهای مختلف است؛ چون مواد اضافی جذب نشده به صورت چربیهای مزاحم در نقاط مختلف بدن، یا چربی و قند اضافی درخون باقی می ماند، این مواد اضافی در لابلای عضلات بدن در واقع لجنزارهای متعفن برای پرورش انواع میکروبها و بیماریهای عفونی هستند، بهترین راه مبارزه با این بیماریها، نابود کردن این لجنزارها از طریق امساک و روزه است. روزه زبانه ها و مواد اضافی و جذب نشده بدن را می سوزاند و در واقع بدن را خانه تکانی می کند.

روزه نوعی استراحت برای دستگاه گوارشی و عامل مؤثری برای سرویس آن می‌باشد. از آنجا که این دستگاه در تمام سال به طور دایم مشغول کار است، این استراحت برای آن لازم است. بدیهی است شخص روزه دار طبق دستور اسلام، به هنگام افطار و سحر نباید در غذا افراط و زیاده روی کند، تا از این اثر بهداشتی نتیجه کامل بگیرد! در غیر این صورت ممکن است نتیجه بر عکس شود.

در حدیث معروفی پیامبر(ص) می‌فرماید: "صوموا تصحوا" ۲۱ روزه بگیرید تا سالم شوید.

و در جایی دیگر پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: "والمعدة بيت كل داء و الحمية رأس كل داء" معده خانه تمام دردها و امساک بالاترین داروهاست.

بنابراین، روزه بهترین وسیله برای بهداشت جسم و استراحت معده است، مخصوصاً یک ماه و روزه در سال برای حفظ صحت و سلامتی بدن کسی که عادت به پرخوری دارد بسیار مفید است.

"الکسی سوفورین" دانشمند روسی در کتاب خود می‌نویسد: "درمان از طریق روزه، فایده ویژه‌ای برای درمان کم خونی، ضعف روده‌ها، التهاب بسیط و مزمن، دملهای خارجی و داخلی، سل، اسکلیروز، روماتیسم، نقرس، استسقاء، بیماریهای چشم، مرض قند و... دارد. معالجه از طریق امساک، اختصاص به بیماریهای فوق ندارد، بلکه بیماریهایی که مربوط به اصول جسم انسان و یا سلولهای جسم آمیخته شده، همانند: سرطان، سفلیس، سل و طاعون، را نیز شفا می‌بخشد." ۲۲

یکی از دانشمندان روم می‌گوید: "اولین بیماری مربوط به پرخوری و نخستین درمان نیز روزه گرفتن است." و این سخن را در حدود هزار و چهار صد سال پیش رهبر بزرگ اسلام، با الهام از وحی در اختیار همه مردم دنیا قرار داد، و آن همان جمله معروف "المعدة بيت كل داء و الحمية هي الدواء" می‌باشد که بهترین دستورالعمل بهداشت جسم و تغذیه انسانها است.

دکتر "کارلو" امریکایی می‌نویسد: "شخص بیمار باید در هر سال مدتی از غذا پرهیز کند، زیرا مادامی که غذا به تن می‌رسد، میکروبها در حال رشد هستند، ولی هنگامی که از غذا پرهیز می‌کند، میکروبها رو به ضعف می‌روند." سپس می‌افزاید: "روزه‌ای که اسلام واجب کرده، بزرگترین ضامن سلامتی تن می‌باشد." ۲۳

در کتاب "طب النبی" حدیثی از پیامبر(ص) نقل شده که می‌فرماید: "لا تمیتوا القلب بکثرة الطعام والشراب فان القلب يموت كالزرع اذا كثر عليه الماء" قلبتان را با زیاد خوردن و ازدیاد نوشیدن نکشید، زیرا قلب (کسی که معده‌اش پر از غذا و مایعات است) می‌میرد، مثل زراعتی که هرگاه آبش از حد زیاد باشد خراب می‌شود.

از مطالب فوق استفاده می‌شود که شاید یکی از علت‌های وجوب روزه سلامتی جسم باشد؛ البته همان طوری که در قسمت نخست گفته شد، مهمترین فلسفه وجود روزه همان حصول تقوا و تهذیب نفس و رسیدن به کمالات معنوی و سجایای اخلاقی است که در واقع، برای رسیدن به این مرتبه اعلا، مقدماتی لازم است که یکی از آن مقدمات، صحت و سلامت جسمی است که اسلام توجه به این نکته داشته است.

فواید روزه

مقدمه

روزه یکی از احکام انسان ساز اسلام است، که آگاهی از همه فواید و پی بردن به فلسفه کامل آن همچون سایر احکام الهی برای انسان عادی ممکن نیست، دانش محدود بشر نمیتواند راهگشای همه اسرار نهفته باشد و اندیشه را به پاسخ همه مجهولات رهنمون شود، شاید روزی دانش انسان به حدی از کمال برسد که دریچه تازه ای بر روی بشر بگشاید و حکمتها و دستورات اسلام را باز شناسد....

بنابراین ندانستن فلسفه احکام الهی نباید ما را از انجام آن باز دارد و موجب نا فرمانی و عصیان شود، چرا که این اطاعت کورکورانه نیست، بلکه بر علم و یقین تکیه دارد زیرا مسلمانان میدانند که خدای جهان بر همه چیز

دانا و از همه چیز آگاه است و نقص و نیازی در ذات متعال او نیست که از اعمال سودی بخواهد یا از زیانی بهراسد، خدای مهربان خیر محض است و برای بندگان خود جز خیر و سعادت نمیخواهد، پس اگر به چیزی فرمان میدهد خیر و سعادت ما در آن است و کمال و تعالی ما بدان بستگی دارد و هر چیزی را نهی میفرماید برای ما زیان بخش است و بر مصالح مادی و معنوی ما لطمه میزند.

فواید روزه

روزه فواید جسمی و روحی فراوان دارد، شفا بخش جسم و توان بخش جان است، پاک کننده آدمی از رذایل حیوانی، در ساختن فرد صالح و اجتماع بسامان بسیار موثر است، در تهذیب و تزکیه نفس و رهاندن انسان از روزمرگی و واماندگی در نیازهای تن تأثیر بسزایی دارد. فواید طبی و بهداشتی روزه که از سودمندیهای کوچک این فریضه انسان ساز است به حدی است که شاید نیاز به توضیح و تکرار نداشته باشد و بیشتر مردم کم و بیش از آن آگاهند. ما به اختصار به گوشه ای از این فواید انسان ساز اشاره میکنیم: معده و دستگاه گوارش از اندام پرکار بدن آدمی است، با سه وعده غذا که معمول مردم است؛ تقریباً در همه ساعات دستگاه گوارش به هضم و تحلیل و جذب و دفع مشغول است. روزه باعث می شود از یکسو این اعضا استراحت کنند و از فرسودگی مصون بمانند و نیروی تازه ای بگیرند و از سوی دیگر ذخایر چربی که زیانهای مهلکی دارند تحلیل رفته و کاسته شوند.

در روایات اسلامی حتی به فواید جسمی روزه نیز تصریح شده تا برخی از سست عنصران، اگر نه با ایمان کامل لااقل با توجه به فواید بهداشتی روزه این فریضه ثمر بخش را بجای آورند و از سودمندیهای گوناگون آن در حد خود بهره ور شوند. پیامبر گرامی اسلام در همین رابطه فرموده اند: «صوموا تصحوا» روزه بگیرید تا سالم بمانید. و نیز در روایات بسیاری پیشوایان گرامی اسلام فرموده اند: «معده آدمی خانه بیماریهای اوست و پرهیز از غذا درمان آن است»

بدیهی است آنگاه فواید بهداشتی روزه بهتر به دست می‌آید که روزه دار امساک روز را با زیاده روی در شب تلافی نکند، که پر خوری خود موجب زیانهای چشم گیری برای دستگاه گوارش است. با پیشرفت دانش پزشکی، برخی از پزشکان و متخصصان دریافته اند که امساک از خوردن و آشامیدن، عالی ترین روش درمانی است، یکی از پزشکان میگوید: « طرح درمان به وسیله روزه بسیار چنان معجزه آساست که بکار بستن آن مسیر، طرحها و برنامه های طب عملی و جراحی را تغییر خواهد داد، زیرا روزه راه تازه ای به روی دانش پزشکی می‌گشاید؛ و سلاح موثری برای مبارزه با بیماریها به این دانش میبخشد سلاحی که میتوان آن را از راههای گوناگون مورد استفاده قرار داد تا انسان را در مبارزه با علت بیماریها برای بهبود بیماران به نتیجه مطلوب و آشکار رسانند. »

با روزه و امساک میتوان بیماریها را بهبود بخشید و معالجه کرد البته در صورتی که با اعتدال و میانه روی مقرون باشد و در هنگام سحر و افطار در خوردن و آشامیدن افراط نشود. بررسی فواید بهداشتی و طبی روزه در این مختصر نمیگنجد، آنانکه به توضیح بیشتر علاقمندند می توانند به کتابهایی که در این زمینه تألیف شده است مراجعه نمایند. باید توجه داشت، بر خلاف تصور کوتاه اندیشان، روزه هیچگونه ضرری برای افراد سالم مکلف ندارد و اگر کسی بیمار باشد و نتواند روزه بگیرد و با این کار بیمار تر شود و یا روزه باعث گردد که بیماریش ادامه یابد کار حرامی مرتکب شده و روزه اش نزد خدا پذیرفته نیست، بیماری که روزه برای او ضرر دارد نباید روزه بگیرد و فقط لازم است در روزهای دیگر قضای آن را بجا آورد و جبران کند.

افراد سالم باید بدانند که روزه نه تنها زیانی برایشان ندارد بلکه چنان که گفتیم، موجب تندرستی و صحت مزاج است و بگفته برخی شکم پرستان که خود روزه نمیگیرند و دیگران را نیز از روزه باز میدارند و تلقین میکنند که روزه موجب زخم معده می شود، نباید اعتنا کرد، اینگونه دروغها تنها بهانه افراد سست عنصری است که که اسیر شکم خویشند و از عزم و اراده انسانی در آنان خبری نیست. « روزه باعث استراحت معده است و در حال روزه اسید معده بجای غذا به وسیله صفر خنثی می شود و زخم ایجاد نمیگردد»

اکثریت غریب به اتفاق مسلمانان متدین ماه مبارک رمضان را روزه میدارند و به هیچ وجه شکایتی از این بیماری ندارند و نسبت بیماری زخم معده روزه داران بیشتر از دیگران نیست همانطور که گفتیم فواید جسمی و بهداشتی روزه اگرچه چشمگیر و غیر قابل انکار است ولی مهمترین فواید روزه اثرات بهداشتی آن نیست، متأسفانه برخی در بررسی فواید روزه تنها به همین اثرات بهداشتی آن بسنده کرده اند، درحالیکه فواید برتر روزه به جنبه های معنوی آن مربوط می شود، فواید جسمی روزه با اثرات معنوی آن در سازندگی تربیت و تزکیه انسان قابل مقایسه نیست، اگر چه همان فواید طبی هم گواهی است بر اصالت اسلام عزیز، چرا که این آیین فطری و آسمانی چهارده قرن پیش با ژرف بینی و احاطه ای که جز از خدای متعال نمیتواند بود در محیط جاهلیت عرب دستوراتی برای انسانها وضع کرده است که دانش پزشکی انسان متمدن عصر ما با پیشرفت خود روز به روز بر گوشه هایی از حکمت آن پی میبرد

روزه عامل باز دارنده از گناه

روزه، بویژه روزه ماه مبارک رمضان که در اسلام بر همه مسلمین مکلف که بتوانند روزه بگیرند واجب است، عامل موثری است در ایجاد و تقویت روحیه تقوی و پرهیز کاری؛ قرآن مجید این فایده بزرگ را با جمله «لعلکم تتقون» یاد آور می شود و این عبادت را عامل مهم تقوی می شمارد. تقوی و پرهیز کاری در تربیت و سازندگی و شخصیت اسلامی یک مسلمان نقش بسیار مهمی دارد و برای رسیدن به همین اثر پر ارزش است که بهترین عبادت در ماه صیام و در حال روزه اجتناب از گناه است. پیامبر بزرگوار (ص) در خطبه ای فضیلت های ماه رمضان را برای مسلمانان بیان فرمود علی (ع) پرسید: بهترین اعمال در این ماه چیست؟ پیامبر پاسخ دادند: «الورع عن محارم الله» اجتناب و پرهیز از گناهان.

روزه دار با بکار بستن این دستور الهی که شرط کمال روزه است، روه تقوی را در خود زنده میکند و این مراقبت ثمر بخش در ماه مبارک رمضان و در حال روزه بسیار آسان تر است چرا که گرسنگی و تشنگی و دیگر محدودیتهای روزه شعله های سرکش غرایز حیوانی و هوسها را تا حد چشمگیری خاموش می سازد و حتی اگر موقت هم باشد گریبان عقل و جان را از چنگال شهوت رها می سازد و برای روزه دار زمینه ای آماده برای

تمرین تقوی و پرهیزگاری فراهم می شود و با مراقبت و تمرین پیاپی در یکماه نیروی بازمانده از گناه در او به وجود می آید و خصلت خود داری در او ریشه میگیرد و رشد میکند و او با گذراندن این برنامه یکماهه توفیق میابد که پس از ماه روزه نیز پرهیزکار باقی بماند. بدین ترتیب به مقام پر ارج تقوی که به تعبیر قرآن و فرموده پیشوایان معصوم ما کرامت انسان بدان وابسته است برای همیشه نایل آید.

نقش روزه در تقویت اراده

حکومت غرایز و شهوات بر انسان خطرناکترین حکومتهاست و آدمی را اسیر و بی اختیار می سازد و به پستی و رذالت میکشاند. مبارزه با سلطه شهوات نفس که در اسلام جهاد اکبر نامیده شده به پایمردی و اراده ای استوار نیاز دارد. انسان با روزه داری که، امساک در خوردن و آشامیدن و خود داری از برخی چیزهای دیگر است در واقع با خواهشهای خویش میجنگد و در برابر غرایز خود مقاومت میکند، تمرین این عمل اراده و تصمیم را در انسان نیرومند می سازد و جان را از قید حکومت و سلطه هوسها و خواهشها میرهاند. پیشوایان اسلام فرموده اند: «افضل الناس من جاهد هواه و اقوی الناس من غلب هواه»

بهترین مردم کسی است که با هوای نفس مبارزه کند و نیرومند ترین آنان کسی است که بر آن پیروز شود. پس روزه داران بهترین مردمند چرا که با خواسته های نفسانی مبارزه میکنند و اگر با مراقبت و کوشش از روزه خویش این بهره را بگیرند که بر نفس خود مسلط شوند از نیرومند ترین مردم نیز خواهند بود.

صفای دل و پاکی

روزه چراغ معرفت و آگاهی را در درون بر میافروزد:

اندرون از طعام خالی دار

تا در آن نور معرفت بینی

روزه و بویژه روزه یکماهه رمضان موجب می شود که حکومت شهوات و امیال شیطانی جای خود را به حکومت تقوی و پیروی از دستورات الهی بدهد و تیرگی و هوسها و شهوات در جان آدمی به نورانیت و روشنی باطن تبدیل شود. در سایه همین صفا و پاکی حاصل از روزه است که روزه دار با خود آگاهی نه تنها دهان و شکم را از خوردن و آشامیدن که دست و پا و چشم و گوش و زبان و همه اعضای خویش را از آنچه خدا حرام فرموده نگاه میدارد و میتواند به آن درجه از تقوی نایل آید که حتی از اندیشه و فکر و گناه نیز دوری گزیند و این اوج نورانیت روزه است.

امیر مومنان علی علیه السلام نیز به همین مرتبه اشاره میفرماید: «صیام القلب عن الفكر فی الاثام افضل من صیام البطن عن الطعام» روزه دل از اندیشه گناهان برتر از روزه شکم از خوردن و آشامیدن است. و البته این بدان معنا نیست که ظاهر روزه و امساک از خوردن و آشامیدن را رها کنیم بلکه لازم است به آن اکتفا ننماییم و همراه با آن بکوشیم که به نتایج معنوی روزه نیز برسیم. لازم است که همین امساک ظاهری و روزه معمولی نیز انقلابی روحی در روزه داران بوجود میآورد و طبق شهادت دست اندر کاران در ماه مبارک رمضان شرارت ها و تباهی ها کاسته می شود، در دوران طاغوت چون ماه مبارک رمضان فرا میرسید میزان جنایات و فساد سیر نزولی پیدا می کرد و عربده جویی و زد و خورد و چاقو کشی و بد مستی که در غیر رمضان بازارش رواج داشت در این ماه عزیز بطور محسوسی کاهش میافت.

خوشبختانه با انقلاب مقدس اسلامی هم در ملت و جوانان ما تحولی چشمگیر بوجود آمد و هم مراکز فساد و تباهی از میان برداشته شد و شایسته است که از این پس بکوشیم نتایج معنوی یر ارزش تری از روزه کسب کنیم. باری صفا و پاکی حاصل از روزه و خود داری و پرهیز کاری روزه دار همچون سپری است که روزه دار را از آتش عذاب الهی که مولود گناهان است مصون میدارد. پیامبر عزیز اسلام (ص) فرمودند: «الصوم جنه من النار» روزه سپری است که روزه دار را از آتش جهنم حفظ میکند.

روزه و صبر

«صبر» از خصایلی است که در اخلاق اسلام بر آن بسیار تأکید شده است، انسان مسلمان در زندگی فردی و اجتماعی خویش در راه هدفهایی مبارزه میکند و با مشکلاتی نیز روبرو است بدون خصلت صبر، پیروزی بر مشکلات و رسیدن به هدفها آسان نیست. صبر و مقاومت بر نیروی پایداری انسان می افزاید و اراده را توانا می سازد هیچ جامعه ای اگر تحمل ناگواریها را نداشته باشد بر مشکلات خویش و بر دشمنان خویش نمیتواند پیروز گردد. با صبر و مقاومت است که میتوان به به پیکار ستمگران رفت و دست استعمارگران را کوتاه نمود و روزه - بویژه در روزهای گرم و طولانی تابستان که فشار تشنگی طاقت فرسا می شود بطور چشمگیری به انسان صبر و مقاومت می بخشد و تحمل رنج و سختی را بر آدمی آسان می سازد.

قرآن کریم با توجه به همین اثر که از روزه به صبر تعبیر کرده است: «و استعینوا بالصبر و الصلوه از صبر(روزه) - و نماز کمک بگیرید.....»

امامان معصوم ما علیهم السلام «صبر» را در این آیه به روزه تفسیر کرده اند و پیامبر گرامی (ص) نیز ماه رمضان را ماه صبر نامیده اند: «شهر الصبر و ان الصبر ثوابه الجنة» (رمضان ماه صبر است و پاداش صبر بهشت است) و امام صادق علیه السلام نیز بهمین ویژگی روزه اشاره فرموده است: هر گاه برای کسی حادثه ای جانکاه پیش آمد روزه بگیرد که خدا فرموده است «و استعینوا بالصبر و الصلوه».

روزه و قناعت

اسلام بر خلاف مکاتب مادی شرق و غرب دنیا و نعمتهای مادی آنرا وسیله ای برای تکامل معنوی و رسیدن به سعادت جاوید میداند و بهمین دلیل فرهنگ اسلام فرهنگ لذت جویی و مصرف نیست بلکه فرهنگ قناعت و ایثار است. در روشهای مادی تن آدمی و خور و خواب آن اصالت دارد و حرص و آز برای برخورداری بیشتر گریبانگیر افراد است و در اسلام اصالت با معنویت انسان است و قناعت و ایثار و فداکاری از راههای وصول به مراتب بلند انسانیت محسوب می شود.

روزه فریضه ای است که مسلمانان را از غرقه شدن در مادیگرایی و حرص و آز برای لذت‌های مادی و مسابقه برای مصرف و تن پروری میرهاند و به او می آموزد که به فکر دیگران باشد و بر خواهش‌های جسمانی خویش مسلط گردد و به مصرف به مقدار نیاز قناعت ورزد و از اصراف و تبذیر بپرهیزد. روزه به مسلمانان می آموزد که با کم هم میتوان زیست و حرص و طمع فقط غرق شدن در مادیات و انحراف از معنویات است و برای زیستن لازم نیست که با همه وجود تن و لذت‌های آن پرداخت.

روزه به مسلمان مناعت و قناعت را می آموزد و ارزش این صفات و تأثیر آن در ایجاد صفات برجسته دیگر همچون زهد و جود و بخشش بسیار است. قانع از دیگران بی نیاز است و تن به ذلت و خواری نمیدهد، جامعه ای که روح قناعت را در خود پیرورد بر خود متکی خواهد بود و با دوری از مصرف بی رویه میتواند بر پای خویش بایستد و از بیگانه بی نیاز باشد. همه دیدیم که پس از تهدید آمریکا و غرب به تحریم اقتصادی ایران امام امت و رهبر کبیر انقلاب اسلامی فرمودند «ملت ما مسلمان است و در برابر تحریم اقتصادی و کمبود نیازمندیها روزه خواهد گرفت»

آری مسلمان را به زیستن با مصرف کم آشنا می سازد و براستی نیز ملت مسلمان ما میتواند با الهام از فریضه ثمر بخش روزه سطح مصرف را پایین آورد و با قناعت به آنچه دارد از وابستگیهای اقتصادی به استعمار گران نجات یابد. مسلمانان صدر اسلام با همین روحیه از همه چیز خود در راه خدا می گذشتند و حتی در میدانهای جنگ به چند دانه خرما قناعت می کردند و با تکیه بر معنویت و صفات انسانی خویش پیروزی می آفریدند و خدای را سپاس که هم اکنون نیز بسیار از جوانان ما بویژه گلهای سرسبد انقلاب اسلامی، جوانان رزمنده پاسدار از یک چنین ایمان و روحیه ای بر خوردارند و بسیار اتفاق افتاده است که جوان پاسدار اسلام روزه بوده و گاه روزه خویش را با شربت شهادت افطار کرده است و حماسه این خدا جوین حماسه آفرین برای همیشه بر صفحات پر افتخار تاریخ اسلام ثبت خواهد بود. پاکترین درودهای ما و درود خدا و فرشتگان بر ایشان باد.

همدردی با فقیران

پیشوایان گرامی دین، در روایات و ادعیه اسلامی ماه رمضان را ماه مواسات نامیده اند. از نتایج بارز روزه برانگیختن حس همدردی نسبت به مستمندان و هموعان تنگدست است، آنانکه زندگی آسوده ای دارند و رنج فقیر و طعم گرسنگی را نچشیده اند، ممکن است از حال مستمندان غافل بمانند و روزه وسیله ای است که آنان را از غفلت میرهاند و رنج مستمندان را با یاد آنان میاورد تا به دستگیری فقیران همت گمارند و به درد دل آنان برسند.

از سویی به احسان و اطعام و انفاق به مستمندان در ماه مبارک رمضان بسیار سفارش شده است و از سویی دیگر گرسنگی و تشنگی روزه موجب درک رنج مستمند میگردد و بدین ترتیب ثروتمند به فقیر نزدیک می شود و احساسها رقت میابد و احسان و انفاق فزونی میگیرد و جامعه کمک به ممنوع را میاموزد. مواسات یعنی سهیم ساختن برادران در رزق و روزی و رمضان به همین جهت ماه مواسات نامیده اند تا مسلمانان به احسان نسبت به هم پردازند و با تمرین بر این صفت ارزنده انسانی جامعه را از حقد و کینه برهاند و برادروار در کنار هم از نعمتهای الهی بهره بگیرند و شایسته است که روزه داران به همه این نکات انسانی روزه توجه کنند و بکوشند واقعاً فریضه روزه را آنچنان که باید بجا آورند و ماه مبارک رمضان را آنچنان که سزاوار این ماه است بسر آورند، تا همگان از برنامه های سازنده اسلامی بهره ور شوند.

از حضرت امام حسن عسگری (ع) پرسیدند: «چرا روزه واجب شده است» فرمودند: «تا ثروتمند درد گرسنگی را در یابد و به فقیر توجه کند. هشام از امام صادق علیه السلام علت روزه را پرسید، امام فرمود: «خداوند روزه را واجب کرد تا غنی و فقیر با هم مساوی باشند و بدان جهت که غنی رنج گرسنگی را لمس نکرده تا به فقیر رحم کند و هر وقت چیزی خواسته قدرت بدست آوردن آنرا داشته است خدا خواسته است که میان بندگانش یکنواختی بوجود آورد و خواسته است ثروتمند طعم گرسنگی را بچشد و اگر جز این بود ثروتمند بر مستمند و گرسنه ترحم نمی کرد.»

نظم و انضباط

وقت شناسی و نظم و انضباط در امور از مظاهر تمدن انسانی و از عوامل مهم توفیق و پیشرفت است، شاید برخی گمان کنند که این از ویژگیهای زندگی غربیان و تمدن آنهاست در حالیکه نظم و انضباط و تنظیم اوقات از تعلیمات اصیل اسلام است. امیر المومنین علیه السلام در اولین فرازهای وصیتش به فرزند خود میفرماید: «اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم» شما و همه فرزندان و بستگانم و هرکسی که وصیت من به او برسد به تقوی و نظم در کارها سفارش میکنم.

اصولاً فرایض اسلامی شاهد توجه به اسلام و نظم و انضباط است، هریک از نمازهای پنج گانه را باید در وقت مخصوص آن بجا آورد و حتی یک دقیقه نمیتوان از حدود آن تجاوز کرد. مراسم حج باید در وقت و مکان مخصوص به خود انجام شود و روزه نیز در ماه مبارک رمضان با دیدن هلال ماه شروع و با دیدن هلال ماه شوال خاتمه میابد و نیز هر روز از سپیده دم آغاز و به مغرب پایان میپذیرد و با توجه به اینکه ماه رمضان ماه قمری است طبعاً در فصول چهار گانه سال جریان دارد و گاه در روزهای بلند تابستان و گاه در روزهای کوتاه زمستان قرار میگیرد و در همه شرایط لازم است که لحظه و دقیقه را نیز در شروع سپیده دم و آغاز مغرب در نظر داشت و بهیچ وجه روزه دار نمیتواند از نظام آن سرپیچی کند و این خود درسی است که مسلمانان نیز دقیق و منظم شوند و امور خویش را در زندگی تنظیم کنند.

آنچه بر شمردیم گوشه هایی از برخی نتایج و آثار فریضه الهی روزه است و ماه روزه اضافه بر اینها سودمندیاها و برکات دیگری نیز دارد که در پرورش اسلامی فرد و جامعه بسیار موثر است: ماه مبارک رمضان ماه خدا، ماه آشنایی با قرآن، ماه عبادت، ماه دعا، ماه آمرزش، ماه توبه و بازگشت از گناهان و اصلاح خود است.

در این ماه به قرائت قرآن سفارش شده و مرسوم مسلمین است که در ماه رمضان بیشتر از ماههای دیگر قرآن بخوانند و این خود وسیله ای است که جامعه اسلامی با قرآن و معارف آن آشنایی بیشتری پیدا کنند و برای

پیشرفت در صراط خدا و اسلام از کلام خدای متعال آموزش بگیرند. رمضان ماه عبادت و بندگی و راز و نیاز با معبود جهان است، در روایات اسلامی تأکید شده که در این ماه با توجه به خضوع بیشتر نمازها را بجا آورند و از نمازهای مستحبی در شب و روز غفلت نورزند و بدین ترتیب با یک تمرین یک ماهه مومنین به عبادت خالص تری موفق می شوند و جانها به خدا نزدیکتر میگردد. رمضان ماه دعا است، پیشوایان گرامی فرموده اند مومنان در این ماه و بویژه در شبهای مبارک قدر در دعا و نیایش مبالغه کنند و با توجه به اثرات سازنده دعا و نیایش روزه داران می توانند در پیوند معنوی خویش با خدای متعال تحولی بوجود آورند و بیش از پیش به ذات متعال هستی بخش او نزدیک شوند و کسب فیض کنند رمضان ماه آمرزش و توبه و بازگشت به سوی خداست، آنانکه در زندگی خویش آلودگی هایی داشته اند می توانند با روزه جان خویش را شستشو دهند و در خلوت سحر گاه با رو کردن به خدای متعال درون را صفا بخشند و از خدای خویش طلب آمرزش کنند و می توانند با همین زمینه برای همیشه از کجیها و گمراهیها دست بردارند و براه آیند.

پیشوایان معصوم (ع) فرموده اند گناهان در این ماه بخشوده می شود و این مژده بزرگی است برای آنهایی که لغزشهایی داشته اند تا نومید نباشند و از برکات این ماه استفاده کنند و بسوی خدا باز گردند و روی دل بسوی او دارند و با او پیمان بندند که از گناهان دست شویند و خود را اصلاح کنند و گذشته را جبران نمایند و بدون ترتیب گناه کار پشیمانی که در این ماه مبارک برای خدا روزه بدارد و از گذشته خویش شرمسار باشد و از خدا آمرزش بخواهد مورد مهر و عفو خدا قرار خواهد گرفت و سعادتش تأمین می شود. از برکتهای این ماه همین انقلاب روحی و تحول درونی روزه داران و همین توفیقات عملی است که انسان آلوده را پاک می سازد و از عذاب الهی که محصول گناهان است نجات میبخشد و روزه دار را از ظلمتها به نور میکشاند، به نور تقوی، به نور فضیلتهای اخلاقی، به نور توبه و بازگشت به سوی خدا، به نور مهر و رحمت خدای متعال.....

روزه در قرآن و حدیث

«روزه آن است که انسان برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می کند... خودداری نماید.»^(۱)

«روزه» در فرهنگ اسلام از جایگاه والایی برخوردار است و آثار و برکات فراوانی با خود به ارمغان می آورد و از معدود عباداتی است که نصیب امت اسلامی گشته است.

میهمانی خدا

پیامبر خدا - صلی الله علیه و اله - از روزه با عنوان «ضیافه الله» یعنی میهمانی الهی یاد می کند و درباره ماه رمضان می فرماید:

«هو شهر دعیتم فیہ الی ضیافه الله»^(۲)

رمضان، ماهی است که در آن، به میهمانی خدا خوانده شده اید.

حضرت امام خمینی رحمه الله علیه پیرامون «ضیافت الله» می فرماید:

«شماها در ماه مبارک رمضان، مهمان خدا هستید، مهماندار خداست، و مخلوق، مهمان اوست... ما باید حساب کنیم ببینیم که این ضیافت چی بوده است و ما چقدر راه یافتیم به این ضیافت... این ضیافت، همه اش ترک است، ترک شهوات از قبیل خوردنیها و نوشیدنیها و جهات دیگری که شهوات انسان اقتضا می کند. خداوند دعوت کرده ما را به انیکه شما باید وارد بشوید در این مهمانخانه و این ضیافت هم جز ترک، چیزی نیست. ترک هواها، ترک خوردنیها، ترک منی ها، منیت ها... من به شما آقایان و به هر کس که این کلمات می رسد و خصوصاً طبقه جوان عرض می کنم که آیا در این مهمان خانه رفتید؟ استفاده کردید؟ از شهوات، خصوصاً شهوات معنوی، چشم پوشیدید؟...»^(۳)

خداوند با فراخوانی مؤمنان به مهمانسرای خویش، در واقع او را از زندگی مادی، که سفره مشترک انسان و حیوان، مؤمن و کافر، و نیکوکار و بدکار است جدا کرده و در جوار خویش جای داده است. در این جشن پرشکوه:

میزبان: خداوند بزرگ.

قاصد: رسول بزرگوار اسلام.

نامه دعوت: قرآن مجید.

میهمان: بندگان مؤمن.

پذیرایی کنند: فرشتگان الهی.
و موعد: ماه مبارک رمضان است.

خداوند برای هر چه باشکوه برگزار کردن این «سور» «تحفه» های زیر را به مهمانان خویش تقدیم می کند:
آنها را کرامت ویژه می بخشد.
نفس کشیدن آنها را «تسبیح» محسوب می کند.
خواب آنها را عبادت می داند.
اعمالشان را می پذیرد.
دعایشان را مستجاب می کند.
درهای بهشت را به رویشان باز می کند.
درهای دوزخ را بکلی می بندد.
شیاطین را به زنجیر می کشد.
به هر آیه ای که تلاوت کنند، ثواب یک ختم قرآن می دهد.^(۴)

حکمت روزه

روزه هم مانند سایر احکام متین اسلام، از حکمت و مصلحت خاصی سرچشمه می گیرد. روایات متعددی با تعبیرهای گوناگون، گوشه ای از حکمت نهفته آن را بیان می کند، در زیر به چهار مورد آن اشاره می کنیم:

الف - اخلاص و خودسازی

حضرت زهرا سلام الله علیها فرموده است:

«فرض الله الصيام تثبیتاً للاخلاص»^(۵)

خداوند، روزه را برای تثبیت اخلاص (در دل مردم) واجب کرده است.

«صائم» با خودداری از خواسته های نفسانی، فرمان خدا را به اجرا می گذارد و با عالم ملکوت، پیوند معنوی برقرار می کند و چون کارهای حیوانی را رها کرده، درونش صفا و جلا می یابد. همین طور، همگام با امساک از

لذات جسمانی، از لذت‌های حرام روحانی نیز پرهیز می‌کند و امتناع می‌ورزد.

ب - تعدیل قوای جسمانی

دومین حکمتی که در روزه نهفته است، تعدیل و تنظیم بدن صائم است؛ به این بیان که دستگاه‌های مختلف بدن در طول یک سال فعالیت شبانه روزی، ممکن است دچار عارضه و فرسودگی یا خستگی مفرط گردند که اگر به آنها رسیدگی نشود. آسیب کلی ببیند. از این رو، خداوند حکیم برای حفظ سلامتی و ترمیم و تعدیل قوای جسمانی مؤمن، روزه را واجب کرده است. شاهد این گفتار، سخن حکیمانه رسول خدا - صلی الله علیه و اله - است که فرمود:

«صوموا تصحوا»^(۶)

روزه بگیرید تا سالم بمانید.

ج - تمرین تقوا

سومین حکمت مهم روزه داری، ممارست و تمرین «پرهیزکاری» است. مسلمان با تمرین یک ماهه خود در ماه مبارک رمضان، از ارضای تمایلات نفسانی خودداری می‌کند تا به نفس خویش بقبولاند که توانایی ایستادگی در برابر کارهای ناروا را دارد، به عنوان نمونه روزه دار:

با نخوردن غذای حلال خود، تمرین می‌کند که به اموال دیگران دست درازی نکند. با نرفتن نزد همسر خویش، درک می‌کند که به ناموس دیگران نباید چشم طمع دوخت.

با بستن زبان از دروغ بر خدا و پیامبر - صلی الله علیه و اله - یاد می‌گیرد که هر کلامی را بر زبانش جاری نکند.

مسأله تمرین تقوا و افزایش درجه آن را قرآن در آیه «روزه» بصراحت بیان کرده، پس از بیان وجوب روزه فرموده است:

«لعلکم تتقون»^(۷)

شاید شما تقوا پیشه کنید.

د - کم شدن فاصله فقیر و غنی

احساس نیاز و نداری و چشیدن طعم گرسنگی و تشنگی و محرومیت، حکمت دیگر روزه است. به این معنا که ثروتمندان مسلمان در طول سال، از نعمت و رفاه برخوردارند و هر زمان، هر چه اراده کنند، در اختیارشان قرار

می گیرد، دیگر چگونه به یاد محرومان باشند؟ و از کجا بفهمند که «گرسنگی» چه دردی است؟ آنان باید یک ماه با گرسنگی و تشنگی

دمساز شوند تا طعم تلخ آن را بچشند و دل رفاه زده آنان قدری به حال محرومان بسوزد: از امام حسین - علیه السلام - پرسیدند: چرا خدا روزه را واجب کرده است؟ فرمود:

«لیجد الغنی مس الجوع فیعود بالفضل علی المسکین»^(۸)

تا توانمند گرسنگی را لمس کند و مازاد بر نیاز را بر مستمند باز گرداند.

ه - یادآوری آخرت

آخرین حکمتی که در اینجا به آن می پردازیم به خاطر آوردن آخرت است. حضرت رضا - علیه السلام - طی گفتار متینی این پرسش را طرح می کند که:

چرا فرمان روزه داری بر بندگان صادر شده است، آن گاه در پاسخ می فرماید:

«لکی یعرفوا ألم الجوع و العطش فیستدلوا علی فقر الاخره»^(۹)

تا درد گرسنگی و تشنگی را بفهمد و بر بیچارگی سرای دیگر رهنمون گردند.

از این رو، پیامبر خدا - صلی الله علیه و اله - در یکی از خطبه هایی که در آستانه ماه مبارک رمضان ایراد کرد، فرمود:

«... و اذکروا بجوعکم و عطشکم فیه جوع یوم القیمه و عطشه ...»^(۱۰)

با گرسنگی و تشنگی تان در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را به یاد آورید.

مراتب روزه داری

امیرمؤمنان، صلوات الله علیه روزه را دارای سه مرتبه دانسته، و می فرماید:

«صوم القلب خیر من صیام اللسان و صیام اللسان خیر من صیام البطن»^(۱۱)

روزه دل بهتر از روزه زبان و روزه زبان برتر از روزه شکم است. ملا مهدی نراقی این مراتب را نام گذاری کرده و در توضیح هر یک می نویسد:

۱. روزه عام که نگه داشتن شکم و شهوت است و فایده آن، رفع تکلیف و آزادی از دوزخ است.

۲. روزه خاص که بایستی علاوه بر مرتبه اول، چشم، گوش، زبان، دست، پا و دیگر جوارح را نیز از آلوده شدن به گناه حفظ کرد و ثوابهای وعده داده شده از سوی خدا (بیشتر) به چنین روزه ای تعلق می گیرد.

۳. روزه خاص الخاص که در این مرحله، علاوه بر رعایت دو مرحله پیش، دل نیز از افکار دنیوی، اخلاق زشت و همّت پست، روزه می گیرد و از غیر خدا بگلی گسسته می گردد.»^(۱۲)

آداب روزه داری

آیا تاکنون دیده اید کسی در مجلس عزا و سوگواری، اشعار شاد و فرحزا بخواند و شاد و خندان باشد؟ یا دیده

اید شخصی با شال عزا در مجلس جشن و سرور شرکت کند و گریه کند؟

اگر پاسختان منفی است، دلیلتان چیست؟ شاید شما هم به این مطلب اذعان داشته باشید که شرکت در هر

مجلسی تشریفات خاص خود را می طلبد.

حال، با توجه به اینکه «صائم» در مدّت روزه داری، در حریم قدس الهی و ضیافت الله داخل می شود و از سوی

پروردگار پذیرایی می شود. شایسته است آداب ویژه چنین محفلی را مراعات کند، تا بیشتر مورد لطف «صاحب

خانه» قرار گیرد. اینک از آن آداب:

الف - پرهیز از گناهان

هر گناهی، خشم و غصب الهی را برمی انگیزد؛ اما در ماه مبارک رمضان، آلوده شدن به گناه، زشتی بیشتری

دارد، بدین خاطر میهمان خدا نباید گرد آن بگردد.

روزی پیامبر - صلی الله علیه و اله - پیرامون ماه مبارک رمضان سخن می گفت، امیرمؤمنان - علیه السلام -

پرسید:

ای رسول خدا! برترین عمل در این ماه چیست؟

پیامبر - صلی الله علیه و اله - پاسخ داد:

پرهیز از هر چه خدا حرام کرده است.^(۱۳)

با این وصف، بسیاری از روزه داران اگر دست از گناه نشویند، جز تشنگی و گرسنگی، طرفی نمی بندند. حضرت

زهره سلام الله علیها می فرماید:

«ما یصنع الصائم بصیامه إذا لم یصن لسانه و سمعه و بصره و جوارحه»^(۱۴)

روزه داری که زبان، گوش، چشم و اعضا و جوارحش را (از گناه) حفظ نکند، با روزه خود چه می کند؟

یعنی این روزه چه سودی برای او دارد؟

ب - انجام واجبات

دومین وظیفه میهمان خدا این است که بقیه دستورات الهی را نادیده نگیرد، که این خود، بزرگترین بی ادبی در

محضر ربوبی است و چنین میهمانی نزد ملکوتیان انگشت نما می شود. به نظر شما آیا روزه داشتن و نماز

نخواندن، روزه گرفتن و خمس ندادن، روزه داری و مردم آزاری و ... با هم سازگاری دارد؟

ج - پرستش و نیایش

از دیگر آداب ماه خدا، نیایش و پرستش داوطلبانه است. فراوانی نمازها و دعاها در ماه رمضان، گویای اهمیت

آن است. روزه دار با تشریفات ویژه به «ضیافت الله» دعوت شده و چه نیکوست که با هدیه گرانبهایی به محضر

خدای سبحان شرفیاب گردد و زیباترین هدیه به پیشگاه الهی، ساییدن پیشانی به خاک و بالا بردن دست نیاز

است.

(۱) . توضیح المسائل، امام خمینی، احکام روزه.

(۲) . بحارالانوار، ج ۹۶، صفحه ۳۵۶.

(۳) . صحیفه نور، ج ۲۰، صفحه ۲۱۰.

(۴) . بحارالانوار، ج ۹۶، صفحه ۳۵۶، ۳۵۸ (اقتباس از خطبه شعبانیه رسول اکرم - صلی الله علیه و اله -).

(۵) . بحارالانوار، ج ۹۶، صفحه ۳۶۸.

(۶) . همان، صفحه ۲۵۵.

(۷) . بقره (۲)، آیه ۱۸۳.

(۸) . بحارالانوار، ج ۹۶، صفحه ۳۷۵.

(۹) . همان، صفحه ۳۹۶.

(۱۰). همان، صفحه ۳۵۶.

(۱۱). شرح غررالحکم، ج ۴، صفحه ۲۲۳.

(۱۲). جامع السعادات، ج ۳، صفحه ۳۸۱، بیروت.

(۱۳). بحارالانوار، ج ۹۶، صفحه ۳۵۸.

(۱۴). همان، صفحه ۲۹۵.

کتاب مصباح الشریعة، به جای «ماده نفس»، «مراد نفس» روایت شد.

مسایلی که غالباً انسان به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد. (رساله عملیه)

احکام روزه

نیت

1550- لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذراند یا مثلاً بگوید فردا را روزه می گیرم بلکه همین قدر که برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد، کافی است و برای آن که یقین کند تمام این مدت را روزه بوده، باید مقداری پیش از اذان صبح و مقداری هم بعد از مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید.

1551- انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان برا روزه فردای آن نیت کند بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه همه ماه را بنماید.

1552- از اول شب ماه رمضان تا اذان صبح، هر وقت نیت روزه فردا را بکند اشکال ندارد.

1553- وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد، که اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحبی کند، روزه او صحیح است.

1554-کسی که پیش از اذان صبح بدون نیت روزه خوابیده است، اگر پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند، روزه او صحیح است چه روزه او واجب باشد چه مستحب، و اگر بعد از ظهر بیدار شود، نمی تواند نیت روزه واجب نماید. (۱)

۱- «گلپایگانی، صافی» ولی در واجب مضیق مثل روزه ماه رمضان احتیاط واجب آن است که رجاء نیت روزه بنماید و آن را تمام کند و بعد هم قضای آن را بجا آورد.

1555-اگر بخواهد غیر روزه رمضان، روزه دیگری بگیرد باید آن را معین نماید، مثلاً نیت کند که روزه قضا یا روزه نذر می گیرم، ولی در ماه رمضان لازم نیست نیت کند که روزه ماه رمضان می گیرم (۱)، بلکه اگر نداند ماه رمضان است، یا فراموش نماید و روزه دیگری را نیت کند، روزه ماه رمضان حساب می شود.

۱- «گلپایگانی، صافی» و در روزه مستحبی و روزه ای که زمانش معین است تعیین لازم نیست.

1557-اگر مثلاً به نیت روز اول ماه روزه بگیرد بعد بفهمد دوم یاسوم بوده، روزه او صحیح است.

1561-اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است (1) و پیش از ظهر ملتفت شود، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، باید نیت کند و روزه او صحیح است و اگر کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد، یا بعد از ظهر ملتفت شود که ماه رمضان است، روزه او باطل می باشد ولی باید تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد و بعد از رمضان هم روزه آن روز را قضا نماید.

۱- «سیستانی» و همچنین است بنا بر احتیاط اگر بعد از ظهر ملتفت شود که ماه رمضان است و اما اگر پیش از ظهر ملتفت شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد روزه اش صحیح است.

1562-اگر بچه پیش از اذان صبح ماه رمضان بالغ شود، باید روزه بگیرد (۱)، و اگر بعد از اذان بالغ شود، روزه آن روز بر او واجب نیست.

۱- «گلپایگانی، صافی» و احتیاط واجب آن است که اگر پیش از ظهر بالغ شود و مُفْطِرِی بجا نیاورده باشد آن روز را قصد روزه کند و تمام نماید. «مکارم» و اگر بعد از اذان بالغ شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد احتیاط واجب آن است که روزه را بگیرد و بعد هم قضا کند.

1563-کسی که برای به جا آوردن روزه میتی اجبر شده اگر روزه مستحبی بگیرد اشکال ندارد، ولی کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمی تواند روزه مستحبی بگیرد. و چنانچه فراموش کند و روزه مستحب بگیرد، در صورتی که پیش از ظهر یادش بیاید، روزه مستحبی او به هم می خورد و می تواند نیت

خود را به روزه واجب برگرداند. و اگر بعد از ظهر ملتفت شود، روزه او باطل است، و اگر بعد از مغرب یادش بیاید، روزه اش صحیح است، اگر چه بی اشکال نیست.

1564- اگر غیر از روزه ماه رمضان، روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد، مثلاً نذر کرده باشد که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه عمداً تا اذان صبح نیت نکند، روزه اش باطل است، و اگر نداند که روزه آن روز بر او واجب است، یا فراموش کند و پیش از ظهر یادش بیاید، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد (۱) و نیت کند روزه او صحیح و گرنه باطل می باشد.

۱- «سیستانی» اگر بعد از ظهر یادش بیاید، احتیاطی را که در روزه ماه رمضان گفته شد، مراعات نماید.

1565- اگر برای روزه واجب غیر معینی مثل روزه کفاره، عمداً تا نزدیک ظهر نیت نکند، اشکال ندارد. بلکه اگر پیش از نیت تصمیم داشته باشد که روزه نگیرد، یا تردید داشته باشد که بگیرد یا نه، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، و پیش از ظهر نیت کند، روزه او صحیح است.

1567- اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود (۱) و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند (۲) و آن روز را روزه بگیرد، و چنانچه بعد از ظهر خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست.

۱- «گلپایگانی، صافی» واجب نیست بر او که نیت روزه کند اگر چه از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند، انجام نداده باشد.

۲- «مکارم» و احتیاطاً قضا هم نماید.

«سیستانی» اگر در وسط روز ماه رمضان پیش از ظهر مریض خوب شود و تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد به احتیاط واجب باید نیت روزه کند.

1568- روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان واجب نیست روزه بگیرد، و اگر بخواهد روزه بگیرد می تواند نیت روزه رمضان کند، ولی اگر نیت روزه قضا و مانند آن بنماید و چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده، از رمضان حساب می شود.

1569- اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگیرد، و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است باید نیت روزه رمضان کند.

1570- اگر در روزه واجب معینی مثل روزه رمضان از نیت روزه گرفتن برگردد، روزه اش باطل است، ولی چنانچه نیت کند که چیزی را که روزه را باطل می کند بجا آورد در صورتی که آن را انجام ندهد (۱)، روزه اش باطل نمی شود.

۱- «سیستانی» اگر دو مرتبه نیت روزه نکند روزه اش باطل می شود و اگر دو مرتبه نیت روزه کند احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را تمام کند و بعداً قضای آن را بجا آورد.

«مکارم» هرگاه در ماه رمضان یا هر روزه واجب معین دیگر، از نیت روزه برگردد یا مردّد شود که روزه بگیرد یا نه، روزه اش باطل می شود. همچنین اگر نیت کند چیزی که روزه را باطل می کند بجا آورد مثلاً تصمیم بر خوردن غذا بگیرد، روزه اش باطل می شود؛ هرچند اصلاً غذا هم نخورد مگر این که در آن حال توجه نداشته باشد که فلان عمل روزه را باطل می کند.

1571- در روزه مستحب و روزه واجبی که وقت آن معین نیست مثل روزه کفاره، اگر قصد کند کاری که

روزه را باطل می کند انجام دهد، یا مردد شود که به جا آورد یا نه، چنانچه به جا نیاورد (۱) و پیش از ظهر دوباره نیت روزه کند، روزه او صحیح است.

۱- «گلپایگانی، صافی سیستانی» و در روزه واجب پیش از ظهر (گلپایگانی، صافی: و در مستحب تا پیش از مغرب- سیستانی: و در روزه مستحب پیش از غروب) دوباره نیت روزه کند، روزه او صحیح است.

چیزهایی که روزه را باطل می کند

1572- نه چیز روزه را باطل می کند: اول: خوردن و آشامیدن. دوم: جماع. سوم: استمنا، و استمنا آن است که انسان با خود کاری کند که منی از او بیرون آید. چهارم: دروغ بستن به خدا و پیغمبر و جانشینان پیغمبر علیهم السلام. پنجم: رساندن غبار غلیظ به حلق. ششم: فرو بردن تمام سر در آب. هفتم: باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح. هشتم: اماله کردن با چیزهای روان. نهم: قی کردن. و احکام اینها در مسایل آینده گفته می شود.

1- خوردن و آشامیدن

1573- اگر روزه دار عمدا چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می شود، چه خوردن و آشامیدن آن چیز

معمول باشد مثل نان و آب، چه معمول نباشد مثل خاک و شیره درخت، و چه کم باشد یا زیاد. حتی اگر مسواک را از دهان بیرون آورد و دوباره به دهان ببرد و رطوبت آن را فرو برد، روزه او باطل می شود (۱)، مگر آنکه رطوبت مسواک در آب دهان به طوری از بین برود که رطوبت خارج به آن گفته نشود.

۱- «گلپایگانی، صافی» بلکه اگر رطوبت مسواک در آب دهان به طوری از بین برود که رطوبت خارج به آن گفته نشود ولی بداند که در دهان باقی است، بنا بر احتیاط لازم نباید آن را فرو برد.

1574- اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده، باید لقمه را از دهان بیرون آورد. و چنانچه عمداً فرو برد، روزه اش باطل است و به دستوری که بعداً گفته خواهد شد، کفاره هم بر او واجب می شود.

1575- اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود.

1576- احتیاط واجب آن است که روزه دار از استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می رود، خودداری کند^(۱)، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند یا به جای دوا استعمال می شود، اشکال ندارد. ۱- «خویی، سیستانی، گلپایگانی، صافی» احتیاط مستحب آن است که روزه دار از استعمال آمپول خودداری کند و فرق بین آمپول ها نیست. و اگر لازم شد و تزریق کرد، روزه او باطل نمی شود. «مکارم» احتیاط واجب آن است که روزه دار از تزریق آمپول ها و سرم هایی که بجای غذا یا دواء به کار می رود، خودداری کند ولی تزریق آمپول هایی که عضو را بی حس می کند، اشکال ندارد.

1577- اگر روزه دار چیزی را که لای دندان مانده است، عمداً فرو ببرد، روزه اش باطل می شود.

1578- کسی که می خواهد روزه بگیرد^(۱)، لازم نیست پیش از اذان دندانهایش را خلال کند، ولی اگر بداند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می رود^(۲) چنانچه خلال نکند^(۳) و چیزی از آن فرو رود روزه اش باطل می شود. بلکه اگر فرو هم نرود، بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن روز را بگیرد.

۱- «مکارم» بهتر است پیش از اذان صبح دندان هایش را بشوید و خلال کند، و اگر بداند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می رود احتیاط واجب آن است که قبلاً آن را بشوید و خلال کند و اگر نکند و غذا فرو رود، روزه را تمام کند و بعد قضا نماید. ۲- «بہجت، سیستانی» باید خلال کند.

۳- «گلپایگانی، تبریزی، صافی» روزه اش باطل می شود. (گلپایگانی، صافی: خواه چیزی از آن فرو رود یا فرو نرود)

1579- فرو بردن آب دهان، اگر چه بواسطه خیال کردن ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد، روزه را باطل نمی کند.

1580- فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهان نرسیده، اشکال ندارد. ولی اگر داخل فضای دهان شود^(۱)، احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد.
۱- «سیستانی، زنجانی» احتیاط مستحب آن است که آن را فرو نبرد.

1581- اگر روزه دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد، می تواند به اندازه ای که از مردن نجات پیدا کند آب بیاشامد، ولی روزه او باطل می شود. و اگر ماه رمضان باشد، باید در بقیه روز از بجا آوردن کاری که روزه را باطل می کند، خودداری نماید.

1582- جویدن غذا برای بچه یا پرنده و چشیدن غذا و مانند اینها که معمولاً به حلق نمی رسد، اگر چه اتفاقاً به حلق برسد، روزه را باطل نمی کند. ولی اگر انسان از اول بداند که به حلق می رسد^(۱)، چنانچه فرو رود، روزه اش باطل می شود، و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب است.
۱- «گلپایگانی، صافی» روزه اش باطل می شود هرچند به حلق نرسد و باید قضای آن را بگیرد و اگر به حلق رسیده، کفاره هم بر او واجب است.

1583- انسان نمی تواند برای ضعف روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.

2-جماع

1584-جماع روزه را باطل می کند، اگر چه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.

1587-اگر فراموش کند که روزه است و جماع نماید^(۱)، یا او را به جماع مجبور نمایند، به طوری که از خود اختیاری نداشته باشد، روزه او باطل نمی شود. ولی چنانچه در بین جماع یادش بیاید یا دیگر مجبور نباشد، باید فوراً از حال جماع خارج شود، و اگر خارج نشود، روزه او باطل است.
۱- «گلپایگانی، صافی» همچنین اگر خودش از ترس جماع کند روزه اش باطل می شود.

3-استمناء

1588-اگر روزه دار استمناء کند، یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید، روزه اش باطل می شود.

1589- اگر بی اختیار منی از او بیرون آید، روزه اش باطل نیست. ولی اگر کاری کند که بی اختیار منی از او بیرون آید، روزه اش باطل می شود.

1590- هرگاه روزه دار بداند که اگر در روز بخوابد، محتلم می شود، یعنی در خواب منی از او بیرون می آید، می تواند در روز بخوابد. و چنانچه بخوابد و محتلم هم بشود، روزه اش صحیح است.

1591- اگر روزه دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود، واجب نیست از بیرون آمدن آن جلوگیری کند.

1592- روزه داری که محتلم شده، می تواند بول کند و به دستوری که در مساله گفته شد، استبرا نماید^(۱)، ولی اگر بداند به واسطه بول یا استبرا کردن باقی مانده منی از مجری بیرون می آید، در صورتی که غسل کرده باشد، نمی تواند استبرا کند.

۱- «مکارم» هرچند می داند به واسطه آن باقیمانده منی از مجری بیرون می آید، حتی اگر غسل کرده باشد این کار برای روزه اش ضرری ندارد هرچند با خارج شدن باقی مانده منی از مجری، باید مجدداً غسل کند.

1593- روزه داری که محتلم شده، اگر بداند منی در مجری مانده و در صورتی که پیش از غسل بول نکند بعد از غسل منی از او بیرون می آید^(۱)، بنا بر احتیاط واجب باید پیش از غسل بول کند.

۱- «مکارم، سیستانی» احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل بول کند.

1594- اگر به قصد بیرون آمدن منی کاری بکند^(۱) در صورتی که منی از او بیرون نیاید، روزه اش باطل نمی شود.

۱- «صافی، اراکی، مکارم» در صورتی هم که منی از او بیرون نیاید، روزه اش باطل می شود.

«سیستانی» کسی که عمداً به قصد بیرون آمدن منی بازی و شوخی کند و منی از او بیرون نیاید، اگر دو مرتبه نیت روزه نکند روزه او باطل است، و اگر نیت روزه کند باید بنا بر احتیاط لازم روزه را تمام کند و قضا هم بنماید.

1595- اگر روزه دار بدون قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کند، در صورتی که عادت نداشته باشد که بعد از بازی و شوخی منی از او خارج شود، اگرچه اتفاقاً منی بیرون آید، روزه او صحیح است. ولی

اگر شوخی را ادامه دهد تا آن جا که نزدیک است منی خارج شود، و خودداری نکند تا خارج گردد، روزه اش باطل است.

4- دروغ بستن به خدا و پیغمبر

1596- اگر روزه دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره و مانند اینها، به خدا و پیغمبر و جانشینان آن حضرت (علیهم السلام) (۱) عمداً نسبت دروغ بدهد (۲)، اگر چه فوراً بگوید دروغ گفتم، یا توبه کند، روزه او باطل است. و احتیاط واجب آن است که حضرت زهرا سلام الله علیها و سایر پیغمبران و جانشینان آنان هم در این حکم فرقی ندارند.

۱- «سیستانی» عمداً نسبتی را بدهد که دروغ است اگر چه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند روزه او بنا بر احتیاط لازم باطل است و همچنین است بنا بر احتیاط مستحب دروغ بستن به حضرت زهرا سلام الله علیها و سایر پیغمبران و جانشینان آنان.

۲- «مکارم» بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل می شود هر چند بلافاصله توبه کند؛ و دروغ بستن به سایر انبیاء و فاطمه زهرا علیها سلام، نیز همین حکم را دارد.

۳- «صافی» و بنا بر احتیاط واجب نسبت دروغ به حضرت زهرا (س) و به جانشینان پیامبران گذشته هم همین حکم را دارد.

1597- اگر بخواهد خبری را که نمی داند راست است یا دروغ نقل کند، بنا بر احتیاط واجب

باید از کسی که آن خبر را گفته یا از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده، نقل نماید. لیکن اگر خودش هم خبر بدهد، روزه اش باطل نمی شود.

1598- اگر چیزی را به اعتقاد این که راست است از قول خدا یا پیغمبر نقل کند و بعد بفهمد دروغ بوده، روزه اش باطل نمی شود.

1602- اگر از قول خدا یا پیغمبر حرف راستی را بگوید، بعد بگوید دروغ گفتم، یا در شب دروغی را به آنان نسبت دهد و فردای آن روز که روزه می باشد بگوید آنچه دیشب گفتم راست است، (۱) روزه اش باطل می شود.

۱- سیستانی: بنا بر احتیاط روزه اش باطل می شود مگر آنکه مقصودش بیان حال خبرش باشد.

مسئله اختصاصی

«مکارم» مسئله ۱۳۵۹- اگر در نقل احکام شرعی عمداً دروغ بگوید، ملاً واجبی را غیر واجب و حرامی را حلال ذکر کند، اگر منظورش نسبت دادن آن حکم، به خدا یا پیغمبر (صلی الله علیه و آله) باشد روزه اش اشکال دارد و اگر قصدش نسبت دادن فتوا به مجتهد است کار حرامی کرده، اما روزه اش باطل نمی شود و کسی که بدون اطلاع، حکم مشکوکی را نقل می کند نیز همین حکم را دارد.

5- رساندن غبار غلیظ به حلق

1603- رساندن غبار غلیظ به حلق روزه را باطل می کند، چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است،

مثل آرد، یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است. (۱)

۱- «گلپایگانی، صافی» مثل خاک و بنا بر احتیاط واجب باید غباری را هم که غلیظ نیست به حلق نرساند.

«خوئی، زنجانی، سیستانی» بنا بر احتیاط واجب

«سیستانی» رساندن غبار غلیظ به حلق- بنا بر اقوی- روزه را باطل نمی کند.

«مکارم» رساندن غبار غلیظ به حلق هرگاه در حلق تبدیل به گل شود و فرو رود روزه را باطل می کند.

1604- اگر به واسطه باد غبار غلیظی پیدا شود و انسان با این که متوجه است (۱)، مواظبت نکند و به حلق

برسد، روزه اش باطل می شود.

۱- «سیستانی» و می تواند مواظبت کند ولی مواظبت نکند و به حلق برسد، بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل می شود.

1605- احتیاط واجب آن است که روزه دار دود سیگار و تنباکو و مانند اینها را هم به حلق نرساند. ولی

بخار غلیظ روزه را باطل نمی کند، مگر این که در دهان به صورت آب در آید و فرو دهد.

1606- اگر مواظبت نکند و غبار یا بخار یا دود و مانند اینها داخل حلق شود، چنانچه یقین داشته که به

حلق نمی رسد روزه اش صحیح است. (۱)

۱- «خوئی، تبریزی، سیستانی» چنانچه یقین یا اطمینان داشته که به حلق نمی رسد روزه اش صحیح است. و اگر گمان می کرده که به حلق نمی

رسد، بهتر آن است که آن روزه را قضا کند.

1607- اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند، یا بی اختیار غبار و مانند آن به حلق او برسد،

روزه اش باطل نمی شود، و چنانچه ممکن است باید آن را بیرون آورد.

6- فرو بردن سر در آب

1608- اگر روزه دار عمدا تمام سر را در آب فرو برد، اگرچه باقی بدن او از آب بیرون

باشد (۱)، بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن روزه را بگیرد. ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و

مقداری از سر بیرون باشد روزه او باطل نمی شود. (۲)

۱- «سیستانی» روزه اش بنا بر مشهور باطل می شود ولی بعید نیست که این کار روزه را باطل نکند، اگرچه کراهت شدید دارد و رعایت احتیاط در

صورت امکان بهتر است.

۲- «مکارم» روزه دار بنا بر احتیاط واجب

1609- اگر نصف سر را یک دفعه و نصف دیگر آن را دفعه دیگر در آب فرو برد، روزه اش

باطل نمی شود.

1610- اگر شک کند که تمام سر زیر آب رفته یا نه روزه اش صحیح است (۱).

۱- «گلپایگانی، صافی» اگر قصد داشت که سر را زیر آب فرو ببرد و شک کرد که تمام سر زیر آب رفت یا نه، بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل است.

1611- اگر تمام سر زیر آب برود ولی مقداری از موها بیرون بماند، روزه باطل می شود (۱).

۱- «مکارم» روزه اش اشکال دارد.

1613- اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد، یا فراموش کند که

روزه است و سر در آب فرو برد، روزه او باطل نمی شود.

1614- اگر عادتاً با افتادن در آب سرش زیر آب می رود، چنانچه با توجه به این مطلب خود

را در آب بیندازد و سرش زیر آب برود روزه اش باطل می شود (۱).

۱- «گلپایگانی، خوئی، تبریزی، سیستانی، صافی، زنجانی» اگر به خیال اینکه (گلپایگانی، صافی: اگر با اطمینان به اینکه) آب سر او را نمی گیرد خود را در آب بیندازد و آب تمام سر او را بگیرد، روزه اش اشکال ندارد.

1615- اگر فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد (۱)، یا دیگری به زور سر او را

در آب فرو برد، چنانچه در زیر آب یادش بیاید که روزه است یا آن کس دست خود را بردارد، باید فوراً سر

را بیرون آورد، و چنانچه بیرون نیاورد، (۲) روزه اش باطل می شود.

۱- «سیستانی» چنانچه در زیر آب یادش بیاید که روزه است، بهتر آن است که فوراً سر را بیرون آورد ولی چنانچه بیرون نیاورد روزه اش باطل نمی شود. اگر کسی به زور سر او را در آب فرو برد روزه اش اشکالی ندارد ولی چنانچه در حالی که زیر آب است، آن کس دست بردارد بهتر آن است که فوراً سرش را بیرون آورد.

۲- «گلپایگانی، صافی» روزه اش بنا بر احتیاط واجب باطل می شود.

1616- اگر فراموش کند که روزه است و به نیت غسل سر را در آب فرو برد، روزه و غسل

او صحیح است.

7- باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

1619- اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند (۱)، یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم

نماید، (۲) روزه اش در ماه رمضان باطل است.

۱- «مکارم» بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل است ولی اگر توانایی بر غسل ندارد یا وقت تنگ است تیمم نماید، اما اگر از روی عمد نباشد روزه اش صحیح است.

۲- «صافی» احوط باقی نماندن بر جنابت است تا صبح.

«سیستانی» یا اگر وظیفه اش تیمم است تیمم نماید، باید روزه آن روز را تمام کند و روزی دیگر را نیز روزه بگیرد و چون معلوم نیست آن روزه قضا است یا عقوبت، به قصد مافی الذمه انجام دهد نه به قصد قضا.

مسأله اختصاصی

«سیستانی» مسأله ۱۶۲۹- کسی که می خواهد قضای روزه ماه رمضان را بگیرد، هرگاه تا اذان صبح عمداً جنب بماند، نمی تواند آن روز را روزه بگیرد؛ و اگر از روی عمد نباشد، می تواند، اگرچه احتیاط در ترک آن است.

1620- اگر در روزه واجبی که مثل روزه ماه رمضان وقت آن معین است، تا اذان صبح غسل

نکند و تیمم هم ننماید، روزه اش صحیح است.

1621- کسی که جنب است و می خواهد روزه واجبی بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن

معین است، (صافی: وقضای رمضان) چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است.

1622- اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یک روز یادش بیاید، باید

روزه آن روز را قضا نماید، و اگر بعد از چند روز یادش بیاید، باید روزه هر چند روزی را که یقین دارد جنب بوده قضا نماید. مثلاً اگر نمی داند سه روز جنب بوده یا چهار روز، باید روزه سه روز را قضا کند.

1623- کسی که در شب ماه رمضان برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد، اگر خود را

جنب کند (۱)، روزه اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می شود، ولی اگر برای تیمم وقت دارد، چنانچه خود را جنب کند، با تیمم روزه او صحیح است، ولی گناهکار است.

۱- «مکارم» روزه اش اشکال دارد و احتیاطاً قضا و کفاره بجا آورد؛ همچنین اگر برای غسل وقت ندارد و فقط برای تیمم وقت دارد.

1624- اگر گمان کند که به اندازه غسل وقت دارد و خود را جنب کند و بعد بفهمد وقت تنگ بوده، چنانچه

تیمم کند روزه اش صحیح است.

1625- کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی شود، نباید بخوابد، و چنانچه بخوابد و تا صبح بیدار نشود^(۱)، روزه اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می شود. ۱- «مکارم» روزه اش اشکال دارد و بنا بر احتیاط واجب باید قضا و کفاره بجا آورد، اما اگر احتمال می دهد بیدار شود می تواند بخوابد اما احتیاط این است که در دفعه دوم که بیدار شد نخوابد تا غسل کند.

1626- هرگاه جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود^(۱)، اگر احتمال بدهد که اگر دوباره

بخوابد بیدار می شود برای غسل^(۲)، می تواند بخوابد.

۱- «سیستانی» احتیاط واجب آن است که پیش از غسل در صورتی که اطمینان به بیدار شدن ندارد، نخوابد، اگر چه احتمال بدهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود.

۲- «گلبایگانی، صافی» جنب اگر عادت و اطمینان به بیدار شدن قبل از اذان صبح ندارد بنا بر احتیاط واجب نباید پیش از غسل بخوابد و اگر بخوابد- خواب اول باشد یا دوم- حکم باقی ماندن عمدی با جنابت تا صبح را دارد که باید قضاء روزه را بگیرد و کفاره نیز بدهد.

1627- کسی که در شب ماه رمضان جنب است^(۱) و می داند یا احتمال می دهد که اگر بخوابد

پیش از اذان صبح بیدار می شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند و با این تصمیم بخوابد و تا اذان خواب بماند، روزه اش صحیح است.

۱- «خوئی، تبریزی، سیستانی» و یقین دارد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود... (تا آخر متن اصلی)

1630- اگر جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود^(۱) و بداند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد

پیش از اذان صبح^(۲) بیدار می شود و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند، چنانچه دوباره بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود، باید روزه آن روز را قضا کند، و همچنین است اگر از خواب دوم بیدار شود و برای مرتبه سوم بخوابد، و کفاره بر او واجب نمی شود.

۱- «خوئی، تبریزی، سیستانی» و یقین کند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند، چنانچه دوباره بخوابد و تا اذان بیدار نشود باید (سیستانی: عقوبت) روزه آن روز را قضا کند و اگر از خواب دوم بیدار شود و برای مرتبه سوم بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود باید روزه آن روز را قضا کند و بنا بر احتیاط استحبابی کفاره نیز بدهد.

۲- «مکارم» برای غسل کردن بیدار می شود چنانچه بخوابد و بیدار نشود، احتیاطاً باید روزه آن روز را قضا کند، همچنین است اگر برای دفعه سوم بخوابد و بیدار نشود، ولی در هیچ یک از این ها کفاره بر او واجب نمی شود.

1631- خوابی را که در آن محتمل شده نباید خواب اول حساب کرد، بلکه اگر از آن خواب بیدار شود و

دوباره بخوابد، خواب اول حساب می شود.^(۱)

۱- «صافی» و بنا بر احتیاط مستحب مؤکد کفاره هم بر او واجب می شود.

«سیستانی» خوابی که در آن احتلام صورت گرفته است خواب اول حساب می شود، بنابراین اگر پس از بیدار شدن دوباره بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود، چنانچه در مسأله قبل گفته شد روزه آن روز را باید قضا کند.

1632- اگر روزه دار در روز محتلم شود، واجب نیست فوراً غسل کند.

1633- هرگاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتلم شده، اگرچه بداند پیش از اذان محتلم شده، روزه او صحیح است.

1634- کسی که می خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد، هرگاه تا اذان صبح جنب بماند، اگر چه از روی عمد نباشد^(۱)، روزه او باطل است.

۱- «گلپایگانی، صافی» اگر وقت وسعت داشته باشد روزه او باطل است و اگر وقت تنگ باشد، احتیاط واجب گرفتن روزه آن روز و عوض آن بعد از ماه مبارک است.

1635- کسی که می خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد، اگرچه بعد از اذان صبح بیدار شود

و ببیند محتلم شده و بداند پیش از اذان محتلم شده است^(۱)، چنانچه وقت روزه تنگ است، مثلاً پنج روز روزه رمضان دارد، و پنج روز هم به رمضان مانده است^(۲)، بعد از رمضان عوض آن را به جا آورد، و اگر وقت قضای روزه تنگ نیست روزه بگیرد.

۱- «سیستانی» می تواند آن روز را به قصد قضای ماه رمضان روزه بگیرد.

«مکارم» اگر وقت قضای روزه تنگ نیست بنا بر احتیاط واجب روز دیگری را روزه بگیرد، و اگر وقت قضای روزه تنگ است مثلاً پنج روز قضا به ذمه دارد و پنج روز هم بیشتر به ماه رمضان باقی نمانده، همان روز را روزه بگیرد و روزه اش صحیح است.

۲- «گلپایگانی، اراکی، فاضل، صافی» بنا بر احتیاط واجب باید آن روز را روزه بگیرد و بعد از رمضان هم عوض آن را بجا آورد و اگر وقت قضای تنگ نیست، روزه اش باطل است.

1636- اگر در روزه واجبی غیر روزه رمضان و قضای آن، تا اذان صبح جنب بماند، روزه اش صحیح است، چه وقت آن معین باشد و چه نباشد.

1637- اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و عمداً غسل نکند، یا اگر

وظیفه او تیمم است تیمم نکند، روزه اش باطل است.

1638- اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل وقت نداشته

باشد(۱)، چنانچه بخواهد روزه ماه رمضان یا قضای آن را بگیرد، باید تیمم نماید و روزه اش

صحیح است، و اگر بخواهد روزه مستحب یا روزه واجب مثل روزه کفاره و روزه نذری

بگیرد، اگرچه بدون تیمم هم روزه اش صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که تیمم

کند. - «گلپایگانی، صافی» چنانچه بخواهد روزه واجبی بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است، باید تیمم نماید و بنا بر احتیاط مستحب تا

اذان صبح بیدار بماند. و اگر بخواهد روزه مستحب یا روزه واجبی بگیرد که مثل روزه کفاره وقت آن معین نیست نمی تواند باتیمم روزه بگیرد.

«سیستانی» ولی لازم نیست تا اذان صبح بیدار بماند و همچنین است حکم جنب در صورتی که وظیفه اش تیمم است.

1639- اگر زن نزدیک اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای هیچ کدام از غسل و

تیمم وقت نداشته باشد(۱)، یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده، روزه او صحیح

است، ولی اگر در وسعت وقت قضای رمضان را گرفته باشد، صحیح بودن آن اشکال دارد.

۱

1640- اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود، یا در بین روز خون حیض

یا نفاس ببیند، اگر چه نزدیک مغرب باشد، روزه او باطل است.

1641- اگر زن غسل حیض یا نفاس را فراموش کند و بعد از یک روز یا چند روز یادش بیاید(۱)، روزه

هایی که گرفته صحیح است.

۱- «صافی» قضای روزه هایی را که گرفته بنا بر احتیاط، مستحب است که بگیرد.

1642- اگر زن پیش از اذان صبح در ماه رمضان از حیض یا نفاس پاک شود و در غسل

کردن کوتاهی کند و تا اذان غسل نکند و در تنگی وقت تیمم هم نکند، روزه اش باطل است. ولی چنانچه

کوتاهی نکند، مثلا منتظر باشد که حمام زنانه شود، اگرچه سه مرتبه بخواهد و تا اذان غسل نکند، در صورتی

که تیمم کند روزه او صحیح است.

1643- اگر زنی که در حال استحاضه است، غسلهای خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه (در

مسأله ۴۱۷ به بعد) گفته شد به جا آورد، روزه او صحیح است.(۱)

۱- «سیستانی» اگر زنی که در حال استحاضه کثیره است هر چند غسل های خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه در مسأله (۳۹۶) گفته شد به جا

نیآورد، روزه او صحیح است، همچنان که در استحاضه متوسطه اگرچه غسل نکند روزه اش صحیح است.

1644- کسی که مس میت کرده، یعنی جایی از بدن خود را به بدن میت رسانده، می تواند بدون غسل مس میت روزه بگیرد. و اگر در حال روزه هم میت را مس نماید، روزه او باطل نمی شود.

8- اماله کردن

1645- اماله کردن با چیز روان اگرچه از روی ناچاری و برای معالجه باشد، روزه را باطل می کند، ولی استعمال شیاف هایی که برای معالجه است اشکال ندارد (۱).

۱- «مکارم» و احتیاط واجب آن است که از استعمال شیاف هایی برای تغذیه است خودداری شود.

9- قی کردن

1646- هرگاه روزه دار عمدتاً قی کند - اگر چه به واسطه مرض و مانند آن ناچار باشد - روزه اش باطل می شود، ولی اگر سهوا یا بی اختیار قی کند، اشکال ندارد.

1647- اگر در شب چیزی بخورد که می داند به واسطه خوردن آن در روز بی اختیار قی می کند، احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را قضا نماید.

«سیستانی» احتیاط مستحب آن است که روزه آن روز را قضا نماید.

«مکارم» روزه باطل نمی شود ولی احتیاط مستحب این است که چنین کاری نکند و اگر کرد روزه را قضا نماید.

1648- اگر روزه دار بتواند از قی کردن خودداری کند، چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد، باید خودداری نماید.

1649- اگر مگس در گلوئی روزه دار برود، چنانچه به قدری پایین رود که به فرو بردن آن خوردن نمی گویند، لازم نیست آن را بیرون آورد و روزه او صحیح است، و اگر به این مقدار پایین نرود، باید آن را بیرون آورد، اگرچه موجب شود که قی کند و روزه اش باطل شود، و چنانچه فرو برد روزه اش باطل می شود، و بنا بر احتیاط واجب باید كفاره جمع بدهد.

1650- اگر سهوا چیزی را فرو برد و پیش از رسیدن به شکم یادش بیاید که روزه است، چنانچه به قدری پایین رفته باشد که اگر آن را داخل شکم کند خوردن نمی گویند، لازم نیست آن را بیرون آورد و روزه او صحیح است.

«گلیایگانی، صافی» چنانچه ممکن باشد باید آن را بیرون آورد و روزه اش صحیح است.

1651- اگر یقین داشته باشد که به واسطه آروغ زدن چیزی از گلو بیرون می آید، نباید

عمدا آروغ بزند، ولی اگر یقین نداشته باشد اشکال ندارد.

{خویی، تبریزی، سیستانی} بنا بر احتیاط نباید عمدا {تا آخر متن اصلی}

{گلپایگانی، صافی} «ناید عمدا آروغ بزند بلکه اگر احتمال بدهد بنا بر احتیاط واجب آروغ نزند

{سیستانی} «چنانچه طوری باشد که بر آن قی کردن صدق کند، نباید عمدا {تا آخر متن اصلی}

1652- اگر آروغ بزند و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید آن را بیرون بریزد، و اگر

بی اختیار فرو رود، روزه اش صحیح است.

احکام چیزهایی که روزه را باطل می کند

1653- اگر انسان عمدا و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می کند، انجام دهد، روزه او

باطل می شود و چنانچه از روی عمد نباشد اشکال ندارد، ولی جنب اگر بخوابد و به تفصیلی

که در مساله گفته شد تا اذان صبح غسل نکند، روزه او باطل است.

{سیستانی} «چنانچه انسان نداند که بعضی از آنچه گفته شد روزه را باطل می کند یعنی جاهل قاصر باشد و تردیدی هم نداشته باشد یا آن که اعتماد بر

حجت شرعی داشته باشد، اگر آن چیز را انجام دهد، روزه اش باطل نمی شود مگر در خوردن و اشامیدن و جماع.

1654- اگر روزه دار سهوا یکی از کارهایی که روزه را باطل می کند انجام دهد و به خیال این

که روزه اش باطل شده، عمدا دوباره یکی از آنها را بجا آورد، روزه او باطل می شود.

{سیستانی} و به اعتقاد به این که روزه اش باطل شده عمدا دوباره یکی از آنها را بجا آورد حکم مسئله گذشته در مورد او جاری می شود.

{مکارم} و بعد به گمان این که روزه اش باطل شده دوباره یکی از آنها را عمدا بجا آورد روزه اش باطل نمی شود، ولی احتیاط مستحب، قضای آن

است.

1655- اگر چیزی به زور در گلوی روزه دار بریزند، یا سر او را به زور در آب فرو برند، روزه

او باطل نمی شود، ولی اگر مجبورش کنند که روزه خود را باطل کند مثلا به او بگویند اگر غذا نخوری ضرر

مالی یا جانی به تو می زنیم و خودش برای جلوگیری از ضرر، چیزی بخورد، روزه او باطل می شود.

1656- روزه دار نباید جایی برود که می داند چیزی در گلویش می ریزند یا مجبورش می کنند

که خودش روزه خود را باطل کند، اما اگر قصد رفتن کند و نرود یا بعد از رفتن چیزی به خوردش ندهند، روزه او صحیح است، و چنانچه از روی ناچاری کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، روزه او باطل می شود، ولی اگر چیزی در گلویش بریزند، باطل شدن روزه او محل اشکال است.

آنچه برای روزه دار مکروه است

1657- چند چیز برای روزه دار مکروه است و از آن جمله است: دوا ریختن به چشم و سرمه کشیدن در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد، انجام دادن هر کاری که مانند خون گرفتن و حمام رفتن باعث ضعف می شود، انفیة کشیدن اگر نداند که به حلق می رسد و اگر بداند به حلق می رسد جایز نیست، بو کردن گیاه های معطر، نشستن زن در آب، استعمال شیاف، تر کردن لباسی که در بدن است، کشیدن دندان و هر کاری که به واسطه آن از دهان خون بیاید، مسواک کردن به چوب تر، و نیز مکروه است انسان بدون قصد بیرون آمدن منی زن خود را ببوسد یا کاری کند که شهوت خود را به حرکت آورد، و اگر به قصد بیرون آمدن منی باشد، در صورتی که منی بیرون آید، روزه او باطل است.

جاهایی که قضا و کفاره واجب است

1658- اگر در روزه ماه رمضان عمدا قی کند یا در شب جنب شود و به تفصیلی که در مساله گفته شد سه مرتبه بیدار شود و بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود، فقط باید قضای آن روز را بگیرد، و چنانچه عمدا اماله کند یا سر زیر آب ببرد، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره هم بدهد، ولی اگر کار دیگری که روزه را باطل می کند عمدا انجام دهد، در صورتی که می دانسته آن کار روزه را باطل می کند، قضا و کفاره بر او واجب می شود.

«گلیپگانی، صافی» (صافی: بنا بر احتیاط مستحب برای مرتبه ی سوم کفاره نیز بدهد)

«سیستانی» مساله - اگر کسی روزه ی ماه رمضان را به خوردن یا اشامیدن یا جماع یا استمناء یا باقی ماندن بر جنابت باطل کند در صورتی که از روی عمد و اختیار باشد و از روی ناچاری و جبر نباشد، اضافه بر قضا کفاره هم بر او واجب می شود، و احتیاط مستحب آن است که کسی که روزه را به غیر آنچه گفته شد باطل کند اضافه بر قضا کفاره هم بدهد.

«مکارم» مساله کارهایی که روزه را باطل می کند اگر عمدا و با علم و اطلاع انجام دهد علاوه بر این که روزه او باطل می شود قضا دارد و کفاره نیز دارد ولی اگر به خاطر ندانستن مساله باشد کفاره ندارد ولی احتیاط آن است که قضا کند.

1659- اگر به واسطه ندانستن مساله کاری انجام دهد که روزه را باطل می کند، چنانچه می توانسته مساله

را یاد بگیرد، بنا بر احتیاط واجب کفاره بر او ثابت می شود، و اگر نمی توانسته مساله را یاد بگیرد یا اصلا ملتفت مساله نبوده یا یقین داشته که فلان چیز روزه را باطل نمی کند، کفاره بر او واجب نیست.

«گلبایگانی، صافی» چنانچه در یادگرفتن مساله تقصیر کرده و در وقت بجا آوردن ان کار احتمال مفطر بودن ان را می داده کفاره بر او واجب می شود و اگر در وقت بجا آوردن ان غفلت داشته کفاره واجب نیست اگرچه احوط است و همچنین اگر در یادگرفتن مساله تقصیر نکرده باشد کفاره واجب نیست

«مکارم» مساله - هرگاه به واسطه ی بی اطلاعی و ندانستن مساله کاری را انجام دهد که می داند حرام است ولی نمی دانسته است که روزه را باطل می کند بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب است.

کفاره روزه

1660- کسی که کفاره روزه رمضان بر او واجب است، باید یک بنده آزاد کند یا به دستوری که در مساله بعد گفته می شود، دو ماه روزه بگیرد یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام، یک مد که تقریباً ده سیر است، طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها بدهد، و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد، هر چند مد که می تواند به فقرا طعام بدهد و اگر نتواند طعام بدهد باید استغفار کند، اگر چه مثلاً یک مرتبه بگوید "استغفرالله"، و احتیاط واجب در فرض اخیر آن است که هر وقت بتواند، کفاره را بدهد.

«مکارم» هرگاه هیچیک از این سه کار ممکن نشود هرچند مد که می تواند به فقرا اطعام کند و اگر نتواند، باید ۱۸ روز روزه بگیرد، و اگر نتواند هرچند روز که می تواند بجا آورد و اگر نتواند استغفار کند و همین اندازه که در قلب بگوید استغفرالله کافی است و واجب نیست بعداً که قدرت پیدا کرد کفاره را بدهد.

1661- کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، باید سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد، و اگر بقیه آن پی در پی نباشد، اشکال ندارد.

«مکارم» احتیاط واجب ان است که ۳۱ روز ان را پی در پی بجا آورد ولی در ۱۸ روز که در بالا گفته شد پی در پی بجا آوردن لازم نیست.

1662- کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، نباید موقعی شروع کند که در بین سی و یک روز، روزی باشد که مانند عید قربان روزه آن حرام است.

1663- کسی که باید پی در پی روزه بگیرد، اگر در بین آن بدون عذر یک روز روزه نگیرد، یا وقتی شروع کند که در بین آن به روزی برسد که روزه آن واجب است، مثلاً به روزی برسد که نذر کرده آن روز را روزه بگیرد، باید روزه ها را از سر بگیرد.

«مکارم» مساله - در جایی که باید پی در پی روزه بگیرد اگر در وسط، یک روز را عمداً روزه نگیرد باید همه را از نو بجا آورد.

1664- اگر در بین روزهایی که باید پی در پی روزه بگیرد، عذری مثل حیض یا نفاس یا سفری که در رفتن آن مجبور است، برای او پیش آید، بعد از برطرف شدن عذر واجب نیست روزه ها را از سر بگیرد، بلکه بقیه را بعد از برطرف شدن عذر بجا می آورد.

1665- اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، چه آن چیز اصلا حرام باشد مثل شراب و زنا، یا به جهتی حرام شده باشد مثل نزدیکی کردن با عیال خود در حال حیض، بنا بر احتیاط کفاره جمع بر او واجب می شود، یعنی باید یک بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند، یا به هر کدام آنها یک مد که تقریبا ده سیر است گندم یا جو یا نان و مانند اینها بدهد، و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد، هر کدام آنها را که ممکن است باید انجام دهد.

«سیستانی» احتیاط مستحب آن است که کفاره ی جمع بدهد یعنی یک بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام آنها یک مد گندم و جو {تا اخر متن اصلی}....

1666- اگر روزه دار دروغی را به خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت دهد، کفاره جمع که تفصیل آن در مساله پیش گفته شد بنا بر احتیاط بر او واجب می شود.

«سیستانی» عمدا نسبت دهد احتیاط مستحب آن است که کفاره جمع که تفصیل آن در مساله پیش گفته شد بدهد

«مکارم» یک کفاره کافی است و کفاره جمع لازم نیست.

«صافی» بنا بر احتیاط کفاره جمع که تفصیل آن در مساله پیش گفته شد بر او لازم می شود.

1667- اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه جماع کند، یک کفاره بر او واجب است، ولی اگر جماع او حرام باشد یک کفاره جمع واجب می شود.

1668- اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل می کند انجام دهد، برای همه آنها یک کفاره کافی است.

1669- اگر روزه دار جماع حرام کند و بعد با حلال خود جماع نماید، یک کفاره جمع کافی است.

1670- اگر روزه دار کاری که حلال است و روزه را باطل می کند، انجام دهد، مثلا آب بیاشامد،

و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل می کند انجام دهد، مثلا غذای حرامی بخورد، یک کفاره کافی است.

1671- اگر روزه دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید، چنانچه عمدا آن را فرو ببرد، روزه اش باطل است و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب می شود، و اگر خوردن آن چیز حرام باشد، مثلا موقع آروغ زدن خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده به دهان او بیاید و عمدا آن را فرو برد، باید قضای آن روزه را بگیرد، و بنا بر احتیاط کفاره جمع هم بر او واجب می شود.

1672- اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه در آن روز عمدا روزه خود را باطل کند، باید یک بنده آزاد نماید، یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد، یا به شصت فقیر طعام دهد. «صافی» در کفاره آن دو قول است: یکی این است که یک منده آزاد نماید و یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد و این قول در صورت اختیار آزاد کردن بنده یا اطعام شصت فقیر مطابق با احتیاط است و قول دیگر تخیر بین آزاد کردن یک بنده و طعام دادن به ده فقیر یا پوشاندن آنها و اگر هیچ یک را نتواند سه روز پی در پی روزه بگیرد.

1673- اگر به گفته کسی که می گوید مغرب شده افطار کند، و بعد بفهمد مغرب نبوده است، قضا و کفاره بر او واجب می شود. ولی اگر خبر دهنده عادل بوده، فقط قضای آن روزه واجب است. «خویی، تبریزی، سیستانی مکارم» مساله - اگر روزه دار به گفته ی کسی که می گوید مغرب شده و اعتماد به گفته ی او نیست افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است (خویی، تبریزی، سیستانی: یا شک کند که مغرب بوده است یا نه) قضا و کفاره بر او واجب می شود «گلپایگانی، فاضل، بهجت، صافی» مساله - کسی که می تواند وقت را تشخیص دهد اگر به گفته کسی که می گوید مغرب شده افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است قضا و کفاره بر او واجب می شود

1674- کسی که عمدا روزه خود را باطل کرده، اگر بعد از ظهر مسافرت کند، یا پیش از ظهر برای فرار از کفاره سفر نماید، کفاره از او ساقط نمی شود، بلکه اگر قبل از ظهر مسافرتی برای او پیش آمد کند، بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب است.

1675- اگر عمدا روزه خود را باطل کند، و بعد عذری مانند حیض یا نفاس یا مرض برای او پیدا شود، کفاره بر او واجب نیست.

«اراک، صافی» بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب می شود.
«خویی، سیستانی» (خویی احتیاط واجب - تبریزی: احتیاط - سیستانی: احتیاط مستحب) این است که کفاره را بدهد

1676- اگر یقین کند که روز اول ماه رمضان است، و عمدا روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود که آخر شعبان بوده، کفاره بر او واجب نیست.
«صافی» بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب نیست.

1677- اگر انسان شک کند که آخر رمضان است یا اول شوال، و عمدا روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود اول شوال بوده، کفاره بر او واجب نیست.

1678- اگر روزه دار در ماه رمضان با زن خود که روزه دار است جماع کند، چنانچه زن را مجبور کرده باشد، کفاره روزه خودش و روزه زن را باید بدهد، و اگر زن به جماع راضی بوده، بر هر کدام یک کفاره واجب می شود.

1679- اگر زنی شوهر خود را مجبور کند که جماع نماید، یا کار دیگری که روزه را باطل می کند انجام دهد، واجب نیست که کفاره روزه شوهر را بدهد.

1680- اگر روزه دار در ماه رمضان با زن خود که روزه دار است جماع کند، چنانچه به طوری زن را مجبور کرده باشد که از خود اختیاری نداشته باشد، و در بین جماع زن راضی شود، باید مرد دو کفاره و زن یک کفاره بدهد، و اگر با اراده و اختیار عمل را انجام دهد، اگرچه مجبورش کرده باشد، مرد باید کفاره خودش و زن را بدهد.

1681- اگر روزه دار در ماه رمضان با زن خود که خواب است جماع نماید، یک کفاره بر او واجب می شود، و روزه زن صحیح است و کفاره هم بر او واجب نیست.

1682- اگر مرد زن خود را مجبور کند که غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل می کند بجا آورد، کفاره زن را نباید بدهد، و بر خود زن هم کفاره واجب نیست.

1683- کسی که به واسطه مسافرت یا مرض روزه نمی گیرد، نمی تواند زن روزه دار خود را مجبور به جماع کند، ولی اگر او را مجبور نماید، بنا بر احتیاط باید کفاره اش را بدهد.

1684- انسان نباید در بجا آوردن کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهد.

1685- اگر کفاره بر انسان واجب شود و چند سال آن را بجا نیاورد، چیزی بر آن اضافه نمی شود.

1686- کسی که باید برای کفاره یک روز شصت فقیر را طعام بدهد، اگر به شصت فقیر دسترسی دارد، نباید به هر کدام از آنها بیشتر از یک مد که تقریباً ده سیر است طعام بدهد، یا یک فقیر را بیشتر از یک مرتبه سیر نماید، ولی چنانچه انسان اطمینان داشته باشد که فقیر طعام را به عیالات خود می دهد یا به آنها می خوراند، می تواند برای هر یک از عیالات فقیر اگرچه صغیر باشند یک مد به آن فقیر بدهد.

1687- کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمدا کاری که روزه را باطل

می کند انجام دهد، باید به ده فقیر هر کدام یک مد که تقریباً ده سیر است طعام بدهد، و اگر نمی تواند بنا بر احتیاط واجب باید سه روز پی در پی روزه بگیرد.

«خویی، گلپایگانی، اراکی، تبریزی، سیستانی، صافی» و اگر نمی تواند سه روز روزه بگیرد.

«مکارم» و اگر نمی تواند سه روز پی در پی روزه بگیرد.

جاهایی که فقط قضای روزه واجب است

1688- در چند صورت فقط قضای روزه بر انسان واجب است، و کفاره واجب نیست: اول: آنکه روزه دار

در روز ماه رمضان عمدا قی کند. دوم: آنکه در شب ماه رمضان جنب باشد و به تفصیلی که در مساله گفته شد تا اذان صبح از خواب سوم بیدار نشود. سوم: عملی که روزه را باطل می کند بجا نیاورد، ولی نیت روزه نکند یا روزه را بگذرد، یا قصد کند که روزه نباشد. چهارم: آنکه در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند، و با حال جنابت یک روز یا چند روز روزه بگیرد. پنجم: آنکه در ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده و نیز اگر بعد از تحقیق با این که گمان دارد صبح شده، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده قضای آن روزه بر او واجب است. ولی اگر بعد از تحقیق گمان یا یقین کند که صبح شده و چیزی بخورد، و بعد معلوم شود صبح بوده، قضا واجب نیست، بلکه اگر بعد از تحقیق شک کند که صبح شده یا نه و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده، قضا واجب نیست. ششم: آنکه کسی بگوید صبح نشده و انسان به گفته او کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است. هفتم: آنکه کسی بگوید صبح

شده و انسان به گفته او یقین نکند، یا خیال کند شوخی می کند و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است. هشتم: آنکه به گفته کس دیگر که عادل باشد افطار کند، بعد معلوم شود مغرب نبوده است. نهم: آنکه در هوای صاف به واسطه تاریکی یقین کند که مغرب شده و افطار کند، بعد معلوم شود مغرب نبوده است. ولی اگر در هوای ابر به گمان این که مغرب شده افطار کند، بعد معلوم شود مغرب نبوده، قضا لازم نیست. دهم: آنکه برای خنک شدن، یا بی جهت مضمضه کند، یعنی آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرو رود، ولی اگر فراموش کند که روزه است و آب را فرو دهد، یا برای وضو مضمضه کند و بی اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست.

1689- اگر غیر آب چیز دیگری را در دهان ببرد و بی اختیار فرو رود، یا آب داخل بینی کند و بی اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست.

1690- مضمضه زیاد برای روزه دار مکروه است، و اگر بعد از مضمضه بخواهد آب دهان را فرو برد، بهتر است سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزد.

1691- اگر انسان بداند^(۱) که به واسطه مضمضه، بی اختیار^(۲) یا از روی فراموشی آب وارد گلویش می شود، نباید مضمضه کند.

۱- «سیستانی» یا احتمال بدهد.

۲- «سیستانی» همچنین است بنا بر احتیاط لازم اگر بداند که از روی فراموشی آب وارد گلویش می شود.

1692- اگر در ماه رمضان بعد از تحقیق^(۱) یقین کند که صبح نشده و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، قضا لازم نیست.

۱- «سیستانی» اگر در ماه رمضان، بعد از تحقیق برای او معلوم نشود که صبح شده و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده قضا لازم نیست.

1693- اگر انسان شک کند که مغرب شده یا نه، نمی تواند افطار کند، ولی اگر شک کند که صبح شده یا نه، پیش از تحقیق هم می تواند کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد.

احکام روزه قضا

1694- اگر دیوانه عاقل شود، واجب نیست روزه های وقتی را که دیوانه بوده قضا نماید.

1695- اگر کافر مسلمان شود، واجب نیست روزه های وقتی را که کافر بوده قضا نماید(۱)، ولی

اگر مسلمانی کافر شود و دوباره مسلمان گردد، روزه های وقتی را که کافر بوده باید قضا نماید.

۱- «گلیپگانی، صافی» اگر کافر پیش از ظهر روز ماه رمضان مسلمان شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد احتیاط مستحب (صافی: احتیاط واجب) آن است که آن روز را روزه بگیرد و اگر ترک نمود قضا نماید و روزه های قبل قضا ندارد ولی... (تا آخر متن اصلی)

1697- اگر برای عذری چند روز روزه نگیرد و بعد شک کند که چه وقت عذر او برطرف شده، می تواند

مقدار کمتر را که احتمال می دهد روزه نگرفته قضا نماید، مثلا کسی که پیش از ماه رمضان مسافرت کرده و نمی داند پنجم رمضان از سفر برگشته یا ششم، می تواند پنج روز روزه بگیرد. و نیز کسی هم که نمی داند چه وقت عذر برایش پیدا شده، می تواند مقدار کمتر را قضا نماید، مثلا اگر در آخرهای ماه رمضان مسافرت کند و بعد از رمضان برگردد و نداند که بیست و پنجم رمضان مسافرت کرده یا بیست و ششم، می تواند مقدار کمتر یعنی پنج روز را قضا کند.

1698- اگر از چند ماه رمضان روزه قضا داشته باشد، قضای هر کدام را که اول بگیرد مانعی ندارد، ولی اگر

وقت قضای رمضان آخر تنگ باشد(۱)، مثلا پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم به رمضان مانده باشد(۲) باید اول، قضای رمضان آخر را بگیرد.

۱- «مکارم» باید بنا بر احتیاط اول قضای رمضان آخر را بگیرد.

۲- «خوئی، گلیپگانی، اراکی، فاضل، صافی، تبریزی، سیستانی» (اراک، فاضل: احتیاط واجب- گلیپگانی، صافی: احتیاط مستحب -

خوئی، تبریزی، سیستانی: بهتر) آن است که اول قضای رمضان آخر را بگیرد.

1699- اگر قضای روزه چند رمضان بر او واجب باشد، و در نیت معین نکند روزه ای را که

می گیرد قضای کدام رمضان است، قضای سال اول حساب می شود.

1700- کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، اگر وقت قضای روزه او تنگ نباشد، می تواند

پیش از ظهر روزه خود را باطل نماید.

1701 اگر قضاى روزه ماه رمضان مَیْتی را گرفته باشد، احتیاط واجب^(۱) آن است که بعد از ظهر روزه را باطل نکند.

۱- «صافی، سیستانی» مستحب است.

1702- اگر به واسطه مرض یا حیض یا نفاس، روزه رمضان را نگیرد و پیش از تمام شدن رمضان بمیرد، لازم نیست روزه هایی را که نگرفته، برای او قضا کنند، اگر چه مستحب است.

1703- اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و مرض او تا رمضان سال بعد طول

بکشد، قضاى روزه هایی را که نگرفته بر او واجب نیست، و باید برای هر روز یک مد (که تقریباً ده سیر است) طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. ولی اگر به واسطه عذر دیگری، مثلاً برای مسافرت روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند، روزه هایی را که نگرفته، باید^(۱) قضا کند،^(۲) و احتیاط مستحب آن است که برای هر روز یک مد طعام هم به فقیر بدهد.

۱- «مکارم» احتیاط واجب

۲- «خوئی، اراکی، فاضل، سیستانی، تبریزی، صافی» و احتیاط واجب آن است که برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد. (عبارت داخل پرانتز در رساله ایت الله سیستانی نیامده است)

1704- اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و بعد از رمضان مرض او برطرف شود

ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند تا رمضان بعد قضاى روزه را بگیرد، باید روزه هایی را که نگرفته، قضا نماید. و نیز اگر در ماه رمضان غیر مرض، عذر دیگری داشته باشد و بعد از رمضان آن عذر برطرف شود و تا رمضان سال بعد به واسطه مرض نتواند روزه بگیرد، روزه هایی را که نگرفته، باید قضا کند.^(۱)

۱- «اراکى، خوئى، فاضل، تبریزی، سیستانی» و بنا بر احتیاط واجب برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

«صافی» و بنا بر احتیاط مستحب کفاره نیز بدهد.

1705- اگر در ماه رمضان به واسطه عذری روزه نگیرد و بعد از رمضان عذر او برطرف شود

و تا رمضان آینده عمداً قضاى روزه را نگیرد، باید روزه را قضا کند و برای هر روز یک مد گندم یا جو و مانند اینها هم به فقیر بدهد.

1706- اگر در قضای روزه کوتاهی کند تا وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری پیدا کند،^(۱) باید قضا را بگیرد و برای هر روز یک مد گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد^(۲)، بلکه اگر موقعی که عذر دارد، تصمیم داشته باشد که بعد از برطرف شدن عذر روزه های خود را قضا کند، و پیش از آن که قضا نماید در تنگی وقت عذر پیدا کند، باید قضای آن را بگیرد، و احتیاط واجب آن است که برای هر روز هم یک مد غذا به فقیر بدهد.

۱- «سیستانی» باید قضا را بگیرد و بنابر احتیاط برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد، و همچنین است اگر بعد از برطرف شدن عذر تصمیم داشته باشد که روزه های خود را قضا کند ولی پیش از آن که قضا نماید در تنگی وقت عذر پیدا کند.
۲- «مکارم» اما اگر کوتاهی نکرده و اتفاقاً در تنگی وقت، عذری پیدا شده فقط قضا لازم است.

1707- اگر مرض انسان چند سال طول بکشد، بعد از آن که خوب شد اگر تا رمضان آینده به مقدار قضا وقت داشته باشد، باید قضای رمضان آخر را بگیرد و برای هر روز از سالهای پیش یک مد که تقریباً ده سیر است، طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد.

1708- کسی که باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد، می تواند کفاره چند روز را به یک فقی

بدهد.^(۱)

۱- «مکارم» و اگر مقداری نان دهد که گندم آن به اندازه یک مد باشد کافی است، ولی پول آن را نمی تواند بدهد مگر این که اطمینان داشته باشد آنرا برای خرید نان مصرف می کند.

1709- اگر قضای روزه رمضان را چند سال تاخیر بیندازد، باید قضا را بگیرد و برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

1710 اگر روزه رمضان را عمدا نگیرد، باید قضای آن را به جا آورد و برای هر روز دو ماه روزه بگیرد، یا به شصت فقیر طعام بدهد، یا یک بنده آزاد کند. و چنانچه تا رمضان آینده قضای آن روزه را به جا نیاورد^(۱)، برای هر روز نیز دادن یک مد طعام لازم است.

۱- «صافی، سیستانی» بنابر احتیاط لازم

1712- بعد از مرگ پدر، پسر بزرگتر باید قضای نماز و روزه او را به تفصیلی که در مسأله گفته شد بجا

آورد(۱)، ولی قضای روزه مادر بر پسر واجب نیست.

۱- «مکارم» و احتیاط این است که قضای نماز و روزه مادر را نیز انجام دهد.

«گلیایگانی، صافی» بعد از فوت پدر و همچنین بنا بر احتیاط واجب مادر، پسر بزرگتر باید قضای نماز و روزه آنان را به تفصیلی که در مسئله (۱۳۹۰) گفته شد بجا آورد.

«خوئی، تبریزی، سیستانی» بعد از مرگ پدر پسر بزرگتر (سیستانی: بنا بر احتیاط لازم) باید قضای روزه او را به تفصیلی که در (نماز قضای پدر در مسأله ۱۳۹۰) گفته شد بجا آورد. (سیستانی: و می تواند بجای هر روز ۳/۴ کیلو طعام را به فقیری بدهد هر چند از مال میت اگر ورثه راضی باشند).

1713- اگر پدر غیر از روزه رمضان، روزه واجب دیگری را مانند روزه نذر نگرفته باشد(۱) باید پسر بزرگتر

قضا نماید.

۱- «سیستانی» مستحب است.

«صافی» احتیاط واجب.

مسأله اختصاصی

«مکارم» مسأله ۱۴۳۹- اگر ولی میت نداند که میت قضای روزه بر ذمه دارد یا نه، واجب نیست برای او قضا بگیرد و اگر اجمالاً بداند مقداری قضای روزه بر ذمه او است، باید به اندازه ای که یقین دارد بجا آورد و بیش از آن لازم نیست.

احکام روزه مسافر

1714- مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد.

و مسافری که نمازش را تمام می خواند، مثل کسی که شغلش مسافرت، یا سفر او سفر معصیت است، باید در سفر روزه بگیرد.

1715- مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است.

1716- اگر غیر روزه رمضان روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد(۱)، بنا بر احتیاط واجب

نباید در آن روز مسافرت کند، و اگر در سفر باشد، باید قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد، ولی اگر نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد، می تواند در آن روز مسافرت نماید.

۱- «مکارم» (مثل این که نذر کرده نیمه شعبان را روزه بگیرد) بنا بر احتیاط واجب نباید در آن روز مسافرت کند، حتی اگر در سفر است باید در جایی قصد توقف ده روز کند و آن روز را روزه بگیرد.

«صافی» مثلاً نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد، بنا بر احتیاط مستحباً ناچار نشود، در آن روز مسافرت نکند و اگر در سفر باشد چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط مستحب قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد.

1717- اگر نذر کند روزه بگیرد و روز آن را معین نکند، نمی تواند آن را در سفر بجا آورد.

ولی چنانچه نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد^(۱) باید آن را در سفر بجا آورد. و نیز اگر نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد یا نباشد، روزه بگیرد، باید آن روز را اگرچه مسافر باشد روزه بگیرد.
۱- «مکارم» یا نذر کند روز معینی را- چه مسافر باشد چه نباشد- روزه بگیرد، احتیاط واجب آن است که آن روز را اگرچه مسافر باشد روزه بگیرد.

1718- مسافر می تواند برای خواستن حاجت، سه روز در مدینه طیبه روزه مستحبی بگیرد.^(۱)

۱- «سیستانی، مکارم» و احوط این است که آن سه روز، روزهای چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه باشد.

1719- کسی که نمی داند روزه مسافر باطل است، اگر در سفر روزه بگیرد و در بین روز مساله را بفهمد،

روزه اش باطل می شود، و اگر تا مغرب نفهمد، روزه اش صحیح است.

1720- اگر فراموش کند که مسافر است، یا فراموش کند که روزه مسافر باطل می باشد و در سفر روزه

بگیرد^(۱) روزه او باطل است.

۱- «مکارم» بنابر احتیاط واجب باید روزه را قضا کند.

1721- اگر روزه دار بعد از ظهر مسافرت نماید، باید روزه خود را تمام کند، و اگر پیش از ظهر مسافرت

کند، وقتی به حد ترخص برسد، یعنی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود، باید روزه خود را باطل کند، و اگر پیش از آن روزه را باطل کند، بنابر احتیاط کفاره نیز بر او واجب است.

1722- اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آن جا بماند،

چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده، باید آن روز را روزه بگیرد، و اگر انجام داده روزه آن روز بر او واجب نیست.

1723- اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آن

جا بماند، نباید آن روز را روزه بگیرد.

1724- مسافر و کسی که از روزه گرفتن عذر دارد، مکروه است در روز ماه رمضان جماع

نماید و در خوردن و آشامیدن کاملاً خود را سیر کند.

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

1725- کسی که به واسطه پیری نمی تواند روزه بگیرد، یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست، ولی در صورت دوم باید برای هر روز (۱) یک مد که تقریباً ۷۵۰ گرم است گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد.
۱- «گلپایگانی، صافی» بلکه در صورت اول نیز بنا بر احتیاط لازم یک مد طعام بدهد.

1726- کسی که به واسطه پیری روزه نگرفته، اگر بعد از ماه رمضان بتواند روزه بگیرد (۱)، بنا بر احتیاط واجب باید قضای روزهایی را که نگرفته بجا آورد.
۱- «خوئی، فاضل، سیستانی، صافی» احتیاط مستحب آن است که قضای روزه هایی را که نگرفته است بجا آورد.

1727- اگر انسان مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و نمی تواند تشنگی را تحمل کند، یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست. (۱) ولی در صورت دوم (۲) باید برای هر روز یک مد گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. و احتیاط واجب (۳) آن است که بیشتر از مقداری که ناچار است آب نیشامد، و چنانچه بعد بتواند روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب باید روزه هایی را که نگرفته قضا نماید.

۱- «گلپایگانی، صافی» ولی در صورت دوم و بلکه در صورت اول هم بنا بر احتیاط لازم باید برای هر روز یک مد گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. و احتیاط مستحب آن است که بیشتر از مقداری که ناچار است آب نیشامد و چنانچه بعد بتواند روزه بگیرد باید روزه هایی را که نگرفته قضا نماید.

«سیستانی» واجب نیست قضا نماید.

۲- «مکارم» در هر دو صورت

۳- «سیستانی، مکارم» احتیاط مستحب

1728- زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش (۱) ضرر دارد، روزه بر او واجب

نیست، و باید برای هر روز یک مد طعام، یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. و نیز اگر روزه برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست. و بنا بر احتیاط واجب باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد، و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته باید قضا نماید.

۱- «گلپایگانی، سیستانی» یا برای خودش ضرر دارد روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز (گلپایگانی: بنا بر احتیاط لازم) یک مد طعام به فقیر بدهد و (سیستانی: در هر دو صورت) روزه هایی را که نگرفته باید قضا نماید.

«صافی» ولی اگر روزه برای خودش ضرر دارد رعایت این احتیاط لازم نیست اگرچه بهتر است و روزه هایی را که نگرفته باید قضا نماید.

1729- زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است، چه مادر بچه یا دایه او باشد، یا بی اجرت شیر دهد(۱)، اگر روزه برای بچه ای که شیر می دهد ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد طعام، یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. و نیز اگر برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست، و بنابر احتیاط واجب باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته باید قضا نماید. ولی اگر کسی پیدا شود که بی اجرت بچه را شیر دهد، یا برای شیر دادن بچه از پدر یا مادر بچه یا از کس دیگر که اجرت او را بدهد اجرت بگیرد(۲)، احتیاط واجب آن است که بچه را به او بدهد و روزه بگیرد.

۱- «گلیایگانی، صافی» اگر روزه برای بچه یا برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت ... (تا آخر متن اصلی)

«سیستانی» ولی بنابر احتیاط واجب این حکم اختصاص به موردی دارد که شیر دادن بچه منحصر به همین راه باشد، و اما اگر راه دیگری برای شیر دادن بچه باشد- مثلاً این که چند زن در شیر دادن او شرکت کنند- ثبوت این حکم محل اشکال است.

۲- «مکارم» زنانی که بچه شیر می دهند خواه مادر بچه باشند یا دایه، اگر روزه گرفتن باعث کمی شیر آن ها و ناراحتی بچه شود روزه را قضا کنند. اما اگر روزه برای خودش ضرر داشته باشد، نه روزه واجب است و نه كفاره، ولی باید بعداً روزه هایی را که نگرفته اند قضا نمایند. (و اگر کسی پیدا شود که بدون اجرت، بچه را شیر دهد یا شخصی پیدا شود که اجرت دایه را بی منت پردازد، در این صورت روزه گرفتن واجب است.

راه ثابت شدن اول ماه

1730- اول ماه به پنج چیز ثابت می شود: اول: آنکه خود انسان ماه را ببیند. دوم: عده ای که از گفته آنان یقین پیدا می شود بگویند ماه را دیده ایم. و همچنین است هر چیزی که به واسطه آن یقین پیدا شود. سوم: دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده ایم، ولی اگر صفت ماه را بر خلاف یکدیگر بگویند، یا شهادتشان خلاف واقع باشد، مثل این که بگویند داخل دایره ماه طرف افق بود، اول ماه ثابت نمی شود. اما اگر در تشخیص بعضی خصوصیات اختلاف داشته باشند، مثل آن که یکی بگوید ماه بلند بود و دیگری بگوید نبود، به گفته آنان اول ماه ثابت می شود. چهارم: سی روز از اول ماه شعبان بگذرد که بواسطه آن اول ماه رمضان ثابت می شود، و سی روز از اول رمضان بگذرد که بواسطه آن اول ماه شوال ثابت می شود. پنجم: حاکم شرع حکم کند که اول ماه است. (سیستانی و خوئی این مورد را ذکر نکرده اند)

1731- اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است، کسی هم که تقلید او را نمی کند، باید به حکم او عمل

نماید، ولی کسی که می داند حاکم شرع اشتباه کرده، نمی تواند به حکم او عمل نماید. (۱)

۱- «خوئی، سیستانی» اول ماه به حکم حاکم شرع ثابت نمی شود و رعایت احتیاط اولی است.

1732- اول ماه با پیشگویی منجمین ثابت نمی شود، ولی اگر انسان از گفته آنان یقین^(۱) پیدا کند، باید به آن عمل نماید.

۱- «سیستانی» یا اطمینان

1733- بلند بودن ماه یا دیر غروب کردن آن، دلیل نمی شود که شب پیش، شب اول ماه بوده است.^(۱)

۱- «سیستانی» و همچنین اگر ماه طوق داشته باشد، دلیل نمی شود مال شب سابق بوده.

1734- اگر اول ماه رمضان برای کسی ثابت نشود و روزه نگیرد، چنانچه دو مرد عادل بگویند که شب پیش ماه را دیده ایم، باید روزه آن روز را قضا نماید.

1735- اگر در شهری اول ماه ثابت شود^(۱)، برای مردم شهر دیگر فایده ندارد، مگر آن دو شهر با هم نزدیک باشند، یا انسان بداند که افق آنها یکی است.^(۲)

۱- «سیستانی» در شهرهای دیگر که در افق با او متحد می باشند، اول ماه نیز ثابت می شود و مقصود از اتحاد افق، در اینجا آن است که اگر در شهر اول ماه دیده شود، در شهر دوم اگر مانعی مانند ابر نباشد دیده می شود و این در موردی محقق می شود که شهر دوم اگر در غرب شهر اول یا شمال یا جنوب آن باشد در خط عرض نزدیک به آن باشد و اگر در شرق آن است علاوه بر آن در خط طول بیش از ۸۸۰ کیلومتر دور نباشد.

«مکارم» برای شهرهای دیگر که با آن نزدیک است کافی است و همچنین شهرهای دوردستی که افق آن ها با هم متحد است، همچنین اگر در بلاد شرقی ماه دیده شود برای کسانی که در بلاد غربی نسبت به آن ها باشند کافی است (مثل این که اول ماه در مشهد ثابت شود مسلماً برای کسانی که در تهران هستند کافی است ولی عکس آن کفایت نمی کند)

«بهجت» اگر به این مطلب یقین نداشته باشند، نمی توانند به دیدن ماه در شهر دیگر اکتفا کنند.

۲- «صافی» بعید نیست کفایت رؤیت ماه در محلی برای سایر نقاط.

روزه های حرام و مکروه

1739- روزه عید فطر و قربان حرام است، و نیز روزی را که انسان نمی داند آخر شعبان است یا اول رمضان، اگر به نیت اول رمضان روزه بگیرد، حرام می باشد.

1740- اگر زن به واسطه گرفتن روزه مستحبی حق شوهرش از بین برود^(۱)، و همچنین اگر شوهر او را از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کند، بنا بر احتیاط واجب باید خودداری کند.

۱- «گلپایگانی، صافی» روزه بر زن حرام است و احتیاط مستحب آن است که اگر حق شوهر هم از بین نرود، بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد.

«سیستانی» روزه او حرام است و همچنین است - بنا بر احتیاط - اگر شوهر او را از گرفتن روزه مستحبی نهی نماید اگرچه حق شوهرش از بین نرود و احتیاط مستحب آن است بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد.

«مکارم» روزه گرفتن زن (روزه مستحبی) در صورتی که حق شوهرش از بین برود بدون اجازه او جایز نیست و اگر حق او از بین نرود نیز بنا بر احتیاط واجب باید با اجازه شوهر باشد.

1741- روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر یا جد شود، جایز نیست، بلکه اگر اسباب اذیت آنان نشود، ولی او را از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که روزه نگیرد.

1742- اگر پسر بدون اجازه پدر روزه مستحبی بگیرد، و در بین روز پدر او را نهی کند^(۱)، باید افطار کند.

۱- «خوئی، تبریزی، سیستانی، صافی، زنجانی» چنانچه مخالفت او موجب اذیتش (سیستانی: که ناشی از شفقت او است) باشد باید افطار کند.

1743- کسی که می داند روزه برای او^(۱) ضرر ندارد، اگرچه دکتر بگوید ضرر دارد، باید روزه بگیرد. و کسی

که یقین یا گمان دارد که روزه برایش ضرر دارد، اگرچه دکتر بگوید ضرر ندارد^(۲)، باید روزه نگیرد، و اگر روزه بگیرد، صحیح نیست^(۳)، مگر آن که به قصد قربت بگیرد و بعد معلوم شود ضرر نداشته.

۱- «سیستانی» ضرر قابل توجهی ندارد ...

۲- «سیستانی» واجب نیست روزه بگیرد و اگر روزه بگیرد به اعتقاد عدم ضرر در صورتی که واقعاً ضرر داشته باشد به احتیاط واجب روزه اش صحیح نیست.

۳- «مکارم» کسی که می داند روزه برای او ضرر دارد باید روزه را ترک کند و اگر روزه بگیرد صحیح نیست، همچنین اگر یقین ندارد اما احتمال قابل توجهی می دهد که روزه برای او ضرر دارد، خواه این احتمال از تجربه شخصی حاصل شده باشد یا از گفته طبیب. اگر طبیب بگوید روزه ضرر دارد اما او با تجربه دریافته است که ضرر ندارد باید روزه را بگیرد و در صورت معلوم نبودن ضرر می تواند یکی دو روز تجربه کند و بعد طبق دستور بالا عمل نماید.

1744- اگر انسان احتمال بدهد که روزه برایش ضرر دارد و از آن احتمال ترس برای او پیدا شود، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، نباید روزه بگیرد، و اگر روزه بگیرد صحیح نیست، مگر آن که به قصد قربت گرفته باشد و بعد معلوم شود ضرر نداشته.

1745- کسی که عقیده اش این است که روزه برای او ضرر ندارد، اگر روزه بگیرد و بعد از مغرب بفهمد

روزه برای او ضرر داشته، باید^(۱) قضای آن را بجا آورد.

۱- «سیستانی، مکارم، صافی» بنا بر احتیاط واجب

1746- غیر از روزه هایی که گفته شد، روزه های حرام دیگری هم هست که در کتابهای مفصل گفته شده است.

1747-روزه روز عاشورا و روزی که انسان شک دارد روز عرفه است یا عید قربان، مکروه

است. (۱)

۱- «مکارم» و روزه مهمان بدون اجازه میزبان نیز کراهت دارد.

روزه های مستحب

1748-روزه تمام روزهای سال غیر از روزه های حرام و مکروه که گفته شد مستحب است. و برای بعضی

از روزها بیشتر سفارش شده است، که از آن جمله است: ۱- پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر هر ماه، و چهارشنبه اولی که بعد از روز دهم ماه است. و اگر کسی اینها را بجا نیاورد مستحب است قضا نماید (۱)، و چنانچه اصلا نتواند روزه بگیرد، مستحب است برای هر روز یک مُد طعام (۲) یا ۱۲/۶ نخود نقره به فقیر بدهد. ۲- سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه. ۳- تمام ماه رجب و شعبان و بعضی از این دو ماه اگر چه یک روز باشد. ۴- روز عید نوروز (۳)، روز بیست و پنجم و بیست و نهم ذی قعدة، روز اول تا روز نهم ذی حجه (روز عرفه)، ولی اگر بواسطه ضعف روزه، نتواند دعاهای روز عرفه را بخواند، روزه آن روز مکروه است، عید سعید غدیر ۱۸ (ذی حجه روز)، اول و سوم محرم، میلاد مسعود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، (۱۷ ربیع الاول)، روز مبعث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (۲۷ رجب) و اگر کسی روزه مستحبی بگیرد واجب نیست آن را به آخر برساند، بلکه اگر برادر مؤمنش او را به غذا دعوت کند، مستحب است دعوت او را قبول کند، و در بین روز افطار نماید.

۱- «مکارم» ۳۰۲- (طبق متن اصلی) ۴- روز بیست و چهارم ذی الحجة و بیست و نهم ذی القعدة. ۵- روز اول ذی الحجه تا روز نهم، ولی اگر به واسطه ضعف روزه نتواند دعاهای روز عرفه را بخواند، روزه آن روز مکروه است. ۶- عید سعید غدیر (هیجده ذی الحجه). ۷- روز اول و سوم و هفتم محرم. ۸- روز تولد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله (۱۷ ربیع الاول). ۹- روز مبعث رسول خدا صلی الله علیه و آله (۲۷ رجب)... (تا آخر متن اصلی) ۱۰- روز عید نوروز.

۲- «خوئی، تبریزی، سیستانی» یا ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار به فقیر دهد، سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه، تمام ماه رجب و شعبان و بعضی از این دو ماه اگر چه یک روز باشد، روز عید نوروز، چهارم تا نهم شوال و روز بیست و پنجم و بیست و نهم ذی قعدة، روز اول تا نهم ذی حجه (روز عرفه) ولی اگر به واسطه ضعف روزه نتواند دعاهای روز عرفه را بخواند روزه آن روز مکروه است، روز عید سعید غدیر (۱۸ ذی حجه) و روز مباحله (۲۴ ذی حجه)، روز اول و سوم و هفتم محرم، روز میلاد مسعود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله (۱۷ ربیع الاول) و روز پانزدهم جمادی الاولی و نیز مستحب است روز مبعث... (تا آخر متن اصلی) اگر چه بعد از ظهر باشد.

۳- «گلپایگانی، صافی» و چهارم تا نهم شوال، روز بیست و پنجم و بیست و نهم ذی قعدة، روز اول تا روز نهم ذی حجه (روز عرفه)، ولی اگر به واسطه ضعف روزه نتواند دعاهای روز عرفه را بخواند، روزه آن روز مکروه است، عید سعید غدیر (۱۸ ذی حجه)، روز مباحله (بیست و چهارم ذی حجه)، روز اول و سوم و هفتم محرم، میلاد مسعود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله (۱۷ ربیع الاول)، پانزدهم جمادی الاولی، روز مبعث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله (۲۷ رجب) و اگر کسی... (تا آخر متن اصلی)

مواردی که مستحب است انسان از کارهایی که روزه را باطل می کند خودداری نماید.

1749- برای شش نفر مستحب است در ماه رمضان اگر چه روزه نیستند از کارهای که روزه را باطل می کند خودداری نمایند: اول: مسافری که در سفر، کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد و پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز بماند، برسد. دوم: مسافری که بعد از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز در آن جا بماند برسد. سوم: مریضی که پیش از ظهر خوب شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد. چهارم: (۱) مریضی که بعد از ظهر خوب شود. پنجم: زنی که در بین روز از خون حیض یا نفاس پاک شود. ششم: کافری که در روز ماه رمضان مسلمان شود.

۱- «مکارم» ولی اگر قبل از ظهر باشد و چیزی نخورده باشند احتیاط واجب آن است که روزه بگیرند.

1750- مستحب است روزه دار نماز مغرب و عشا را پیش از افطار کردن بخواند، ولی اگر کسی منتظر اوست یا میل زیادی به غذا دارد که نمی تواند با حضور قلب نماز بخواند، بهتر است اول افطار کند. ولی به قدری که ممکن است نماز را در وقت فضیلت آن بجا آورد.

بسم الله الرحمن الرحيم

استفتائات احکام روزه (از مقام معظم رهبری)

شرایط وجوب روزه و صحت آن

س ۷۳۱: دختری که به سن تکلیف رسیده، ولی به علت ضعف جسمانی توانایی روزه گرفتن ندارد، و بعد از ماه مبارک رمضان هم نمی تواند قضای آن را به جا آورد تا اینکه ماه رمضان سال بعد فرا می رسد، چه حکمی دارد؟

ج: ناتوانی از گرفتن روزه و قضای آن به مجرد ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضای روزه نمی شود، بلکه قضای روزه های ماه رمضان که از او فوت شده، بر وی واجب است.

س ۷۳۲: دخترانی که تازه به سن تکلیف رسیده اند و روزه گرفتن بر آنها مقداری مشکل است، چه حکمی دارند؟ آیا سن بلوغ شرعی دختران اکمال نه سال قمری است؟

ج: بنا بر نظر مشهور، بلوغ شرعی دختران همان تکمیل نه سال قمری است که در این هنگام روزه بر آنها واجب

است و ترک آن به مجرد بعضی از عذرها جایز نیست، ولی اگر روزه گرفتن برای ایشان ضرر داشته باشد یا تحمل آن برایشان همراه با مشقت زیاد باشد، افطار برای آنها جایز است.

س ۷۳۳: من زمان دقیق رسیدن به سن تکلیف خود را نمی‌دانم، خواهشمندم بیان فرمایید که از چه زمانی قضای نماز و روزه بر من واجب است؟
ج: فقط قضای آن مقدار از نمازها و روزه‌ها که یقین به فوت آن بعد از رسیدن به سن قطعی تکلیف شرعی دارید، بر شما واجب است.

س ۷۳۴: اگر دختر نه ساله‌ای که روزه بر او واجب شده، به دلیل دشواری، روزه‌اش را افطار نماید، آیا قضا بر او واجب است یا خیر؟
ج: قضای روزه‌هایی که از ماه رمضان افطار کرده، بر او واجب است.

س ۷۳۵: اگر فردی به خاطر عذری قوی، پنجاه درصد احتمال دهد که روزه بر او واجب نیست و به همین دلیل روزه نگیرد، ولی بعداً معلوم شود که روزه بر او واجب بوده، از جهت قضا و کفاره چه حکمی دارد؟

ج: اگر افطار عمدی روزه ماه مبارک رمضان به مجرد احتمال عدم وجوب روزه بر وی باشد، در فرض سؤال علاوه بر قضا، کفاره هم بر او واجب است. اما اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ عقلانی داشته باشد، کفاره واجب نیست، ولی قضا بر او واجب است.

س ۷۳۶: شخصی مشغول انجام خدمت سربازی است و به علت مسافرت و حضور در محل خدمت، نمی‌تواند روزه ماه رمضان سال گذشته را بگیرد، و هنگام حلول ماه رمضان امسال نیز در محل خدمت است و احتمال دارد که باز هم نتواند روزه بگیرد، اگر پس از پایان دوره خدمت سربازی بخواهد روزه این دو ماه را قضا نماید، آیا کفاره هم بر او واجب است یا خیر؟

ج: کسی که بر اثر عذر مسافرت، روزه ماه رمضان از او فوت شده و آن عذر تا ماه رمضان سال آینده استمرار داشته، فقط قضای آن بر او واجب است و کفاره تأخیر واجب نیست.

س ۷۳۷: اگر شخص روزه دار جنب باشد و تا قبل از اذان ظهر متوجه آن نشود و پس از آن غسل ارتماسی نماید، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟ و اگر بعد از غسل متوجه شود که در حال روزه غسل ارتماسی نموده است، آیا قضای آن واجب است؟

ج: اگر غسل ارتماسی بر اثر فراموشی و غفلت از روزه‌دار بودن باشد، غسل و روزه او صحیح است و قضای روزه‌اش بر او واجب نیست.

س ۷۳۸: اگر شخصی بخواهد قبل از زوال به محل اقامتش برسد، ولی در راه به خاطر پیشامد حادثه‌ای نتواند در زمان معین به مقصد برسد، آیا روزه او اشکال دارد و آیا کفاره بر او واجب است یا فقط قضای روزه آن روز را باید به جا آورد؟

ج: روزه‌اش در سفر صحیح نیست و بر او فقط قضای روزه آن روزی که پیش از ظهر به محل اقامتش نرسیده، واجب است و کفاره‌ای هم ندارد.

س ۷۳۹: اگر هواپیما در ارتفاع بالا و مسیر طولانی در حال پرواز باشد و پرواز حدود دو ساعت و نیم تا سه ساعت طول بکشد، مهماندار و خلبان هواپیما برای حفظ تعادل خود هر بیست دقیقه احتیاج به نوشیدن آب دارند، در این صورت آیا در ماه مبارک رمضان، کفاره و قضای روزه بر آنها واجب می‌شود؟

ج: اگر روزه برای آنها ضرر داشته باشد، جایز است که با نوشیدن آب افطار نمایند و قضای آن را بجا آورند و در این حالت کفاره بر آنها واجب نیست.

س ۷۴۰: اگر زن در ماه مبارک رمضان دو ساعت یا کمتر مانده به اذان مغرب حیض شود، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟

ج: روزه‌اش باطل است.

س ۷۴۱: کسی که با پوشیدن لباس مخصوص (مانند لباس غواصی) بدون اینکه بدنش خیس شود، در آب فرو رود، روزه‌اش چه حکمی دارد؟

ج: اگر لباس به سر او چسبیده باشد، صحت روزه‌اش محل اشکال است و بنا بر احتیاط وجوبی قضای آن لازم است.

س ۷۴۲: آیا مسافرت عمدی در ماه رمضان به قصد افطار و فرار از روزه گرفتن، جایز است؟

ج: مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، و در صورت مسافرت، ولو اینکه برای فرار از روزه باشد، افطار بر او واجب است.

س ۷۴۳: شخصی که روزه واجب بر عهده‌اش است و قصد دارد که آن را بگیرد، ولی بر اثر پیشامدی نتواند روزه بگیرد مثلاً بعد از طلوع خورشید آماده مسافرت شد و به سفر رفت و بعد از ظهر برگشت و در بین راه هم مرتکب هیچیک از مفطرات نشد، ولی وقت نیت روزه واجب از وی فوت شد، و آن روز هم از روزهائی است که روزه در آن مستحب است، آیا می‌تواند نیت روزه مستحبی کند یا خیر؟

ج: اگر قضای روزه ماه رمضان بر ذمه‌اش باشد، نیت روزه مستحبی حتی بعد از فوت وقت نیت روزه واجب، از

وی صحیح نیست.

س ۷۴۴: من معتاد به سیگار هستم و در ماه مبارک رمضان هر چه تلاش می‌کنم که تندخو نباشم نمی‌توانم و همین باعث ناراحتی زیاد افراد خانواده‌ام شده است و خودم هم از وضعیت دشوارم رنج می‌برم، تکلیف من چیست؟

ج: روزه ماه مبارک رمضان بر شما واجب است و بنا بر احتیاط واجب جایز نیست در حال روزه سیگار بکشید، و نباید بدون دلیل با دیگران تند برخورد کنید.

زن باردار و شیرده

س ۷۴۵: آیا روزه گرفتن بر زن بارداری که نمی‌داند روزه بر جنین او ضرر دارد یا خیر، واجب است؟

ج: اگر بر اثر روزه، خوف ضرر بر جنین داشته باشد و خوف وی هم دارای منشاء عقلایی باشد، افطار بر او واجب است و در غیر این صورت واجب است که روزه بگیرد.

س ۷۴۶: زنی که کودک خود را شیر می‌داده و باردار هم بوده و در همان حال روزه ماه رمضان را هم گرفته است، و هنگام زایمان فرزندش مرده به دنیا آمد، اگر از ابتدا احتمال ضرر را می‌داده و در عین حال روزه گرفته است:

1- آیا روزه‌اش صحیح است یا خیر؟

2- آیا دیه بر ذمه او هست یا خیر؟

3- اگر احتمال ضرر نمی‌داده، ولی بعدا معلوم شده که روزه گرفتن برای جنین ضرر داشته، چه حکمی دارد؟

ج: اگر با وجود خوف از ضرری که دارای منشاء عقلایی است، روزه گرفته باشد و یا بعدا برایش معلوم شود که روزه برای وی یا برای جنین‌اش ضرر داشته، روزه‌اش صحیح نیست و قضای آن بر او واجب است، ولی ثبوت دیه جنین متوقف بر این است که ثابت شود فوت جنین مستند به روزه گرفتن وی است.

س ۷۴۷: من به لطف خداوند متعال دارای فرزندی هستم که شیرخوار است. إن شاء الله تعالی بزودی ماه مبارک رمضان فرا خواهد رسید. در حال حاضر می‌توانم روزه بگیرم ولی در صورت روزه گرفتن، شیرم خشک خواهد شد. با توجه به اینکه دارای بنیه ضعیفی هستم و کودکم هر ده دقیقه شیر می‌خواهد، چه وظیفه‌ای دارم؟

ج: اگر به دلیل کم یا خشک شدن شیرتان بر اثر روزه، خوف ضرر بر طفل خود داشته باشید، روزه‌تان را افطار کنید، ولی برای هر روزی باید یک مد طعام به فقیر بدهید و قضای روزه را هم بعدا بجا آورید.

مرض و ممانعت دڪتر

س ۷۴۸: بعضی از پزشکان که به مسائل شرعی ملتزم نیستند، بیماران را از روزه گرفتن به دلیل ضرر داشتن منع می‌کنند، آیا گفته این پزشکان حجت است یا خیر؟

ج: اگر پزشک امین نباشد و گفته او هم اطمینان آور نباشد و باعث خوف ضرر نشود، گفته او اعتباری ندارد و در غیر این صورت نباید روزه بگیرد.

س ۷۴۹: مادرم تقریباً سیزده سال بیمار بود و به همین دلیل نمی‌توانست روزه بگیرد. من دقیقاً اطلاع دارم که علت روزه نگرفتن او احتیاج به مصرف دارو بوده است، امیدواریم ما را راهنمایی فرمائید که آیا قضای روزه‌ها بر او واجب است؟
ج: اگر ناتوانی او از روزه گرفتن بر اثر بیماری بوده، قضا ندارد.

س ۷۵۰: من بر اثر ضعف جسمانی از ابتدای سن بلوغ تا دوازده سالگی روزه نگرفته‌ام، در حال حاضر چه تکلیفی دارم؟
ج: واجب است روزه‌هایی را که در ماه مبارک رمضان نگرفته‌اید با اینکه به سن تکلیف رسیده بودید، قضا کنید، و اگر افطار روزه ماه رمضان عمدی و اختیاری و بدون عذر شرعی بوده، کفاره هم بر شما واجب است.

س ۷۵۱: چشم پزشک مرا از روزه گرفتن منع کرده و گفته است که به علت ناراحتی چشم به هیچ وجه نباید روزه بگیرم، ولی من به گفته او توجه نکرده و شروع به روزه گرفتن کردم که باعث بروز مشکلاتی برای من در اثنای ماه رمضان شد. به طوری که در بعضی از روزها هنگام عصر احساس ناراحتی می‌کنم، لذا متحیر و مردد هستم بین اینکه روزه بگیرم و یا ناراحتی‌ام را تحمل کرده و روزه را تا غروب ادامه دهم. سؤال این است که آیا اصولاً روزه گرفتن بر من واجب است؟ و در روزه‌هایی که روزه می‌گیرم و نمی‌دانم قدرت ادامه آن را تا غروب دارم یا نه، آیا روزه‌ام را ادامه دهم؟ و نیت من چگونه باید باشد؟

ج: اگر از گفته پزشک متدین و امین اطمینان حاصل کنید که روزه برای چشم شما ضرر دارد و یا خوف ضرر داشته باشید، روزه گرفتن برای شما واجب نبوده و بلکه جایز هم نیست، و با خوف ضرر نیت روزه صحیح نیست و در صورت عدم خوف ضرر نیت روزه اشکال ندارد، ولی صحت روزه متوقف بر این است که برای شما واقعا ضرر نداشته باشد.

س ۷۵۲: من از عینک طبی استفاده می‌کنم و در حال حاضر چشمانم بسیار ضعیف است. هنگامی که به پزشک مراجعه کردم به من گفت که اگر برای تقویت چشمانم تلاش نکنم، ضعیف‌تر خواهند شد، بنابراین اگر از روزه ماه رمضان معذور باشم، چه وظیفه‌ای دارم؟

ج: اگر روزه برای چشمان شما ضرر دارد، واجب نیست روزه بگیرید، بلکه واجب است افطار کنید و اگر بیماری شما تا ماه رمضان آینده استمرار پیدا کرد، قضای روزه بر شما واجب نیست، ولی واجب است که عوض هر روز یک مد طعام به فقیر بدهید.

س ۷۵۳: مادرم به بیماری شدیدی مبتلاست و پدرم نیز از ضعف جسمانی رنج می‌برد و در عین حال هر دو روزه می‌گیرند که گاهی مشخص است که روزه باعث تشدید بیماری آنها می‌شود، تاکنون نتوانسته‌ام آنها را قانع کنم که لااقل هنگام شدت بیماری روزه نگیرند. خواهشمندیم ما را در مورد حکم روزه آنها راهنمایی فرمائید.

ج: ملاک تأثیر روزه در ایجاد بیماری یا تشدید آن و عدم قدرت بر روزه گرفتن تشخیص خود روزه دار نسبت به خودش است و اگر بداند روزه برای او ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد و در عین حال بخواهد روزه بگیرد، روزه گرفتن برای وی حرام است.

س ۷۵۴: در سال گذشته توسط پزشک متخصص مورد عمل جراحی کلیه قرار گرفتم. وی مرا از گرفتن روزه تا آخر عمر منع نمود، ولی در حال حاضر هیچ مشکل و دردی احساس نمی‌کنم و حتی به طور طبیعی غذا می‌خورم و آب می‌نوشم و هیچیک از عوارض بیماری را هم حس نمی‌کنم، وظیفه من چیست؟

ج: اگر خود شما از ضرر روزه خوف ندارید و حجت شرعی هم بر آن ندارید، واجب است روزه ماه رمضان را بگیرید.

س ۷۵۵: اگر پزشک شخصی را از روزه گرفتن منع کند آیا با توجه به اینکه بعضی از پزشکان اطلاعی از مسائل شرعی ندارند، عمل به گفته او واجب است؟

ج: اگر مکلف از گفته پزشک یقین پیدا کند که روزه برای او ضرر دارد و یا از گفته وی یا منشاء عقلانی دیگری برای او خوف از ضرر حاصل شود، روزه گرفتن برای او واجب نیست، بلکه جائز هم نیست.

س ۷۵۶: در کلیه‌های من سنگ جمع می‌شود و تنها راه جلوگیری از جمع شدن سنگ در کلیه، نوشیدن مستمر مایعات است و از آنجائی که پزشکان معتقدند که من نباید روزه بگیرم، تکلیف واجب من نسبت به روزه ماه مبارک رمضان چیست؟

ج: اگر جلوگیری از بیماری کلیه مستلزم نوشیدن آب یا سایر مایعات در طول روز باشد، روزه گرفتن بر شما واجب نیست.

س ۷۵۷: از آنجا که مبتلایان به مرض قند مجبورند هر روز یک یا دو بار آمپول انسولین تزریق کنند و نباید در وعده‌های غذایی آنها تأخیر و فاصله بیفتد، زیرا باعث پائین آمدن میزان قند خون و در نتیجه نوعی تشنج و بیهوشی می‌شود، لذا گاهی پزشکان به آنها توصیه می‌کنند که در روز چهار نوبت غذا بخورند، خواهشمندیم نظر شریف خود را درباره روزه این افراد بیان فرمائید.

ج: اگر بدانند که خودداری از خوردن و آشامیدن از طلوع فجر تا غروب، به آنان ضرر می‌رساند یا خوف ضرر داشته باشند، روزه گرفتن بر آنها واجب نبوده و بلکه جایز نیست.

چیزهایی که امساک از آن واجب است

س ۷۵۸: من در روز ماه رمضان به علت اغوای شیطان تصمیم گرفتم روزه‌ام را باطل کنم لکن قبل از این که عملی که روزه را باطل می‌کند انجام دهم، از تصمیم خود منصرف شدم حکم روزه‌ام چیست؟ و اگر این امر در روزه غیر ماه رمضان پیش آید چه حکمی دارد؟

ج: در روزه ماه رمضان اگر در اثنای روز از نیت روزه گرفتن بر گردد به طوری که قصد ادامه روزه نداشته باشد، روزه‌اش باطل می‌شود و قصد دوباره او برای ادامه روزه فایده ندارد، البته تا اذان مغرب باید از کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری کند. اما اگر دچار تردید شود به این معنی که هنوز تصمیم نگرفته است روزه را باطل کند، یا تصمیم بگیرد کاری را که موجب باطل شدن روزه است صورت دهد و هنوز آن را انجام نداده در این دو صورت صحت روزه او محل اشکال است و احتیاط واجب آن است که روزه را تمام کند و بعداً هم آن را قضا نماید. هر روزه واجب معین دیگر - مانند نذر معین و امثال آن - نیز دارای همین حکم است.

س ۷۵۹: آیا اگر از دهان شخص روزه دار خون بیاید، روزه‌اش باطل می‌شود؟

ج: روزه به سبب آن باطل نمی‌شود، ولی واجب است که از رسیدن خون به حلق جلوگیری کند.

س ۷۶۰: حکم استعمال دخانیات مانند سیگار در حال روزه چیست؟

ج: احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از دودهای انواع دخانیات و نیز مواد مخدّری که از راه بینی یا زیر زبان جذب می‌شود خودداری کند.

س ۷۶۱: آیا ماده «ناس» که از توتون و غیر آن ساخته می‌شود و برای چند دقیقه زیر زبان گذاشته شده و سپس از دهان بیرون انداخته می‌شود، مبطل روزه است یا خیر؟

ج: اگر آب دهان مخلوط به ماده «ناس» را فرو ببرد، موجب بطلان روزه اش می شود.

س ۷۶۲: نوعی داروی طبی برای اشخاص مبتلا به تنگی نفس شدید وجود دارد که عبارت است از یک قوطی که در آن مایع فشرده شده وجود دارد و با فشار دادن آن داروی مایع بصورت پودر گاز از طریق دهان وارد ریه شخص بیمار شده و موجب تسکین حال وی می گردد. گاهی بیمار مجبور می شود در یک روز چندین بار از آن استفاده کند، آیا با وجود استفاده از این دارو، روزه گرفتن جایز است؟ با توجه به اینکه بدون استفاده از آن روزه گرفتن غیرممکن و یا بسیار سخت خواهد بود.

ج: اگر ماده مذکور هوای فشرده همراه با دارویی هرچند به صورت گاز یا پودر باشد و وارد حلق شود، صحّت روزه محل اشکال است و در صورتی که روزه گرفتن بدون استعمال آن، ممکن نیست یا مشقّت دارد، جایز است از آن استفاده کند، لکن احتیاط آن است که مبطل دیگری انجام ندهد و در صورت تمکّن (بدون استفاده از آن) روزه ها را قضا نماید.

س ۷۶۳: من در بیشتر روزها آب دهانم با خونی که از لته هایم می آید مخلوط می شود و گاهی نمی دانم آب دهانی که فرو می برم همراه با خون است یا خیر؟ روزهام با این حال چه حکمی دارد؟ امیدوارم مرا راهنمایی فرمایید.

ج: اگر خون لته در آب دهان مستهلک شود، محکوم به طهارت است و بلعیدن آن اشکال ندارد و مبطل روزه نیست، و همچنین در صورت شک در همراه بودن آب دهان با خون، فرو بردن آن اشکال ندارد و به صحّت روزه ضرر نمی زند.

س ۷۶۴: در یکی از روزهای ماه رمضان روزه گرفتم ولی دندان هایم را مسواک نزد، و بدون اینکه باقی مانده غذاهای لابلائی دندانها را عمدأ بیلم، خودبخود بلعیده شده است. آیا قضای روزه آن روز بر من واجب است؟

ج: اگر علم به وجود باقی مانده غذا در بین دندانهایتان و یا علم به رسیدن آن به حلق نداشته اید و فرو رفتن آن هم عمدی و با التفات نبوده، قضای روزه بر شما واجب نیست.

س ۷۶۵: از لته شخص روزه داری خون زیادی خارج می شود، آیا روزه اش باطل می شود؟ آیا برای او ریختن آب با ظرف بر سرش جایز است؟
ج: با خروج خون از لته تا آن را فرو نبرده است، روزه باطل نمی شود. همچنین ریختن آب بر روی سر توسط ظرف و مانند آن به صحّت روزه ضرر نمی رساند.

س: 766: داروهای مخصوصی برای معالجه بعضی از بیماری‌های زنان وجود دارد (شیافهای روغنی) که در داخل بدن گذاشته می‌شود، آیا استفاده از آن موجب بطلان روزه می‌شود؟

ج: استفاده از آن داروها به روزه ضرر نمی‌رساند.

س 767: نظر شریف جنابعالی درباره تزریق آمپول و سایر تزریقات نسبت به روزه‌داران در ماه مبارک رمضان، چیست؟

ج: احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از آمپول‌های مقوی یا مغذی و هر آمپولی که در رگ تزریق می‌شود و نیز

انواع سرم‌ها خودداری کند، لکن آمپول‌های دارویی که در عضله تزریق می‌شود و نیز آمپول‌هایی که برای

بی‌حس کردن به کار می‌رود، مانعی ندارد.

س: 768: آیا خوردن قرص فشار خون در حال روزه جایز است یا خیر؟

ج: اگر خوردن آن در ماه رمضان برای درمان فشار خون ضروری باشد، اشکال ندارد، ولی با خوردن آن روزه

باطل می‌شود.

س 769: اگر من و بعضی از مردم بر این عقیده باشیم که بر استفاده از قرصها جهت مداوا عنوان خوردن و آشامیدن صدق نمی‌کند، آیا عمل به آن جایز است و به روزه‌ام ضرر نمی‌زند؟

ج: خوردن قرص روزه را باطل می‌کند.

س 770: اگر شوهر با همسر خود در ماه رمضان جماع نماید و زن نیز به آن راضی باشد چه حکمی دارد؟

ج: بر هر یک از آنان حکم افطار عمدی جاری است و علاوه بر قضا، کفاره هم بر هر دو واجب است.

س 771: اگر مردی با همسرش در روز ماه رمضان شوخی و ملامحه نماید، آیا به روزه‌اش ضرر می‌رساند؟

ج: اگر منجر به انزال منی نشود، به روزه خللی وارد نمی‌کند.

بقا بر جنابت

س 772: اگر فردی به سبب برخی از مشکلات تا اذان صبح بر جنابت باقی بماند آیا روزه گرفتن در آن روز برای او جایز است؟

ج: در غیر ماه رمضان و قضای آن اشکال ندارد، ولی نسبت به روزه ماه رمضان و قضای آن، اگر معذور از غسل

است، تیمم کردن بر او واجب است و اگر تیمم هم نکند، روزه‌اش صحیح نیست.

س ۷۷۳: اگر شخصی در حال جنابت چند روز روزه بگیرد و نداند که طهارت از جنابت شرط صحت روزه است، آیا کفاره روزه‌هایی که در حال جنابت گرفته بر او واجب است یا اینکه قضای آنها کافی است؟

ج: در فرض مرقوم قضا کفایت می‌کند.

س ۷۷۴: آیا جایز است شخص جنب بعد از طلوع آفتاب غسل جنابت نماید و روزه قضا یا مستحب بگیرد؟

ج: اگر عمداً تا طلوع فجر بر جنابت باقی بماند، روزه ماه رمضان و قضای آن از او صحیح نیست، ولی اقوی صحت روزه‌های دیگر به خصوص روزه مستحبی است.

س ۷۷۵: شخصی در ماه رمضان در جایی مهمان شد و شب را در آن منزل خوابید و در نیمه‌های شب محتلم گردید و چون مهمان بود و با خود لباسی نداشت، برای فرار از روزه، تصمیم گرفت بعد از طلوع فجر مسافرت نماید، لذا بعد از طلوع فجر بدون اینکه چیزی بخورد به قصد مسافرت، حرکت نمود. سؤال این است که آیا قصد سفر توسط او موجب سقوط کفاره هست یا خیر؟

ج: اگر با حالت جنابت از خواب بیدار شود و علم به جنب بودن خود داشته باشد و قبل از فجر اقدام به غسل یا تیمم نکند، مجرد قصد سفر در شب و یا مسافرت در روز برای سقوط کفاره از او کافی نیست.

س ۷۷۶: کسی که آب در اختیار ندارد و یا به دلیل عذرهای دیگر غیر از تنگی وقت نمی‌تواند غسل جنابت بکند، آیا جایز است عمداً خود را در شبهای ماه مبارک رمضان جنب کند؟

ج: اگر وظیفه او تیمم باشد و بعد از اینکه خود را جنب کرده، وقت کافی برای تیمم داشته باشد، این کار برای وی جایز است.

س ۷۷۷: شخصی در ماه مبارک رمضان قبل از اذان صبح بیدار شده و متوجه محتلم شدن خود نشده و دوباره خوابیده و در اثنای اذان صبح بیدار شده و علم به جنابت خود پیدا می‌کند و یقین دارد که احتلامش قبل از اذان صبح بوده است، روزه او چه حکمی دارد؟

ج: اگر پیش از اذان صبح متوجه احتلام خود نشده است، روزه‌اش صحیح است.

س ۷۷۸: اگر مکلف در شب ماه رمضان قبل از اذان صبح بیدار شود و ببیند که محتلم شده است و دوباره پیش از اذان صبح به امید اینکه برای غسل کردن بیدار می‌شود بخوابد و تا بعد از طلوع آفتاب در خواب بماند و غسل خود را تا اذان ظهر به تأخیر بیندازد و بعد از اذان ظهر غسل کرده و نماز ظهر و عصر بخواند، روزه آن روز او چه حکمی دارد؟

ج: در فرض سؤال که خواب اول است روزه‌اش صحیح است ولی اگر دوباره خوابید و تا صبح بیدار نشد باید قضای آن روز را بجا آورد.

س ۷۷۹: اگر مکلف در شب ماه رمضان قبل از فجر شک کند که محتلم شده یا نه، ولی به شک خود اعتنا نکند و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود و متوجه گردد که قبل از طلوع فجر محتلم شده است، چه حکمی دارد؟

ج: اگر بعد از بیداری اول اثری از احتلام در خود مشاهده نکند، بلکه فقط احتمال آن را بدهد و چیزی بر او کشف نشود و تا بعد از اذان بخوابد، روزه‌اش صحیح است، هرچند بعد از آن معلوم شود که احتلام او مربوط به قبل از اذان صبح است.

س ۷۸۰: اگر شخصی در ماه مبارک رمضان با آب نجس غسل کند و بعد از یک هفته متوجه شود که آن آب نجس بوده است، نماز و روزه او در این مدت چه حکمی دارد؟

ج: نمازش باطل و قضای آن واجب است، ولی روزه‌های او محکوم به صحت است.

س ۷۸۱: شخصی مبتلا به بیماری بیرون آمدن مستمر قطرات بول به صورت موقت است، یعنی بعد از بول کردن، به مدت یک ساعت یا بیشتر قطرات آن از او خارج می‌گردد. با توجه به اینکه وی در بعضی از شبها جنب شده و گاهی یک ساعت قبل از اذان بیدار می‌شود و احتمال می‌دهد که بعد از آن منی با قطرات بول خارج شود، نسبت به روزه‌اش چه تکلیفی دارد؟ وظیفه او برای اینکه با طهارت داخل وقت شود، چیست؟

ج: اگر قبل از اذان صبح، غسل جنابت و یا تیمم بدل از آن انجام داده، روزه او صحیح است، هرچند بعد از آن بدون اختیار از او منی خارج شود.

س ۷۸۲: اگر شخصی قبل از اذان صبح یا بعد از آن بخوابد و در خواب جنب شده و بعد از اذان بیدار شود، چه مدتی برای غسل کردن وقت دارد؟

ج: در فرض سؤال، جنابت به روزه آن روز او ضرر نمی‌زند، ولی واجب است که برای نماز غسل کند و می‌تواند غسل را تا وقت نماز به تأخیر بیندازد.

س ۷۸۳: اگر غسل جنابت برای روزه ماه رمضان یا روزه‌های دیگر فراموش شود و در اثناء روز به یاد انسان بیفتد، چه حکمی دارد؟

ج: اگر در روزه ماه رمضان غسل جنابت را در شب تا طلوع فجر فراموش کند و با حالت جنابت صبح نماید، روزه‌اش باطل است و احوط این است که قضای روزه ماه رمضان هم در این حکم به آن ملحق شود. ولی در سایر روزه‌ها، روزه بر اثر آن باطل نمی‌شود.

استمناء

س ۷۸۴: حکم کسی که با آمیزش جنسی حرام یا استمناء یا خوردن و نوشیدن حرام روزه خود را در ماه رمضان باطل نموده چیست؟

ج: در فرض مرقوم باید شصت روز روزه بگیرد و یا شصت مسکین را اطعام نماید و احتیاط مستحب آن است

که هر دو را انجام دهد.

س ۷۸۵: اگر مکلف علم داشته باشد به اینکه استمناء روزه را باطل می‌کند، ولی عمداً آن را انجام دهد، آیا کفاره جمع بر او واجب می‌شود؟
ج: اگر عمداً استمناء کند و منی هم از او خارج شود، کفاره جمع بر او واجب نمی‌شود لکن احتیاطاً مستحب آن است که کفاره جمع بپردازد.

س ۷۸۷: شخصی چندین سال عادت به استمناء در ماه رمضان و غیر آن داشته است، نماز و روزه او چه حکمی دارد؟
ج: استمناء مطلقاً حرام است و اگر منجر به خروج منی شود، موجب غسل جنابت هم می‌شود، و اگر این عمل در حال روزه در روز ماه رمضان صورت بگیرد، در حکم افطار عمدی با حرام است، و اگر نماز و روزه را با حالت جنابت و بدون غسل و تیمم انجام دهد، نماز و روزه‌اش باطل و قضای آنها واجب است.

س ۷۹۴: انسان روزه داری که در یک روز بیش از یکبار کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد وظیفه‌اش چیست؟
ج: فقط یک کفاره بر او واجب می‌شود، بلی اگر این کار آمیزش جنسی یا استمناء باشد احتیاطاً واجب آن است که بعدد دفعات آمیزش جنسی یا استمناء کفاره بدهد.

احکام مبطلات روزه

س ۷۹۵: آیا تبعیت از اهل سنت در وقت افطار روزه در مراسم عمومی و مجالس رسمی و غیر آن، جایز است؟ اگر مکلف تشخیص دهد که این متابعت از موارد تقیه نیست و دلیلی برای التزام به آن وجود ندارد، وظیفه‌اش چیست؟
ج: تبعیت از دیگران در افطار روزه بدون احراز دخول وقت افطار، جایز نیست، و اگر از موارد تقیه باشد افطار جایز است، ولی روزه آن روز قضا دارد، و جایز نیست به طور اختیاری افطار نماید مگر بعد از آنکه داخل شدن شب و پایان یافتن روز را با یقین حسی و یا با حجت شرعی احراز نماید.

س ۷۹۶: اگر روزه‌دار باشم و مادرم مرا وادار به خوردن غذا یا نوشیدن کند، آیا روزه‌ام باطل می‌شود؟
ج: خوردن و آشامیدن روزه را باطل می‌کند، هرچند بر اثر درخواست و اصرار شخص دیگری باشد.

س ۷۹۷: اگر چیزی به زور وارد دهان روزه دار شود و یا سر او به همان صورت داخل آب گردد، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟ اگر وادار به باطل کردن

روزه‌اش شود، مثلاً به او بگویند که اگر روزه‌ات را نخوری، ضرری به خودت یا مالت وارد می‌سازیم، او هم برای دفع این ضرر غذا بخورد، آیا روزه‌اش صحیح است؟

ج: روزه شخص روزه دار با داخل شدن چیزی در حلقش بدون اختیار و یا با فرو بردن سرش به همان صورت به زیر آب باطل نمی‌شود، ولی اگر خودش بر اثر اکراه دیگری مرتکب مفطری شود، روزه‌اش باطل خواهد شد.

س ۷۹۸: اگر روزه دار جاهل باشد به اینکه تا به حد ترخص نرسیده، نباید قبل از زوال افطار کند، و قبل از حد ترخص به این اعتبار که مسافر است، افطار نماید، روزه این شخص چه حکمی دارد؟ آیا قضا بر او واجب است یا حکم دیگری دارد؟

ج: در فرض مرقوم، روزه‌اش باطل است و باید آن را قضا کند لکن اگر از حکم مسأله، غافل بوده کفاره ندارد.

س ۷۹۹: هنگامی که مبتلا به بیماری زکام بودم، مقداری از اخلاط سر و سینه در دهانم جمع شده بود که به جای بیرون انداختن، آن را فرو بردم، آیا روزه‌ام صحیح است یا خیر؟ در بعضی از روزهای ماه مبارک رمضان در منزل یکی از اقوام بودم که بر اثر زکام و خجالت و حیا مجبور شدم با خاک، تیمم بدل از غسل واجب بکنم و تا نزدیک ظهر غسل نکردم. این کار برای چند روز تکرار شد، آیا روزه‌ام در آن روزها صحیح است یا خیر؟

ج: فرو بردن اخلاط سر و سینه ضرری به روزه نمی‌رساند، ولی اگر به فضای دهان رسیده باشد بنا بر احتیاط واجب باید از فرو بردن آن خودداری نماید، و اما ترک غسل جنابت قبل از طلوع فجر روزی که می‌خواهید روزه بگیرید و انجام تیمم بدل از غسل به جای آن، اگر به خاطر عذر شرعی باشد و یا تیمم در آخر وقت و به خاطر تنگی آن باشد، موجب بطلان روزه نیست و روزه شما با تیمم صحیح است. در غیر این صورت، روزه شما در آن روزها باطل است.

س ۸۰۰: من در معدن آهن کار می‌کنم که طبیعت آن اقتضا می‌کند هر روز داخل معدن شده و در آن کار کنم و هنگام استفاده از ابزار کار غبار وارد دهانم می‌شود، بقیه ماههای سال هم به همین صورت بر من می‌گذرد، تکلیف من چیست؟ آیا روزه من در این حالت صحیح است؟

ج: فرو بردن غبار غلیظ هنگام روزه بنا بر احتیاط واجب موجب باطل شدن آن است و باید از آن پرهیز نمود، ولی مجرد داخل شدن غبار در دهان و بینی بدون اینکه به حلق برسد، روزه را باطل نمی‌کند.

کفاره روزه و مقدار آن

س ۸۰۱: آیا دادن پول یک مد طعام به فقیر تا با آن غذایی برای خودش بخرد، کافی است؟

ج: اگر اطمینان داشته باشد که فقیر به وکالت از او طعام خریده و سپس آن را به عنوان کفاره قبول می‌کند، اشکال ندارد.

س ۸۰۲: اگر شخصی وکیل در غذا دادن به عده‌ای از مساکین شود، آیا می‌تواند اجرت کار و پختن غذا را از اموالی که به عنوان کفاره به او داده شده است، بردارد؟

ج: مطالبه اجرت کار و پخت غذا برای وی جایز است، ولی نمی‌تواند آن را بابت کفاره حساب نماید و یا از اموالی که باید به عنوان کفاره به فقرا داده شود، بردارد.

س ۸۰۳: زنی به علت بارداری و نزدیکی وقت زایمان، نمی‌تواند روزه بگیرد و می‌داند که باید آنها را بعد از زایمان و قبل از ماه رمضان آینده قضا نماید، اگر به طور عمدی یا غیر عمدی تا چند سال روزه نگیرد، آیا فقط کفاره همان سال بر او واجب است یا آنکه کفاره تمام سالهایی که روزه را به تأخیر انداخته، واجب است؟

ج: فدیة تأخیر قضای روزه ماه رمضان هرچند به مدت چند سال هم به تأخیر افتاده باشد، یکبار واجب است و آن عبارت است از یک مدّ طعام برای هر روزی، و فدیة هم زمانی واجب می‌شود که تأخیر قضای روزه ماه رمضان تا ماه رمضان دیگر بر اثر سهل‌انگاری و بدون عذر شرعی باشد، ولی اگر به خاطر عذری باشد که شرعاً مانع صحّت روزه است، فدیة‌ای ندارد.

س ۸۰۴: زنی به علت بیماری از روزه گرفتن معذور است و قادر بر قضا کردن آنها تا ماه رمضان سال آینده هم نیست، در این صورت آیا کفاره بر او واجب است یا بر شوهرش؟

ج: اگر افطار روزه ماه رمضان از جهت بیماری و تأخیر قضای آن هم از جهت ادامه بیماری بوده است، برای هر روز یک مدّ طعام به عنوان فدیة بر خود زن واجب است و چیزی بر عهده شوهرش نیست.

س ۸۰۵: شخصی ده روز روزه بر عهده دارد و در روز بیستم شعبان شروع به روزه گرفتن می‌کند، آیا در این صورت می‌تواند عمداً روزه خود را قبل یا بعد از زوال، افطار کند؟ در صورتی که قبل یا بعد از زوال افطار نماید، چه مقدار کفاره دارد؟

ج: در فرض مذکور افطار عمدی برای او جایز نیست و اگر عمداً افطار کند، در صورتی که قبل از زوال باشد، کفاره‌ای بر او واجب نیست و اگر بعد از زوال باشد، کفاره بر او واجب است که عبارت است از غذا دادن به ده مسکین، و در صورت عدم تمکن، واجب است سه روز روزه بگیرد.

س ۸۰۶: زنی در دو سال متوالی در ماه مبارک رمضان حامله بوده و قدرت روزه گرفتن در آن ایام را نداشته است، ولی در حال حاضر توانایی روزه

گرفتن را دارد، حکم او چیست؟ آیا کفّاره جمع بر او واجب است یا فقط قضای آن را باید به جا آورد؟ تأخیر او در قضای روزه چه حکمی دارد؟
ج: اگر بر اثر عذر شرعی روزه ماه رمضان را نگرفته، فقط قضا بر او واجب است، و اگر عذر او در خوردن روزه خوف از ضرر روزه بر جنین یا کودکش بوده، باید علاوه بر قضا، برای هر روز یک مد طعام به عنوان فدیّه بپردازد، و اگر قضا را بعد از ماه رمضان تا ماه رمضان سال بعد، بدون عذر شرعی به تأخیر انداخته، فدیّه دیگری هم بر او واجب است یعنی باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

س ۸۰۷: آیا رعایت ترتیب بین قضا و کفّاره، در کفّاره روزه واجب است یا خیر؟
ج: واجب نیست.

قضای روزه

س ۸۰۸: هجده روز روزه به علت مسافرت در ماه رمضان برای انجام مأموریت دینی بر عهدهام می باشد، وظیفه من چیست؟ آیا قضای آنها بر من واجب است؟

ج: قضای روزه های ماه رمضان که بر اثر مسافرت از شما فوت شده، واجب است.

س ۸۱۰: کسانی که در ماه رمضان برای انجام وظیفه دینی در مسافرت هستند و به همین دلیل نمی توانند روزه بگیرند، اگر در حال حاضر بعد از چند سال تأخیر، بخواهند روزه بگیرند، آیا پرداخت کفّاره بر آنها واجب است؟

ج: اگر قضای روزه ماه رمضان را به علت استمرار عذری که مانع روزه گرفتن است، تا ماه رمضان سال آینده به

تأخیر انداخته باشند، قضای روزه هایی که از آنان فوت شده کافی است، و واجب نیست برای هر روزی یک مدّ

طعام فدیّه بدهند، هر چند احتیاط در جمع بین قضا و فدیّه است. ولی اگر تأخیر در قضای روزه به خاطر

سهل انگاری و بدون عذر باشد، جمع بین قضا و فدیّه بر آنها واجب است.

س ۸۱۱: شخصی به مدت ده سال بر اثر جهل نماز نخوانده و روزه نگرفته است، فعلاً توبه نموده و به سوی خدا بازگشته و تصمیم بر جبران آنها گرفته است، ولی توانایی قضای همه روزه های فوت شده را ندارد و مالی هم ندارد که با آن کفّاره هایش را بپردازد، آیا صحیح است که فقط به استغفار اکتفا کند؟

ج: قضای روزه های فوت شده در هیچ صورتی ساقط نمی شود، ولی نسبت به کفّاره افطار عمدی روزه ماه

رمضان، چنانچه قدرت بر روزه دو ماه و یا اطعام شصت مسکین برای هر روز نداشته باشد، باید به هر تعداد فقیر که قادر است غذا بدهد و احتیاط آن است که استغفار نیز بکند و اگر به هیچ وجه قادر به دادن غذا به فقرا نیست فقط کافی است که استغفار کند یعنی با دل و زبان خود بگوید: «استغفرالله» (از خداوند بخشایش می‌طلبم).

س ۸۱۲: من به علت عدم قدرت مالی و بدنی نتوانستم برای انجام کفاره‌هایی که بر من واجب شده بود روزه بگیرم و یا به مساکین اطعام نمایم و در نتیجه، استغفار نمودم لکن به لطف الهی اکنون توان روزه گرفتن یا اطعام نمودن دارم، وظیفه‌ام چیست؟

ج: در فرض مرقوم، انجام کفاره لازم نیست گر چه احتیاط مستحب آن است که انجام داده شود.

س ۸۱۳: اگر شخصی بر اثر جهل به وجوب قضای روزه تا قبل از ماه رمضان سال آینده قضای روزه‌هایش را به تأخیر اندازد، چه حکمی دارد؟

ج: فدیة تأخیر قضای روزه تا ماه رمضان سال بعد، بر اثر جهل به وجوب آن ساقط نمی‌شود.

س ۸۱۴: فردی که به مدت صدو بیست روز روزه نگرفته، چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا باید برای هر روز شصت روز روزه بگیرد؟ و آیا کفاره بر او واجب است؟

ج: قضای آنچه از ماه رمضان از او فوت شده، بر او واجب است، و اگر افطار عمدی و بدون عذر شرعی بوده، علاوه بر قضا، کفاره هر روز هم واجب است که عبارت است از شصت روز روزه یا اطعام شصت فقیر و یا دادن شصت مد طعام به شصت مسکین که سهم هر کدام یک مد است.

س ۸۱۵: تقریباً یک ماه روزه گرفته‌ام به این نیت که اگر روزه‌ای بر عهده‌ام باشد قضای آن محسوب شود و اگر روزه‌ای بر

عهده‌ام نیست به قصد قربت مطلق باشد، آیا این یک ماه روزه به حساب روزه‌های قضایی که بر ذمه دارم، محسوب می‌شود؟

ج: اگر به نیت آنچه که در زمان روزه گرفتن شرعاً مأمور به آن بوده‌اید، اعم از روزه قضاء یا مستحبی، روزه

گرفته‌اید و روزه قضا هم بر عهده شما باشد، به عنوان روزه قضاء محسوب می‌شود.

س ۸۱۶: کسی که نمی‌داند چه مقدار روزه قضا دارد و با فرض داشتن روزه قضا روزه مستحبی بگیرد، اگر معتقد باشد که روزه قضا ندارد، آیا به

عنوان روزه قضا محسوب می‌شود؟

ج: روزه‌هایی را که به نیت استحباب گرفته به جای روزه قضایی که بر عهده‌اش هست، محسوب نمی‌شود.

س ۸۱۷: نظر شریف جنابعالی درباره شخصی که بر اثر جهل به مسأله، عمداً روزه‌اش را افطار کرده، چیست؟ آیا فقط قضا بر او واجب است یا اینکه

کفّاره هم باید بدهد؟

ج: اگر به سبب بی‌اطلاعی از حکم شرعی، کاری را انجام دهد که روزه را باطل می‌کند - مثل اینکه نمی‌داند خوردن دارو نیز مانند سایر خوردنیها روزه را باطل می‌کند و در روز ماه رمضان دارو خورد - روزه‌اش باطل است و باید آن را قضا کند ولی کفّاره بر او واجب نیست.

س: 818: کسی که در اوائل سن تکلیف بر اثر ضعف و عدم توانایی، نتوانسته روزه بگیرد، آیا فقط قضا بر او واجب است یا قضا و کفّاره با هم بر او واجب است؟

ج: اگر گرفتن روزه برای او حرجی نبوده و عمداً افطار کرده، علاوه بر قضا، کفّاره نیز بر او واجب است و اگر خوف داشته باشد که اگر روزه بگیرد مریض شود، فقط قضای روزه‌ها بر عهده او می‌باشد.

س: 819: کسی که تعداد روزهایی که روزه نگرفته و مقدار نمازهایی را که نخوانده نمی‌داند، وظیفه‌اش چیست؟ کسی هم که نمی‌داند روزه‌اش را بر اثر عذر شرعی افطار کرده و یا عمداً آن را خورده است، چه حکمی دارد؟

ج: جایز است که به قضای آن مقدار از نماز و روزه‌هایش که یقین به فوت آنها دارد، اکتفا نماید، و در صورت شک در افطار عمدی کفّاره واجب نیست.

س: 820: اگر شخصی که در ماه رمضان روزه دار است، در یکی از روزها برای خوردن سحری بیدار نشود و لذا نتواند روزه را تا غروب ادامه دهد و در وسط روز حادثه‌ای برای او اتفاق بیفتد و روزه را افطار کند، آیا یک کفّاره بر او واجب است یا کفّاره جمع؟

ج: اگر روزه را تا حدی ادامه دهد که روزه بر اثر تشنگی و گرسنگی برای او حرجی شود و در نتیجه آن را افطار نماید، فقط قضا بر او واجب است و کفّاره‌ای ندارد.

س: 821: اگر شک کنم در اینکه اقدام به گرفتن قضای روزه‌هایی را که بر عهده‌ام بوده، کرده‌ام یا خیر تکلیف من چیست؟

ج: اگر یقین به اشتغال قبلی ذمه خود دارید، واجب است به مقداری که موجب یقین به انجام تکلیف می‌شود، روزه قضا بگیرید.

س: 822: کسی که هنگام بلوغ فقط یازده روز از ماه رمضان را روزه گرفته و یک روز را هم در موقع ظهر افطار کرده و در مجموع هجده روز روزه نگرفته است، و در مورد آن هجده روز نمی‌داند که با ترک عمدی روزه کفّاره بر او واجب است، چه حکمی دارد؟

ج: اگر روزه ماه رمضان را از روی عمد و بدون عذر شرعی افطار کرده، باید علاوه بر قضا، کفّاره هم بدهد اعم

از اینکه هنگام خوردن روزه عالم به وجوب کفاره و یا جاهل به آن باشد.

س ۸۲۳: اگر پزشک به بیماری بگوید که روزه برای شما ضرر داد و او هم روزه نگیرد، ولی بعد از چند سال بفهمد که روزه برای وی ضرر نداشته و پزشک در تشخیص خود اشتباه کرده است، آیا قضا و کفاره بر او واجب است؟

ج: اگر از گفته پزشک متخصص و امین و یا از منشأ عقلایی دیگر، خوف از ضرر پیدا کند و روزه نگیرد، فقط قضا بر او واجب است.

مسائل متفرقه روزه

س ۸۲۵: شخصی از اول ماه رمضان تا بیست و هفتم ماه را در وطن خود (بندر دیر) روزه گرفته و در صبح روز بیست و هشتم به دبی مسافرت کرده و در روز بیست و نهم به آنجا رسیده و متوجه شده که در آنجا عید اعلام شده است، او اکنون به وطن خود برگشته، آیا قضای روزه‌هایی که از وی فوت شده، واجب است؟ اگر یک روز قضا نماید، ماه رمضان نسبت به او بیست و هشت روز می‌شود و اگر بخواهد دو روز قضا کند، روز بیست و نهم در جایی بوده که در آنجا عید اعلام شده بود، این شخص چه حکمی دارد؟

ج: اگر اعلان عید در روز بیست و نهم در آن مکان، به نحو شرعی و صحیح باشد، قضای آن روز بر او واجب نیست، ولی با فرض اینکه افق دو محل یکی بوده این امر کشف می‌کند که یک روز روزه در اول ماه از او فوت شده، لذا واجب است قضای روزه‌ای را که یقین به فوت آن دارد، بجا آورد.

س ۸۲۶: اگر روزه‌داری هنگام غروب در سرزمینی افطار کرده باشد و سپس به جایی مسافرت کند که خورشید در آن هنوز غروب نکرده است، روزه آن روز او چه حکمی دارد؟ آیا تناول مفطرات برای او در آنجا قبل از غروب خورشید جایز است؟

ج: روزه او صحیح است و تناول مفطرات در آن مکان قبل از غروب خورشید با فرض اینکه در وقت غروب در سرزمین خود افطار کرده، برای او جایز است.

س ۸۳۰: از بعضی از علما و غیر آنان شنیده‌ایم که اگر انسان هنگام روزه مستحبی به خوردن غذا دعوت شود، می‌تواند آن را قبول کرده و مقداری از غذا میل کند و با این کار روزه‌اش باطل نمی‌شود، بلکه ثواب هم دارد امیدواریم نظر شریف خود را در این باره بیان فرمایید.

ج: قبول دعوت مؤمن در حال روزه مستحبی، شرعاً امری پسندیده است و خوردن غذا به دعوت برادر مؤمن هرچند روزه را باطل می‌کند، ولی او را از اجر و ثواب روزه محروم نمی‌سازد.

س ۸۳۱: دعاهایی مخصوص ماه رمضان به صورت دعای روز اول و روز دوم تا آخر ماه وارد شده است، قرائت آنها در صورت شک در صحت شان چه حکمی دارد؟

ج: به هر حال اگر قرائت آنها به قصد رجاء ورود و مطلوبیت باشد، اشکال ندارد.

رؤیت هلال

س ۸۳۴: همانطور که می دانید، وضعیت هلال در آخر یا اول ماه به یکی از حالت های زیر است:

۱. غروب هلال قبل از غروب خورشید باشد.

۲. غروب هلال مقارن با غروب خورشید باشد.

۳. غروب هلال بعد از غروب خورشید باشد.

لطفاً بیان فرمایید کدام یک از حالات سه گانه فوق را می توان برای تعیین اول ماه به حساب آورد؟

ج: در هر سه فرض، رؤیت هلال برای اثبات حلول ماه قمری جدید از شبی که پس از رؤیت است کفایت می کند.

س ۸۳۵: آیا رؤیت تصویر هلال ماه با استفاده از دوربین CCD و انعکاس نور و بازخوانی اطلاعات ضبط شده توسط رایانه، برای اثبات اول ماه کفایت می کند؟

ج: رؤیت با وسیله، فرقی با رؤیت به طریق عادی ندارد و معتبر است. ملاک آن است که عنوان رؤیت محفوظ باشد. پس رؤیت با چشم و با عینک و با تلسکوپ محکوم به حکم واحدند. اما در مورد انعکاس به رایانه که در آن صدق عنوان رؤیت معلوم نیست محل اشکال است.

س ۸۳۶: اگر هلال ماه شوال در یک شهر دیده نشود، ولی تلویزیون و رادیو از حلول آن خبر دهند، آیا کافی است یا تحقیق بیشتری واجب است؟
ج: اگر مفید اطمینان به ثبوت هلال گردد یا صدور حکم به هلال از طرف ولی فقیه باشد، کافی است و نیازی به تحقیق نیست.

س ۸۳۷: اگر تعیین اول ماه رمضان و عید سعید فطر به علت عدم امکان رؤیت هلال اول ماه به سبب وجود ابر در آسمان یا اسباب دیگر، ممکن نباشد و سی روز ماه شعبان یا ماه رمضان کامل نشده باشد، آیا برای ما که در زاین زندگی می کنیم، جایز است که به افق ایران عمل کرده و یا به تقویم اعتماد کنیم؟ وظیفه ما چیست؟

ج: اگر اول ماه از طریق رؤیت هلال حتی در افق شهرهای مجاور که اتحاد افق دارند، و یا از طریق شهادت دو فرد عادل و یا از طریق حکم حاکم ثابت نشود، باید احتیاط کرد تا اول ماه ثابت شود.

س ۸۳۸: آیا اتحاد افق در رؤیت هلال شرط است یا خیر؟

ج: بلی شرط است.

س ۸۳۹: مقصود از اتحاد افق چیست؟

ج: منظور از آن، شهرهایی است که از جهت احتمال رؤیت و عدم احتمال رؤیت هلال یکسان باشند.

س ۸۴۰: اگر روز بیست و نهم ماه در تهران و خراسان عید باشد، آیا برای افرادی هم که در شهری مانند بوشهر مقیم هستند، جایز است افطار کنند؟ با توجه به اینکه افق تهران و خراسان با افق بوشهر یکی نیست.

ج: به طور کلی اگر اختلاف بین افق دو شهر به مقداری باشد که با فرض رؤیت هلال در یکی، هلال در دیگری قابل رؤیت نباشد، رؤیت آن در شهرهای غربی برای مردم شهرهای شرقی که احتمال رؤیت در آن به طور قطع و یقین منتفی باشد، کفایت نمی‌کند.

س ۸۴۱: اگر بین علمای یک شهر راجع به ثبوت هلال یا عدم آن اختلاف رخ دهد و عدالت آنها هم نزد مکلف ثابت بوده و به دقت همه آنها در استدلال خود مطمئن باشد، وظیفه واجب مکلف چیست؟

ج: اگر اختلاف دو بینه به صورت نفی و اثبات باشد، یعنی یکی مدعی ثبوت هلال و دیگری مدعی عدم ثبوت آن باشد، این اختلاف موجب تعارض دو بینه و تساقط هر دو است، و وظیفه مکلف این است که هر دو نظر را کنار گذاشته و درباره افطار کردن یا روزه گرفتن به آنچه که مقتضای اصل است، عمل نماید. ولی اگر بین ثبوت هلال و عدم علم به ثبوت آن اختلاف داشته باشند، به این صورت که بعضی از آنها مدعی رؤیت هلال باشند و بعضی دیگر مدعی عدم مشاهده آن، قول کسانی که مدعی رؤیت هلال هستند، در صورت عادل بودن، حجت شرعی برای مکلف است و باید از آن متابعت کند، و همچنین اگر حاکم شرعی حکم به ثبوت هلال نماید، حکم وی حجت شرعی برای همه مکلفین است و باید از آن پیروی کنند.

س ۸۴۲: اگر شخصی هلال ماه را ببیند و بداند که رؤیت هلال برای حاکم شرع شهر او به هر علتی ممکن نیست، آیا او مکلف است که رؤیت هلال را به حاکم اطلاع دهد؟

ج: اعلام بر او واجب نیست مگر آنکه ترک آن مفسده داشته باشد.

س ۸۴۳: همانگونه که می‌دانید اکثر فقهای بزرگوار پنج راه برای ثبوت اول ماه شوال در رساله‌های عملیه خود بیان کرده‌اند که ثبوت نزد حاکم شرع

در ضمن آنها نیست، بنا بر این چگونه بیشتر مؤمنین به مجرد ثبوت اول ماه شوال نزد مراجع، روزه خود را افطار می‌کنند؟ شخصی که از این راه اطمینان به ثبوت هلال پیدا نمی‌کند، چه تکلیفی دارد؟

ج: تا حاکم حکم به رؤیت هلال نکرده، مجرد ثبوت هلال نزد او، برای تبعیت دیگران از وی کافی نیست، مگر آنکه اطمینان به ثبوت هلال حاصل نمایند.

س ۸۴۴: اگر ولی امر مسلمین حکم نماید که فردا عید است و رادیو و تلویزیون اعلام کنند که هلال در چند شهر دیده شده است، آیا عید برای تمامی نواحی کشور ثابت می‌شود یا فقط برای شهرهایی که ماه در آنها دیده شده و شهرهای هم‌افق با آنها، ثابت می‌گردد؟

ج: اگر حکم حاکم شامل همه کشور باشد، حکم او شرعاً برای همه شهرها معتبر است.

س ۸۴۵: آیا کوچکی هلال و باریک بودن و اتصاف آن به خصوصیات هلال شب اول، دلیل بر این محسوب می‌شود که شب قبل شب اول ماه نبوده، بلکه شب سی‌ام ماه قبلی بوده است؟ اگر عید برای شخصی ثابت شود و از این راه یقین پیدا کند که روز قبل عید نبوده، آیا قضای روزه روز سی‌ام ماه رمضان را باید به جا آورد؟

ج: مجرد کوچکی و پائین بودن هلال یا بزرگی و بالا بودن و یا پهن یا باریک بودن آن دلیل شرعی شب اول یا دوم بودن نیست، ولی اگر مکلف از آن علم به چیزی پیدا کند باید به مقتضای علم خود در این زمینه عمل نماید.

س ۸۴۶: آیا استناد به شبی که در آن ماه به صورت قرص کامل است (شب چهاردهم) و اعتبار آن به عنوان دلیل برای محاسبه اول ماه جایز است تا از این راه وضعیت یوم الشک معلوم شود که مثلاً روز سی‌ام ماه رمضان است و احکام روز ماه رمضان بر آن مترتب شود، مثلاً بر کسی که این روز را بر اساس بیته روزه نگرفته، حکم به وجوب قضای روزه شود و کسی هم که به دلیل استصحاب بقای ماه رمضان روزه گرفته، بریء الذمه باشد؟

ج: امر مذکور حجت شرعی بر آنچه ذکر شد، نیست، ولی اگر مفید علم به چیزی برای مکلف باشد، واجب است که طبق آن عمل نماید.

س ۸۴۷: آیا استهلال در اول هر ماه واجب کفایی است یا احتیاط واجب؟

ج: استهلال فی نفسه واجب شرعی نیست.

س ۸۴۸: آیا اول ماه مبارک رمضان و آخر آن با رؤیت هلال ثابت می‌شود یا با تقویم، هرچند ماه شعبان سی روز نباشد؟

ج: اول یا آخر ماه رمضان با رؤیت شخص مکلف یا با شهادت دو فرد عادل یا با شهرتی که مفید علم است یا با گذشت سی روز و یا به وسیله حکم حاکم ثابت می‌شود.

س ۸۴۹: اگر تبعیت از اعلام رؤیت هلال توسط یک دولت جایز شد، و آن اعلام معیاری علمی برای ثبوت هلال سرزمین‌های دیگر را تشکیل دهد، آیا اسلامی بودن آن حکومت شرط است، یا اینکه عمل به آن حتی اگر حکومت ظالم و فاجر هم باشد، ممکن است؟

ج: ملاک در این مورد، حصول اطمینان به رؤیت در منطقه‌ای است که نسبت به مکلف کافی محسوب می‌شود.

س ۸۵۰: خواهشمند است نظر مبارک خود را در خصوص اعتکاف در مساجد (جامع و غیر جامع) غیر از مساجد اربعه بیان فرمایید.

ج: رجائاً اشکال ندارد.

امیدواریم شما یکی از برندگان مسابقه کتابخوانی باشید.

پاورقیها:

۱. یس، آیه ۶۱ - ۶۰.

۲. بقره، آیه ۱۸۳.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۲۴.

۴. به نقل از مستدرک، ج ۳، ص ۸۱.

۵. همان.

۶. خودسازی (تهذیب نفس)، نوشته آیه الله امینی، ص ۲۰۹.

۷. اسراء، آیه ۱۱.

۸. فاطر، آیه ۱۵.

۹. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۹.

۱۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

۱۱. همان، حکمت ۲۵۲.

۱۲. بحار، ج ۹۳، ص ۳۶۸.

۱۳. وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۲۹۲.

۱۴. غرر الحکم، ص ۱۷.

۱۵. بحار، ج ۹۳، ص ۳۶۹.ق.

۱۶. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۳.

۱۷. بحار، ج ۹۶، ص ۳۵۶ و عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۳۰.

۱۸. وسایل الشیعه، ج ۷، باب اول کتاب صوم، ص ۳ و ۴؛ بحار، ج ۹۳، ص ۳۷۱.

۱۹. همان.

۲۰. همان، ص ۳۳۹.

۲۱. همان، ج ۹۶، ص ۲۵۵ و تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۳۳.

۲۲. همان، ص ۶۳۲.

۲۳. روزه درمان بیماریهای روح و جسم، ص ۸۶ - ۸۵.

منابع:

۱. یس، آیه ۶۱ - ۶۰.

۲. بقره، آیه ۱۸۳.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۲۴.

۴. به نقل از مستدرک، ج ۳، ص ۸۱.

۵. خودسازی (تهذیب نفس)، نوشته آیه الله امینی، ص ۲۰۹.

۶. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۹.

۷. بحار، ج ۹۳، ص ۳۶۸.

۸. وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۲۹۲.

۹. غرر الحکم، ص ۱۷.

۱۰. بحار، ج ۹۳، ص ۳۶۹.

۱۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۳.

۱۲. بحار، ج ۹۶، ص ۳۵۶ و عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۳۰.

۱۳. وسایل الشیعه، ج ۷، باب اول کتاب صوم، ص ۳ و ۴؛ بحار، ج ۹۳، ص ۳۷۱.

واحد فرهنگی مسجد امام حسین (ع)